

۷ هفته ...
سفره سرای مهدی
 در منطقه Swiss Cottage



هزار و یکشب
 با هزار و یک خاطره
BOAT PARTY
 SATURDAY 1st of SEPTEMBER
 SATURDAY 8th of SEPTEMBER
07967021001

Issue 9 - Friday 24 August 2007

سال اول - شماره نهم جمعه ۹ شهریور ماه ۱۳۸۶

Free

ناخنک هفته... صفحه ۵
 تقدس در خانواده های ایرانی ... صفحه
 نگاهی بر فرهنگ و ادبیات افغانستان و تاجیکستان ... صفحه ۲۸
 بابک خرمدین در آذربایجان ... صفحه ۳۰

گزارشی تصویری و اختصاصی از کانال
NOTTING HILL GATE

بورخس
 به
 اردبیل
 خوش
 آمدی!!

صفحه ۲۲

آیا
 بوسیدن
 خطرناک
 است؟
 صفحه ۱۸



با کسب مدال طلای
 والیبال نوجوانان جهان،
 ایران تاریخ را به هم
 ریخت!

صفحه ۱۵

بدینوسیله از کلیه عزیزانی که
 در مراسم یادبود شادروان، بانو
 الهه شرکت نمودند سپاسگذاری
 می نمایم از طرف دکتر شاهرخ میر اسکندری

با سپردن کلیه مشکلات خود در امور تصادفات به
 کادر مجرب Signature Claims آسودگی خاطر خود را تضمین نمایید.
 برای اطلاعات بیشتر با آقای محمد عزیزی
 تماس حاصل فرمایید
020 8202 2822 - 07958 192 192
0800 047 0940
 5Park Road, West Hendon, London, NW4 3QB
 azizi@signatureclaims.co.uk



شما هم آگه خبر مهمی دارید برای ما بفرستید
reports@persianweekly.co.uk

سر آغاز

فال حافظ این هفته



صبا اگر گذری افتد بکشور دوست
بیار نفه ای از کیسوی معنیر دوست
اگر به دوست بپیزی نمی فرد مارا
بعالمی نفروشمی موئی از سر دوست

ای صاحب فال گروهی با تو حسد میبرند و دشمن شما هستند اما از دست آنها کاری بر نمی آید مترس کارها وفق مراد تو خواهد بود . سفری در پیش داری در آن سفر راحتی بسیار خواهی دید شما کمی تند خو و عصبانی هستی و این سبب انواع بیماریهاست بخدا توکل کن و از او کمک بخواه

با پوزش از خوانندگان بعلت سفر ترانه به خارج از کشور تا آخرین لحظه موفق به دریافت مطالب ایشان نشدید لذا در صورت امکان هفته بعد از مطالب ایشان حتما استفاده خواهیم نمود.



شعری از دکتر شفیعی کدکنی

در روز های آخر اسفند

کوچ بنفشه های مهاجر

زیباست

در نیمروز روشن اسفند

وقتی بنفشه ها را

از سایه های سرد

در اطلس شمیم بهاران

با خاک و ریشه مهین سیارشان

در جعبه های کوچک چوبی

در گوشه خیابان می آورند

جوی هزار زمزمه در من می جوشد

ای کاش آدمی وطنش را

مثل بنفشه ها

(در جعبه های خاک)

یک روز می توانست

همراه خویشتن ببرد هر کجا که خواست

در روشنای باران

در آفتاب پاک

انتظاری منصفانه!!!

هفته نامه پرشین را تعدادی از علاقمندان به سبک و سیاقی که می بینید اداره می کنند. از ابتدای راه اندازی هفته نامه با مشکلات متعددی روبرو بود اما با همکاری تعدادی از دوستان و طرح هایی برای پیشبرد بهتر شدن هفته نامه ارائه شد که باعث بهتر شدن کمیت و کیفیت هفته نامه گردید. از ابتدا در این هفته نامه قصد داشتیم و داریم:

۱- معرفی آثار برجسته هنری و فرهنگی ایران و جهان

۲- معرفی و ترجمه قوانین مهاجرت بخصوص ساکنین لندن

۳- معرفی هنر ملتها و بویژه فرهنگ مردم منطقه و همسایگان ایران

۴- معرفی آثار جوانان و گروههای نوپای حرفه ای و غیر حرفه ای

۵- معرفی و نقد سایتها و وبلاگهای فعال

درهای این هفته نامه نه نیمه باز، بلکه کاملا باز گذاشته ایم تا شما هم اگر خواستید به جمع ما به پیوندید و به تناسب امکان و تمایلی که دوست دارید در آن سهم بپذیرید. خط قرمز نداریم، اما اینطوری هم نیست که شبیه یک هفته نامه بی دروپیکر شویم!

شما میتوانید به روشهای زیر به این هفته نامه کمک کنید:

- با ارسال عکس و خبر

- با نگارش و تهیه مقاله، نقد و مصاحبه؛

- با معرفی و نقد وبلاگهای جدی و فعال

- با همکاری در تحریریه و اداره هفته نامه

وبلاگ ها و سایت های مورد نظر خودتان را که با ماهیت هفته نامه همخوانی دارند، در این نشریه معرفی کنید.

برای تماس با پیک هفته میتوانید از این نشانی استفاده کنید info@persianweekly.co.uk

اما جا دارد در اینجا از کلیه مشاغل و کسانی که از طریق آگهی به پویایی این نشریه کمک نمودند مراتب قدر دانی را بجا آوریم و گلایه نمائیم از همکاری که در این شهر به این نشریه اجحاف می نمایند و حرف ها و حدیث های نه چندان ملموس را به زبان می آورند به هر حال این گوی و این میدان.

هفته نامه پرشین

نام ارز	قیمت خرید	قیمت فروش
یورو	۱۲۷۲۰	۱۲۷۸۹
دلار آمریکا	۹۳۱۰	۹۳۴۲
پوند انگلیس	۱۸۷۴۵	۱۸۸۶۷
یکصد ین ژاپن	۷۹۶۱	۸۰۶۷
فرانک سوئیس	۷۷۲۴	۷۸۱۹
دلار کانادا	۸۸۱۷	۸۹۱۳
دلار استرالیا	۷۶۷۶	۷۷۷۱
کرون نروژ	۱۵۸۸	۱۶۳۷
کرون سوئد	۱۳۴۷	۱۳۹۶
کرون دانمارک	۱۶۹۷	۱۷۴۶
درهم امارات	۲۵۳۶	۲۵۴۶
دلار آمریکا (اسکناس)	۹۳۲۵	۹۳۵۵
یورو (اسکناس)	۱۲۷۲۰	۱۲۸۰۰

اشتراک هفته نامه

علاقمندان به اشتراک و دریافت هفته نامه پرسشنامه زیر را تکمیل نموده و برای ما ارسال نمایند

نام: نام خانوادگی:
آدرس:
آدرس اینترنتی:
کدپستی: تلفن: موبایل:

مدت اشتراک: سه ماه £۲۴ ششماه £۴۲ یکسال £۶۰

لطفا فرم را به دفتر هفته نامه ارسال نمائید و به تمامی سوالات دقیق پاسخ دهید

Lord Business Centre, 2 Floor Unit 20,

665 North Circular Road, London NW2 7AX

Barclays Bank A/N: 40948519 S/C:20-29-41



هفته نامه اجتماعی، فرهنگی، هنری
چاپ لندن

سال اول - شماره ۹ - ۱۳۸۶

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: عباس نجفی

هفته نامه پرشین به هیچ گروه و ارگان سیاسی و غیر سیاسی وابسته نمی باشد و صرفا در جهت اطلاع رسانی صحیح گام بر می دارد

زیر نظر شورای تحریریه

مدیر مالی و بازرگانی: جواد توتونچی

طراح و صفحه آرایی:
عباس نجفی - علیرضا لاهیجانیان

همکاران این شماره:

افسانه جنگجو - قارون - ترانه - بهزاد مهدی-ق- مانی - رضا آرمیا - ماریا گروه Ash - عابد - هما

چاپ:

Web Print UK Ltd.
Unit 20, Bow Industrial Park
Carpenters Road E15 2DZ

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

امور وب سایت:

Media of Persia

نشانی الکترونیکی:

www.persianweekly.co.uk

نشانی پست الکترونیکی:

info@persianweekly.co.uk

هفته نامه پرشین از نوشته های نویسندگان و خوانندگان استقبال کرده ولی در ویرایش ادبی آنها آزاد است مسئولیت آگهی ها و صحت آنها بعهد صاحبان آن میباشد هفته نامه پرشین در قبول یا رد آگهی ها صاحب اختیار میباشد

Lord Business Centre
2 Floor Unit 20,
665 North Circular Road
London NW2 7AX

020 8453 7350

020 8453 7351



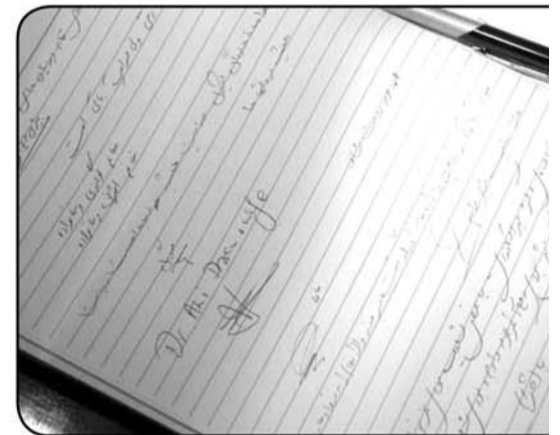
reports@persianweekly.co.uk

گزارشی تصویری از مراسم یادبود بانو الهه

زمین و آسمان دل می‌گرید به ناله های من ...

مراسم یادبود شادروان، بانو الهه، شنبه گذشته با شکوه هر چه تمام در Churchil Hotel برگزار گردید. تعدادی از بزرگوارانی که در این مراسم عزیز حضور بهم رسانیده بودند عبارتند از:

Mr & Mrs Hinduja , Mr & Mrs Dmitri Tarasov , The Rt Honourable Kit Vaz MP, Mr & Mrs A. Zhohuv Deputy Prime Minister , Ali Nourizadeh Pars TV, Fakhri Nikzad, Mr Mohhamad Hamdam, Mrs Jane Lewison Golha Program Collector from British museum, Dean & Dean Solicitor, Mr & Mrs Ali Dizaei Chief Superintendent in the London Metropolitan Police, Mr A Mesforosh, Mr Shahram Shamedi, Mr & Mrs Mr Tofigh Momtaz , Mr & Mrs Soroush , Mr Behrouz Abassi, Mrs Vida Edalat, Mr Bahrame Manouchehri, Mr Daryoush Alvand, Mr Afshar, Mr & Mrs Hadipour , Mrs Afsaneh Jangjo, Mr Ali Torshizi, Mr & Mrs Kiaras , Mr Samavat and Mr Amirghasemi Tapesh Tv, Mr Abbas Najafi Persian Weekly Newspaper





reports@persianweekly.co.uk

گزارش

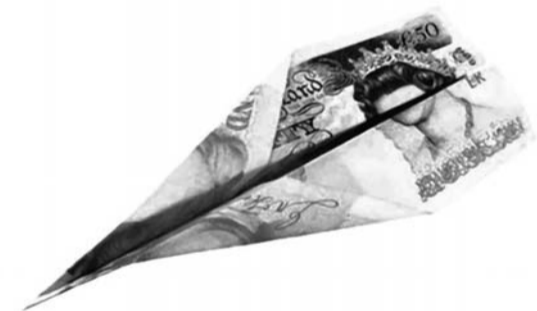
گزارش تصویری هفته نامه پرشین از کارناوال NOTTING HILL GATE، یکشنبه گذشته

برای مشاهده عکسها بصورت رنگی به وب سایت هفته نامه مراجعه فرمائید.

عکس از علیرضا



سرعت انتقال پول با قیمت مناسب را با ما تجربه کنید



صرافی بین المللی برادران سروری

SARWARY BROTHERS
INTERNATIONAL
TRAVEL & MONEY EXCHANGE

انتقال پول

به اکثر نقاط جهان در مدت ۱۵ دقیقه
و بلعکس بدون شارژ ظرف کمتر از ۱ ساعت

آلمان- آمریکا- ایران- استرالیا- ترکیه
آمریکای شمالی- افغانستان- مسکو- دوبی
آمریکای جنوبی- یونان- پاکستان و سراسر اروپا...

Head Office: 122 Plashet Road, Plaistow,
London, E13 0QS
Tel: 020 8257 3547, Mobile: 07976 303 612
020 8257 5040, Fax: 020 8552 8491
Branch One: 10a The Broadway Southall,
Middlesex, UB1 1PS
Tel: 020 8571 0166, Fax: 020 8893 5976
Email: mohsin@sarwary.e7even.com



reports@persianweekly.co.uk

اجتماعی

تقدس در خانواده های ایرانی

نویسنده: علی طایفی

خانواده سنتی: از ضرورت تا تقدس! به روایت تاریخ اجتماعی انسان نهاد خانواده اولین نهاد اجتماعی است که برخی از جامعه شناسان ریشه پیدایش آن را همزمان با ظهور مالکیت فردی می دانند (مورگان و مارکس). در جامعه ایران نیز از دیرباز نهاد خانواده اولین و مهمترین بستر اجتماعی شدن فرد و فراگیری آموزه ها ، ارزشها و هنجارهای اجتماعی بوده و هست . این ساختار بازمانده از سده های گذشته همواره دارای کارکردهای بسیاری بوده که منجر به قوام و دوام آن در ایران نیز گردیده و به آن سیما و کارکردی " مقدس " داده است . بطوریکه می توان از زوایای مختلفی به این کارکردها پرداخت .

۱. ازدیدگاه سیاسی ، نهاد خانواده مهمترین ابزار نگهداشت و توسعه ساختار پاتریمونیا لیزم یا سلطه موروثی سلطان در جامعه و حفظ دولت مطلقه مردسالار و پدرسالارانه است . بطوریکه " ولی " کوچک در سطح خانواده (پدر) همان اقتدار بی حد و حصری است که " ولی " کبیر در سطح جامعه با عناوینی همچون والی ده یا شهر ، سلطان و ولی فقیه داراست . از اینرو خانواده برای نه تنها مردان مسلط بر زنان ، بلکه برای مردان سیاسی و دینی مسلط بر جامعه نیز دارای تقدس و ارزش ویژه ای است که بدون آن ضمانتی بر پایداری ساختارهای پیش گفته وجود نخواهد داشت . اطاعت و تسلیم پذیری ، ترس و تقلید از رهبران سیاسی و دینی و تبعیت و فرمانبرداری کورکورانه از صاحبان حوزه قدرت و سیاست از گذشته تا کنون همواره آویز گردن و دستاویز بردگی مردم بوده است . بن مایه این زور آشکار و پنهان چنان با سیاست یگانه شده است که در ادبیات ایرانی سیاست به معنای تنبیه و ادب کردن مردمان ناهل تعبیر شده است .

۲. ازدیدگاه اجتماعی نهاد خانواده ، سازوکار عینی پایش و زایش مرد سالاری و همزونی مرد بر زن می باشد . تنفیذ و راهبری کارکردهای مردخواهانه ای همچون

شوهرداری ، کودک آوری و کودک پروری ، خانه داری از مهمترین وجوه تقسیم کار سه گانه خانوادگی است که همواره از سوی مردان مسلط بر جامعه و خانواده دنبال شده است . الگوهای مرد خواهانه ای نظیر تعداد و جنسیت فرزند خواهی ، نوع پوشش کامل سر و روی زنان ، نوع آموزش زنان و فرزندان ، نحوه انتخاب همسر برای فرزندان دختر و پسر ، نحوه صرف اوقات فراغت ، احترام به بزرگان و شیوخ خانواده و عشیره . جامعه و انتخاب طرز تفکر دینی و شدت وحدت رعایت سلوک دینی و ... از زمره خدماتی بود که تقدس خانواده را دوچندان میساخت .

۳. از دیدگاه اقتصادی نیز کمیت و تعداد خانواده از یکسو و کیفیت یا پسرزایی آن از سوی دیگر در اقتصاد معیشتی و بسته دارای کارکردهای مطلوبی بود . میل به ازدواج زود هنگام و همزمان با ورود به سن بلوغ اولین زمینه تشکیل خانواده و بهره گیری از حداکثر توان باروری و فرزند زایی است که موجبات قوام نسل و اصل عشیره ، افزایش نیروی کار جدید و تقویت قدرت اقتصادی و اجتماعی در زیست بوم های کوچک عشیره ای و روستایی را فراهم می آورد . بر همین اساس مردان یا زنان نازا یا باصطلاح اجاق کورفاقد ارج و قرب لازم بوده و بر خلاف آن افراد دارای فرزند بویژه پسرزا از قرب و اقتدار و تقدس بیشتری برخوردار بودند

۴. از منظر دینی نیز خانواده علاوه بر اهمیت کمی در ایجاد فرصت افزایش تعداد لشکر مسلمین در مقابل کفار فرضی در دفاع از کیان و بیضه اسلام ، دارای اهمیت کیفی در افزایش فرصت برای تکثیر و گسترش اندیشه اسلامی نیز بود . به عبارت دیگر تضمین نمایش اقتدار دینی روحانیت و متولیان دینی موکول به حفظ و گسترش خانواده بوده و در عین حال وجود آن زمینه عینی لازم برای پیشبرد هژمونی دینی و ضرورت وجودی صاحبان دین و اقتدار دینی بوده است .

خانواده نیمه مدرن: خانواده پارادوکسیکال!

با ظهور پدیده مدرنیسم وارداتی در کشور که از سالهای واپسین حکومت قاجار و در دوران زایمان خود در عصر مشروطه و در اوج آن با روی کار آمدن پهلوی اول رو به توسعه گذارد ، بسیاری از نهادها و نماد های مدرنیسم بتدریج با نهادهای سنتی و دینی جامعه به چالش نشست و یکی ، دیگری را بر نمی تابید . با شکل گیری تاسیسات مدنی نوینی همچون مدارس (که در تعقیب نخستین الگوی مدرسه نوین رشدیه (بود) ، دانشگاهها ، مدنی و تصویب مکتب و کفیه و جزایای نوین ، سازمان های اداری و بروکراسی ،



شنا سنا بی
هویت های فردی با
صدور شناسنامه ها و ثبت
ازدواج و طلاق بیرون از اقتدار

سنتی دین و متولیان دینی ، نهاد خانواده نیز دستخوش تغییرات اساسی گردید . بطوریکه وظایفی همچون آموزش ، اشتغال ، تربیت ، همسرگزینی ، هویت یابی و جامعه پذیری افراد خانواده از زیر سیطره پدر خارج و به سایر نهاد های اجتماعی واگذار شد . در این شرایط به دلیل مقاومت متولیان سنت و دین از یکسو و ناتوانی متولیان نوگرایی در پیشبرد موفق این فرایند و در نتیجه فرسایشی شدن این روند ، بسیاری از نهادها و کارکردهای آن با شرایط پارادوکسیکالی روبرو گردید که بیشترین ناهنجاری هارا میتوان در نهاد خانواده ردیابی کرد .

۱. الگوی ازدواج بعنوان خاستگاه اصلی تشکیل خانواده دستخوش تغییرات مهمی شده است . **اولین تغییر مربوط به الگوی همسرگزینی است . امروزه میان ارزشهای والدین و فرزندان برای انتخاب همسر تفاوت و گاه تضاد های آشستی ناپذیری بروز کرده است . بطوریکه جوانان دیگر تن به ازدواج های فامیلی نمی دهند و از درون همسری یا ازدواج با خویشاوندان و عشیره مشترک سر باز میزنند .**

متغیر سن نیز اشکال متفاوتی بخود گرفته است . از طرفی جوانان در سنین جوانی (از نظر روانشناختی تا ۲۴) به ازدواج روی نمی آورند و متوسط سن ازدواج به حدود ۲۷ سال رسیده است و از طرف دیگر با افرادی ازدواج می کنند که کمترین فاصله سنی را با او دارند . عامل سن و فزونی سن شوهر نسبت به زن در ساختار سنتی مبین و مقوم اطاعت پذیری زنان و استحکام نسبی خانواده بوده است . علاوه بر این هویت فردی نیز در انتخاب همسر نقش تعیین کننده ای بدست آورده است چنانکه همسرگزینی به اقتدای هویت خانوادگی افراد صورت نمی گیرد . عواملی نظیر تحصیل ، شغل ، ثروت و دارایی ، زیبایی و قابلیت های فردی نسبت به عواملی چون آبروی خانوادگی ، اسم و رسم ، تبار و منزلت اجتماعی ، تدین و اخلاق دینی و سنتی از اهمیت بیشتری برخوردار گردیده است . امروزه بخصوص در اجتماعات نیمه سنتی - مدرن و شهرهای بزرگ ، موضوع تعیین مهریه و چگونگی احقاق حقوق زن در صورت جدایی از شوهر از مهمترین مراحل فرایند همسرگزینی بشمار میرود . شکل افراطی و مرض گونه این فاکتور چنان است که همچون الگوی کلیدی اقتصاد سیاسی نظام سرمایه داری " پول - کالا - پول " زن همچنان بعنوان کالا در معادله " جهیزیه - دختر - مهریه " قرار گرفته و سنجیده میشود .

۲. همسرگزینی سنتی با همه محدودیت هایش ، در ساختار بسته مناسبات دختر و پسر دارای کارکردی بود که در شکل نیمه مدرن آن ، فاقد این کارکرد شده و به دلیل عدم شناخت کافی و لازم دختر و پسر از یکدیگر از یکسو و اهمیت عوامل اقتصادی در سنجش و گزینش همسر از سوی دیگر نرخ طلاق و گسیختگی پیمان ازدواج بطور روزافزونی زیاد شده است . شناخت سطحی و بسته کردن بسیاری از الگوهای ازدواج به زیبایی ، پول و امکانات رفاهی همسر و همچنین نبود امکان هم نشینی هنجارمند و فارغ از انگها و تهمت های اجتماعی در ایجاد رابطه آشنایی و مرادوده آزاد میان دختر و پسر به صورتی آشکار و قانونمند به دلیل مقاومت ساختارهای دینی و سنتی در این نوع از مناسبات انسانی ، منجر به تشکیل خانواده هایی می گردد که تنها تضمین پایداری آن گاه مهریه سنگین و ترس از عواقب اجتماعی و اقتصادی برای زن و یا فرزندان حاصل طلاق میباشد .

۳. همسرگزینی از عروسی تا گور با شکل نمادین لباس سفید عروسی در شروع و تن پوش سفید مرگ در پایان که بازمانده از ساختار کهنه و سنتی خانواده ایرانی است ، با مضموم شمردن و احتراز فراگیر از طلاق ، چنان به انسداد و بن بست های خانواده ای به عنوان یک سیستم باز منجر شده است که دیگر کمتر خانواده ای در ایران امروز میتواند یافت که در معرض نابسامانی ، تشتت و ستیزه جویی نباشد . شواهد مربوط به نرخ بالای طلاق در بین مهاجران ایرانی در سایر کشورها که زمینه های امنیت اقتصادی

اجتماعی زنان را فراهم می آورند ، گویای این مهم است که در صورتیکه امنیت اقتصادی و اجتماعی زنان متاهل افزایش یابد ، میل به جدایی در بین زنان و حتی مردان متاهل نیز بیشتر میشود .

۴. ناهمسانی های ببار آمده در میان زن و شوهر در ساختار سنتی ، راه بدیلی نیز پیش بینی کرده بود تادر صورت وقوع هر اشکالی در کارآمدی زن در خانواده برای حفظ منزلت و تقدس آن بجای طلاق ، همزمان با حفظ خانواده نخست ، با ازدواج مجدد مرد و به اصطلاح آوردن " هو " کارکردهای خانواده قبلی زمینه تحقق می یافت . در اینجا اصل حفظ کیان و تقدس خانواده است که مجری آن مردان بوده اند . این الگوی جایگزین با وجودیکه دیگر امکان بروز ندارد و به دلایل اقتصادی و فرهنگی بسیاری از مردان توان بهره گیری از آن را ندارند ، در عین حال زمینه ذهنی و عینی حل بحرانهای دامنگیر و چاره ناپذیر خانواده های امروزی را نیز بدست نیآورده و به دلیل اینکه هنوز به لحاظ فرهنگی ، اقتصادی و اجتماعی امکان طلاق برای همه خانواده های بحران زده وجود ندارد ، امروزه خانواده ایرانی با مسایل عدیده ای روبرو است .

۴.۱. تقاضای روسپیگران در میان مردان متاهل رو به تزاید است و حداکثر مجازات این کار برای آنان انگ های اجتماعی نه چندان پر رنگ و لعابی است که بسیاری آنرا تجوز هم میکنند!

۴.۲. برخی از زنان ناراضی از شوهرانشان به اشکال مختلف به تامین نیازهای جنسی خود روی آورده و اغلب به دلیل حکم سنگین مجازات آن بصورت سنگسار ، به شکل پنهانی چنین می کنند .

۴.۳. فضای نامساعد تعامل و ارتباط انسانی و عاطفی ضعیف میان این قسم از همسران ، منجر به گسیخته شدن اهرم نظارتی خانواده و والدین بر فرزندان شده و بسیاری از پدیده ها و آسیب های اجتماعی از قبیل فرار از خانواده ، افت تحصیلی ، کارکودکان ، استعمال دخانیات در سنین نوجوانی ، افسردگی های مزمن مادران و نوجوانان و جوانان این دست از خانواده ها و .. محصول عدم تناسب کارکردهای نوین مورد نیاز جامعه در ساختارهای سنتی خانواده ایرانی است .

۵. خانواده امروزی ایران دیگر به الگوهای نسل پیش از خود وفادار نبوده و فرایند جامعه پذیری راعمدتا در میان همسالان خود ، رسانه های نوینی چون ماهواره ، اینترنت و الگوهای زیست جوان امروزی در گستره جهانی جستجو کرده و بی تدبیر مسوولان امور آموزشی و تربیتی با نگاه گذشته گرا ، با نگاهی به آینده بدنیاال فروپاشی ساختارهای کهن اجتماعی ، فرهنگی ، فکری و سیاسی هستند .

بی سبب نیست که امروزه میتوان چنین ادعا کرد که نهاد خانواده دیگر نمی تواند کارکرد پاسداری از س اختارهای کهنه را ایفا کرده و یاریگر وفاداری برای متولیان دین و سنت باشد . از همین روست که بسیاری از صاحب نظران امور اجتماعی نیز که در صد د توجیه و حفظ ساختارهای سنتی هستند به دنبال احیای ساختار کهن و کارکردهای مالوف خانواده بوده و خانواده امروزی جامعه ایران را " مقدس " نمی شمارند . البته به همین دلیل نیز باید اذعان کرد که " خانواده مقدس " مورد نظر متولیان دین و سنت در ایران در کوران گذار از سنت به مدرنیسم به یکی از بحرانی ترین نهاد های اجتماعی میدل شده است ! از اینرو به نظر میرسد تا تشکیل یک دولت مدرن با دو خصیصه مهم دولت رفاه و سکولار برای تضمین مناسبات آزادانه پسران و دختران و تامین حقوق انسانی برابر فارغ از ارزشگذاری های دینی و سنتی از یکسو و تضمین امنیت فردی ؛ اجتماعی و اقتصادی با ایجاد نظام تامین اجتماعی فراگیر از سوی دیگر خانواده مقدس ایرانی در صدر مهمترین چالشهای سنت گرایان و نو گرایان کشور قرار گیرد .



reports@persianweekly.co.uk

لطفا مطالب و ترجمه های خود را بصورت تایپ شده برای دفتر روزنامه ارسال کنید

بسیار افرادی که در ادارات و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی اشتغال دارند اگر بتوانند دست آشنایان و دوستان نزدیک خود را به کاری بند می‌کنند و به خاطر این عمل بر خود می‌بالند، کاری که در بسیاری از موارد با زیر پا گذاشتن حق نآشنائی صورت می‌گیرد. اما اگر همین عمل توسط افراد رده‌های بسیار بالاتر صورت گیرد، فریادشان به هوا می‌رود که مملکت دارد نابود می‌شود! غافل از این‌که این یک خصوصیت ملی است و مسئولین نیز در راستای حفظ حرمت نان و نمک و حق دوستی و فامیلی دست به انجام این کارها می‌زنند.

اگر ما به این درک و شناخت نرسیم که بسیاری از قوانین فرهنگی حاکم بر جامعه ما، بر پایه ظلم و زور و فقر و نابرابری و بر مبنای روابط و در جهت حفظ خانواده، ایل و تبار و قبیله وضع شده اند و با قوانینی که در جهان پیشرفته از حقوق همگان دفاع می‌کند، مغایرند و اگر همچنان با نام حفظ فرهنگ از دوست، قوم و خویش، آشنا، همسایه و همشهری و موی سپید و چشم سیاه دفاع کنیم و نه از حق و عدالت، بعید است که به این زودیها روی پیشرفت را ببینیم.

ما دو راه بیشتر در پیش نداریم: اگر می‌خواهیم به موازین فرهنگی خویش وفادار بمانیم، باید قید برابری و عدالت اجتماعی و آزادی را بزنیم و اگر به دنبال دستیابی به جامعه‌ای با عدالت اجتماعی، برابری و آزادی هستیم باید بسیاری از قوانین و آداب و عادات فرهنگی خویش را کنار گذاشته و یا شدیداً تعدیل کنیم. جهان بسرعت در حال پیشرفت است و ما همچنان در اسارت ویزگیهای اخلاقی خویش آرزوی دموکراسی در سر می‌پرورانیم و از این مهم غافلیم که بزرگترین مانع در راه دموکراسی خود ما هستیم و بس. بیاییم با درک آنچه که بر سر ما و فرهنگ ما رفته است و با تلاش در اصلاح خویش راه خروجی از این دایره بسته به بیرون باز کنیم.

که در ازای خوردن یک وعده غذا که در خانه خود نیز یافت می‌شود، می‌توان به دیگری پرداخت!

با کمی دقت می‌توان دید که بسیاری دیگر از توصیه‌های فرهنگی ما چون مراعات دوست و همسایه، حفظ شان فامیل، احترام به بزرگ‌تر و نگهداشتن حرمت موی سپید و ... که همه در راستای یک قدر شناسی ساده و صادقانه بوده است، به نوعی دچار همین سرنوشت شده‌اند. بدین معنی که در طول زمان با افراطی که در راه انجام آنها در پیش گرفتیم، تغییر ماهیت داده و به زیر پا گذاشتن حق و عدالت در جامعه منجر شده اند.

و چنین است که امروزه مخالفت با درخواست یک دوست، به زیر پا گذاشتن حرمت دوستی تعبیر می‌شود، و سرپیچی کردن از فرمان غیر اصولی پدر یا معلم، به شکستن حرمت پدر و معلم، و بالاخره اعتراض به حرف ناحقی که از دهان سالمندی در آمده است به شکستن حرمت موی سفید، و اینها همه جامعه را بسوی خفقان و سکوت سوق می‌دهد، راه اعتراض و انتقاد را می‌بندد و در نهایت انسانها را تبدیل به انبار باروتی می‌کند که با اندک تلنگری منفجر می‌شوند. رفتارهای خشونت بار، عدم صبر و تحمل، حساسیت بیش از حد و اندازه و ... در جامعه ما همه و همه ناشی از همین ویزگیهای فرهنگی ماست که هیچکس جز خودمان یعنی آشنایان، دوستان و فامیل به یکدیگر تحمیل نمی‌کنیم.

و نکته جالب توجه این‌جاست که اگر کسی از ما به خاطر همسایگی یا دوستی و یا به هر دلیل دیگری به ناحق دفاع کند، کار او را نوعی مروت و مردانگی می‌دانیم، و آن را از خصوصیات خوب ملی و فرهنگی خود تلقی کرده و به آن می‌بالیم، اما وقتی همین کارها برای اثبات دوستی به دیگری و در تضاد با منافع ما قرار گرفت، آنرا پستی و نامردی نام می‌دهیم.

است. حفظ حرمت نان و نمک به گرسنگانی که توسط انسان‌های خیر و دولت‌مند تغذیه می‌شده اند، توصیه می‌شده تا به خاطر شبی که آنها یا فرزندانشان سر گرسنه بر بالین نگذاشته‌اند، در مورد کسانی که آنها را تغذیه کرده اند (مشهور به ولی نعمت) ناجوانمردی روا مدارند و در یک کلام قدر شناس محبت آنها باشند. توصیه زیبایی که نه تنها در مورد غذا که در مورد هر محبت و خدمت دیگری نیز در هر زمان و هر مکان صادق است و افراد خیر را به انجام کارهای خیر بیشتری ترغیب و تشویق می‌کند.

اما امروزه دیده می‌شود که حفظ این حرمت از دهها بار تشکر و دعوت متقابل میزبان به شام و ناهار در می‌گذرد، و به سکوت در مقابل رفتار و گفتار غیر منطقی و حتی طرفداری غیر منصفانه از او در یک مجادله یا معامله کشیده می‌شود. و بدین ترتیب عدم انجام اعمال فوق افراد را متهم به "نمک خوری و نمکدان شکنی" می‌کند. اتهامی که گاه انسانهای طرفدار حق را از "نمک گیر شدن می‌هراساند"، چرا که می‌دانند این نان و نمک از سر مهر صادقانه تعارف نمی‌شود بلکه آنها را در قید جبرانی غیر منصفانه قرار خواهد داد. طبیعتاً اینگونه حفظ مبالغه آمیز حرمت نان و نمک عده‌ای را بر آن می‌دارد که با دادن یک شام و نهار و یا پیشکش یک هدیه و یا دادن رشوه، دهان افراد را بسته و آرا و عقاید آنها را خریده و به اهداف خویش برسند.

و بسیاری از ما غافلیم که عقیده بالاترین بهائی است

حرمت نان و نمک در فرهنگ ایرانی

نوشته: طاهره شیخ الاسلام

یکی از ویژگی‌های فرهنگی ما حفظ حرمت نان و نمک است. عبارتی چون "دستم نمک ندارد" در هنگامی که محبت‌مان پاداش درخوری نمی‌گیرد، و "نترسید نمک ندارد" در هنگامی که غذای تعارف شده رد می‌شود، در همین رابطه مورد بکار گرفته می‌شود.

حفظ این حرمت به تدریج و در اثر افراطی که ما در بسیاری از کارهایمان در پیش می‌گیریم، به غیر منطقی و گاه غیر انسانی ترین صورت خود تغییر شکل داده

azizi@signatureclaims.co.uk



تصادف کرده‌اید و فکر میکنید مقصر نیستید؟
در موقع تصادف سرنشین بوده‌اید؟
جهت دریافت خسارت از بیمه دچار مشکل شده‌اید؟
آیا دچار حادثه در محل کار یا خیابان شده‌اید؟
آیا راننده تاکسی هستید و ماشین PCO لازم دارید؟
با یک تلفن به کمپانی Signature Claim می‌توانید به همه خواسته‌های خود دست یابید.

با سپردن کلیه مشکلات خود در امور تصادفات به
کادر مجرب Signature Claim آسودگی خاطر خود را تضمین نمایید.

Signature
ACCIDENT CLAIM HELPLINE LTD

تعویض اتوموبیل تصادفی
رفع مشکلات دریافت خسارت
جلوگیری از افزایش قیمت بیمه
قرار ملاقات در محل مورد نظر شما

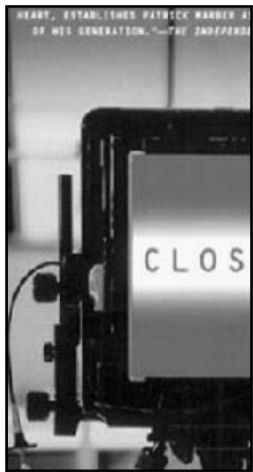
برای اطلاعات بیشتر با آقای محمد عزیزی
تماس حاصل فرمایید

5Park Road, West Hendon, London, NW4 3QB
Tel: 020 8202 2822 08000 470 940

07958 192 192



نویسنده انگلیسی نامتعارف



ماربرر قصه گویی بود قهار که نه آن چنان سیاه و غمبار و بی ترجم به دنیا می نگریست و نه سر کتارگزاردن تکنیک های امتحان پس داده و ساختارهای موجود و - مثلاً - پشت کردن به ملودرام بود که مانع ارتباط بسیاری تماشاگران با اثرش شود. شاید به همین دلیل هم بود که از میان انبوه نویسندگان موفق انگلیسی این سال ها ماربرر شد موفق ترین شان در امریکا، با این که او نیز همچون همه آن دیگران زبانی وحشی و گزنده داشت و صراحتش در بیان جزئیات و پیچ واپیچ های روابط انسانی هنوز هم در امریکا نامتعارف است و در بین خود نویسندگان امریکایی معاصر نیز مشابهی ندارد.

استادان بر آستان دری که کوبه ندارد

گزارشی از وضعیت ادبیات ایران در سال ۱۳۸۵

مهدی یزدانی خرم



سال ۱۳۸۵ ایران بود. به زعم من تراژدی ادبیات ایران در این سال به خصوص به اوج خود رسید، چون حتی انتشار آثار معدودی از برخی نویسندگان نسبتاً نام آشنا هم در جوی که در آن حس بی اعتمادی و ناامیدی حاکم شده، هیچ شور و شوقی بر نیانگیخت. به همین دلیل حتی ما تکرار برخی رفتارهای دهه شصتی مانند انتشار مجلات، ایجاد جمع های داستان نویسی، تلاش برای دیالوگ با همدیگر و... را هم مشاهده نکردیم و این نشان می دهد که چند نسل از این ادبیات دیگر خسته تر از آن هستند که بخواهند راه آمده را دوباره بروند.

سال متعهدین

در این جو تلخ، یکی از مهمترین اتفاق هایی که بر ادبیات ایران تاثیرهای بیرونی خود را داشت، به وجود آمدن جبهه بی از نویسندگان نام آشنا متعهد بود در برابر وزارت ارشاد و برخی تئورسین های تندرو ادبیات و هنر در ایران. این نویسندگان که به نویسندگان انقلابی هم موسوم هستند، به واسطه برخی تنگ نظری ها و حتی بروز مشکل در انتشار آثارشان، به شکلی مشخص مقابل اصولگرایان ایستادند. انتقادهای صریح و بی پروا از سوی اغلب آنها که اتفاقاً جناح حاکم به انجمن قلم ایران هم هستند نه تنها شکاف عظیمی میان این جریان ایجاد کرد، بلکه باعث شد تا مساله ممیزی و سانسور و چندی تصمیم های خاص وزارت ارشاد، ایشان را هم تحت تاثیر خود قرار دهد. در واقع این واکنش ها با درک این موقعیت که کلیتی به نام ادبیات به خطر افتاده صورت گرفت. از سوی دیگر تک چهره هایی مانند محمود دولت آبادی نیز هرگونه ملاحظه کاری را کنار گذاشته و کوشیدند از ادبیات کم رمق ایران دفاع کنند. از آن سو خبرهای ضد و نقیضی از درگیری متعهدین با اصولگرایان حاکم به گوش می رسید. خبرهایی که در آنها کاملاً مشی رئالیستی هر دو طرف آشکار بود، بنابراین بحران رنگ دیگری به خود گرفت. رنگ «مجادله» و «مناظره». در همین فضا بود که نامه سرگشاده عطاءالله مهاجرانی وزیر محبوب سابق خطاب به وزیر فعلی به بمب خبری محافل نزدیک به این جریان تبدیل شد. نامه بی که هر چند پاسخی از سوی متولیان نداشت اما نشان داد که دیگر زمان سکوت های مصلحت اندیشانه پایان یافته است. با این روند ما شاهد نزدیکی هر چه بیشتر دو جناح مهم ادبیات ایران شدیم. بنابراین اغلب لحظه های سال ۱۳۸۵ را باید اوقاتی به شمار آورد در بحث، اعتراض و حتی پرخاش نسبت به وضعیت ساخته شده در باب وجودی به نام ادبیات. در همین راستا ارگان و نهادی مانند اتحادیه ناشران نیز کار را به مجلس شورای اسلامی کشاند. سال ۱۳۸۵ را باید سال فروش پوستر چه گوارا دانست و تلاش های کتابفروشان برای بسته شدن زودهنگام. در این وضعیت وزارت ارشاد و ارگان های مربوط به آن نه تنها چندان ابراز نگرانی نمی کنند بلکه بیشتر در حال مناظره های غیابی ایدئولوگ با منتقدان و مخالفان خود هستند. بنابراین شاید هیچ سالی مانند سال ۱۳۸۵ نبوده که مساله زیبایی شناسانه بی مانند ادبیات زیرسایه آرا و نظریات متولیان دولتی اش قرار بگیرد. این متولیان که نه تنها حمایت های حساب شده فرضی متعهدین را با انتقادهای حساب نشده عینی شان عوض کرده اند، بلکه باعث شده اند بودجه این وزارتخانه بیشتر به سمت برخی ناشران خاص حرکت کند. این در حالی اتفاق می افتد که ادبیات ایران به دلیل گذر از چند موقعیت سخت تاریخی در سال های گذشته به شدت نیازمند حمایت های مالی دولتی است. یا حداقل این امید را دارد که با حفظ میزان ممیزی در حد دوران دولت قبل بتواند آثار متعددی را به بازار بفرستد و خود را سر پا نگه دارد. امری که نه تنها اتفاق نیفتاده، بلکه دقیقاً با روندی معکوس روبه رو بوده است... باید واقع بین باشیم و بگویم که سال ۱۳۸۵ برای ادبیات ایران سال بدی بود. سالی که ادبیات ضعیف و نیمه جان ایران درگیر مناقشه های سیاسی بی شد که اصلاً به او ارتباطی ندارد، مناقشه هایی که هنوز هم ادامه دارد. متعهدین تازه پا به میدان گذاشته اند و روشنفکران تجدید قوا می کنند.

توضیحات اولین مترجم جلد 7 هری پاتر در ایران



محمد نوراللهی مترجم نخستین ترجمه فارسی منتشر شده از جلد هفتم هری پاتر در گفت وگویی با مهر توضیحاتی درباره کار خود ارائه داد. وی با پذیرش ایرادات ترجمه بی خود در این رمان گفته است؛ به هر حال هر ترجمه بی شکردها و خوانندگان خاص خودش را دارد. وی افزود: تمام تلاش ما بر این بوده که کار یکدست باشد. من نیز خیلی سعی کردم به ترجمه خانم ویدا اسلامیه نزدیک شوم. با این حال منکر ایرادات کار نیستم و می پذیرم که ترجمه گروهی دارای ایراداتی است که ترجمه واحد ندارد، اما به هر حال من یا باید این کار را انجام می دادم یا از آن صرف نظر می کردم. برای همین تصمیم گرفتم با همین شکل و با پذیرش ایرادات متنی، به عنوان نفر اول کار را ترجمه کرده باشم.

وی درباره روند کار ترجمه کتاب خاطرنشان کرد؛ ما در مرحله اول در طول یک هفته جلد نخست را ترجمه کردیم و پس از پایان این کار حول روزهای ۶ یا ۷ مرداد کتاب به ارشاد رفت و در همین زمان جلد دوم را آغاز کردیم. با پایان این جلد مجوز جلد قبل آمده بود و جلد دوم هم روانه ارشاد شد. این مترجم تصریح کرد: باید بگویم که نفس ارائه مجوز از سوی ارشاد در مدت زمان چند روزه فی نفسه نه تنها ایراد نیست بلکه حسن کار است و اینجا باید این سوال را داشته باشیم که چرا بقیه آثار دیر مجوز می گیرند؟

نام مقاله برگرفته و اقتباسی است آزاد از شعری از احمد شاملو



شهرام ناظری از لندن تا لس آنجلس

تابستان امسال فصل نام های بزرگ موسیقی سنتی ایران است. کنسرت های پرچنگال شجریان و لطفی برگزار شد و کنسرت حسین علیزاده، کیخسرو پورناظری، جلال ذوالفنون و کامکارها هم در راه است. در این روزهای خوش موسیقی سنتی بسیاری در انتظار اجرای

دیگر چهره نامدار موسیقی سنتی بودند اما رئیس اداره نظارت و ارزشیابی خبر داد شهرام ناظری اصلاً درخواست مجوز کنسرت نداده است. پیش از این خبرهایی مبنی بر همکاری شهرام ناظری با ارکستر استانبول آلمان که قرار است به تهران بیاید منتشر شده بود اما ظاهراً قرار است این خواننده ۵۹ ساله کرمانشاهی در لس آنجلس مولانا را به جهانیان معرفی کند. ناظری مدعی شد توجه خاص جهانیان به این شاعر بزرگ ایرانی نتیجه بیست سال تلاش اوست که از انعکاس موفقیت کنسرت او در لندن آغاز شد. برنده نشان شوالیه دولت فرانسه در سال های اخیر مانند دیگر بزرگان موسیقی سنتی ایران پسرش را نیز روی صحنه می بیند. حافظ ناظری کنسرت لس آنجلس را برنامه بی در ادامه هدفش برای شناساندن موسیقی ایران به جهان می داند و معتقد است که همخوانی او و پدر به معنای تولد یک شهرام ناظری دوم نیست و آنها دو خواننده متفاوت هستند.

سال ۱۳۸۵ برای ادبیات ایران، سال خوشی نبود. در واقع امسال را می توان یکی از راکدترین سال های حوزه فرهنگ و ادب دانست. به طوری که همین وضعیت نابسامان و سخت را اکثر ناشران ایرانی نیز درک کردند. سال ۱۳۸۵ را باید سالی دانست که ادبیات داستانی، شعر، ترجمه و هر آن چیزی که می توان به آن منتسب دانست، در سایه جنجال ها، درگیری های پر شمار و یافتن راه حل های موقتی برای عبور از بحران های به وجود آمده میان دولت و نویسندگان گم شد. امسال نه تنها از نظر کیفی در پایین ترین حد ادبیات مان را درک کردیم، بلکه از نظر کمی نیز تعداد آثار منتشر شده در این حوزه بسیار رقت انگیز گزارش می شود. بخش عمده بی از این رکود و سنگینی را باید در رفتارهای وزارتخانه آقای صفارهرندی و یارانش جست وجو کرد. بحرانی شدن وضعیت ممیزی، ابطال مجوزهای دائمی فراوان، قطع حمایت های مرسوم از ناشرانی خاص، عدم خرید کتاب، طولانی شدن پروسه اخذ مجوز دائمی، مشکل تازه پای اعلام وصول ها و... از جمله مواردی هستند که به رکود چشمگیر چاپ آثار ادبی در ایران کمک شایانی کرده اند.

ادبیات در اغما

جریان رخوت ادبی در ایران که از ماه های میانی سال ۱۳۸۴ آغاز شده بود، حتی با بدبینی مفرط نیز، پیش بینی سال پریهای ملال آوری چون سال ۱۳۸۵ را نمی کرد. در این سال بسیاری از آن توهم هایی که در باب پویایی ادبیات ایران بافته شده بود، ناگهان درهم پیچید و کاملاً مشخص شد این ادبیات بدون حمایت های همه جانبه و با اندکی فشار به شدت ضربه پذیر است. از روزهای نمایشگاه کتاب در اردیبهشت ماه امسال که آغاز کنیم، روندی را می بینیم که در آن به دلیل جلوگیری ارشاد از انتشار تعداد زیادی رمان و مجموعه داستان و احتمالاً آثار ترجمه شده، بسیاری از مخاطبان بالقوه ادبیات ترجیح می دهند به خانه هاشان بازگردند. تیراهای «رقت آمیز» و «ترجم بر انگیز» همان معدود آثاری که گاهی مجوز گرفته و چاپ شده اند نیز نشان از این نکته دارد که تا زمانی که ادبیات ایران با مشکل مهم و غیرقابل اغماضی چون ممیزی و معیشت نویسندگان خود روبه رو است، به هیچ عنوان نمی توان از پویایی و درخشان آن دم زد. در سال ۱۳۸۵، این فشار تا جایی رسید که بسیاری از نویسندگان رسمی یا غیررسمی اعلام کردند دیگر کتاب به ارشاد نمی فرستند و برخی دیگر - که البته بیشتر از مترجمان بودند - از سختی معیشت خود گفتند. جالب اینکه تمام این اعتراض ها یا درددل ها نه تنها بر رفتار متولیان کم تجربه وزارت ارشاد اثر نگذاشت، بلکه اصلاً پاسخی از سوی آنان به همراه نداشت. در چنین فضایی بود که این گمان به وجود آمد که مبادا برخی از اصولگرایان تندرو بی میل نیستند تا حضور ادبیات را در ایران به حداقل برسانند، در راستای همین تفکر بود که عقلائی قوم از هر دو جناح مشغول به فعالیت شدند و برای یکی از اولین بارها، روشنفکران و برخی از نویسندگان مهم جریان ادبیات متعهد در کنار یکدیگر ایستادند. اتحادی ناخواسته که البته به مذاق چندی از متولیان خوش نیامده است. از این بحث که بگذریم، در سال ۱۳۸۵ به خیلی از اهالی این ادبیات ثابت شد که اکثر چیزی که به عنوان «جریان ادبی» از آن نام می برند به مویی بند است و منهای تمام مصادیقی که به اختلاف های خلاقانه میان نویسندگان و روشنفکران وجود دارد، این ادبیات چنان دچار مشکلات «وجودی» است که با چند کتاب پرفروش - که از قضا اکثر آنها هم تجدید چاپ های مکرر سال های قبل هستند - نمی توان حکم به آشتی جامعه کتاب خوان ایران با ادبیات اش داد. در سایه همین مفهوم است که اغلب نویسندگان پرفروش از میان چهره هایی هستند که در سال های قبل تثبیت شده اند و نیازی به معرفی های جدید ندارند. سال ۸۵ را باید سال تضعیف محافل ادبی دانست، سالی که حتی ممارست های قابل تحسین برخی اهالی ادبیات هم کمتر توانست روح تازه بی در کالبد نیمه جان این ادبیات که مهمترین اصل وجودش یعنی انتشار آثار دچار بحران شده بود، بدمد. با وجود اینکه جوایز ادبی کمی به گرمی این بازار کمک کرد - که آن هم در مقاله بی دیگر در همین ویژه نامه بررسی می شود - اما تمام این تلاش ها در نهایت به سمت و سویی سیاسی منجر شد. سکوت بسیاری از نویسندگان ایرانی و کم شدن تمایل ناشران به چاپ آثار جدید و هراس از فرستادن آنها برای اخذ مجوز یکی دیگر از «بحران های» ادبیات تضعیف شده



reports@persianweekly.co.uk

یک داستان کوتاه

«عکس بارانی یک
سرزمین از آدمش»

منظورم جنگ نبود ، ولی خب شما مجبورید با همان زاویه‌ای که من می‌بینم ، نگاه کنید .

کادری بسته روی شیشه‌ی ماشین . گوشه‌ی سمت راست ، نیم‌رخ زن و از سمت چپ هم پارچه‌ای سفید به آینه‌ی بغل ماشین در حال حرکت ، بسته شده که آشفته‌گی و ترس زن را از تکانهای مداوم و شدید پارچه ، باید فهمیده باشید .

ماشین در مقابل ساختمان می‌ایستد و حالا شما زیر ماشین و کنار سپر جلو قرار دارید و به پاهای زن که به طرف پله‌ها می‌رود نگاه می‌کنید .

دوربین عکاسیتان تندتند از خرابه‌ها و جنازه‌های بر زمین مانده عکس می‌اندازد و شما تنها صدای پای زن را که از پله‌ها بالا می‌رود ، می‌شنوید .

- بی‌خود نگفتم که ناتاً نویسنده‌ای ، ولی همینجوری گفتم چند تا طرح دارم تا تشویق به نوشتن بشی !

- صحت رفتار و سلامت اخلاقی خیلی مهمه و سالم ماندن هم خیلی سخته .

- ما به نوازشهای هم احتیاج داریم دوستای کلم .

و این تنها جمله‌های سیاه و سفیدی بود که نسوخته مانده . حالا در مقابل واحد ۶ دستی لرزان و سیاه شده از خون خشکیده ، در را هل می‌دهد . اولین چیزی که شما هم می‌بینید تصور بزرگ شاعر بر دیوار است .

همراه با تصویر شاعر صدای پای زن هم داخل متن می‌شود .

دوربین عکاسی او از جای گلوله‌های بر روی دیوارها و تصویر شاعر عکس می‌گیرد . اما شما به کرکره‌های پاره و آویخته بر لته‌های شکسته‌ی پنجره‌ها نگاه می‌کنید .

سرش را به طرف سوراخ بزرگ سقف می‌گرداند ، به آسمان نگاه می‌کند و آرام خم می‌شود و صندلی افتاده بر زمین را بلند می‌کند ، لرزان و با دستی بر دیوار روی آن می‌نشیند .

- خب ، نظرتون!

- اول از همه دستتون درد نکنه ، داستان قشنگی بود ، ولی چیزی که هست ، البته از نظر من ، داستان فاقد شخصیت‌پردازی کاذب بود و ...

- بیخشید... صبر کن... شخصیت‌پردازی کاذب یعنی چه؟!

سه... دو... یک... حرکت ، زن توی ماشین نشسته است و در صندلی عقب ، پشت سر او شما به منظره‌ی دلخراشی از شیشه‌ی جلوی ماشین با انزجار چشم دوخته‌اید .

ماشین حرکت می‌کند و او دختر جوانیست که بی‌ترس و دلهره از میان تانکها می‌گذرد و هر از گاه سر برمی‌گرداند و به خودش نگاه می‌کند که با نگرانی به او چشم دارد .

دختر جوان می‌ایستد و به مسیر گلوله از لوله‌ی اسلحه تا پیشانی کودک دست می‌کشد . سپس عروسک را از زمین بلند می‌کند صورتش را نوازش کرده و در آغوش خود پنهان می‌نماید و با لبخندی تلخ در انتهای میدان و پشت ویرانه‌ها محو می‌شود .

- شیوه‌ی روایت شما در این داستان از منظر فرم و فرم‌گرایی بود ، البته به استناد تئوری کلاسیک .

- درست می‌فرمائید ولی نه در داستان ایشون و نه هیچ داستان دیگری بر ایده و ماجرا هیچ کس نمی‌تواند تعیین تکلیف و یا حکم نوشتاری

صادر نماید .

- ولی تنها با اتفاق و هیجان می‌شود تعلیق را در داستان لمس کرد !

- من شاید به عنوان نویسنده درست نباشد که حرفی بزنم ولی اینجا مضامین ارتباطی عمودی ندارد و نویسنده به دنبال آینه که در تصاویر بیندیشد ، نه در متن و ...

- ولی این تصاویر به قدری زیاد شد که مخاطب از داستان جدا می‌شه .

- پس خیال و عقل ملامسه‌گر چی کاره‌ست ، حضور ...

زن دستش را دست چپش را به موازات صندلی قرار می‌دهد و به پشت سرش بر می‌گردد . با لبخند به هم نگاه می‌کنید . حالا دیگر باید به خاطراتان آمده باشد و او را شناخته باشید . آخرین نفر از جمع کوچک و صمیمی شما با صورتی چرک از خون و خاک .

نیمی از نگاهتان را صورت خسته و نگران او پر کرده که با بسته شدن چشمانش ، صدای مهیب انفجار و تیر و غرش آوار قطع شده و تنها صدای موتور اتومات دوربین عکاسی که فیلم را جمع می‌کند شنیده می‌شود .

- به قول شاعر در همه چیز رازی نیست . در داستان هم دیگر قرار بر این نیست که یک اتفاق بزرگ بیفتد و اثر تبدیل به یک شاهکار شود .

- ولی قبول کن که حس نویسنده چشم‌گیر بود .

- نه... از نظر من یک رژه ادبی... می‌توانست اینگونه تمام شود که نگاهتان از گودالی در ساحل دُن آرام و جنازه‌ی زنی جوان با دامنی بالا رفته و پاهای برهنه‌اش که همه را متأثر کرده ، با قوس حرکت کند و سپس رو به بالا درست از وسط خیابان از کنار تابلوی کارگاه خیاطی گذشته و بعد چند رشته کابل برق و آنگاه به طرف چپ و پنجره‌ی طبقه دوم نزدیک شود و از میان کرکره‌های آویزان و شیشه‌های شکسته بر تصویر بزرگ و سوراخ سوراخ شاعر بر دیوار جنوبی آرام آرام آبی گردد و به جای پایان جمله‌ی ، تا چه اندازه ...

ح.ع. شریفی

موسسه پذیرائی گلچین



مشاور ، طراح و برگزار کننده جشنهای شما
(عروسی - نامزدهی - تولد - مهمانیهای خصوصی - مراسم عزاء)
تهیه بهترین و مجلل ترین سالن و
هتل با سرویس پذیرای کامل



با انواع غذاهای ایرانی-فرنگی و دریایی به همراه

(کیک - گل آرائی - ماشین عروس - سفره عقد - فیلمبرداری - عکاسی - موزیک زنده - میز - صندلی - سرویس رومیز)

گلچینی از بهترین تزئینات غذائی با مدرن ترین سرویس



Mob: 07904 515 081 - Tel / Fax: 020 3084 4620

www.golchin.co.uk

38 Glebe Road Stanmore HA7 4EL

E mail: info@golchin.co.uk



reports@persianweekly.co.uk

ایران باستان

نماد گل نیلوفر در دنیای باستان

◆ آرش نورآقایی



گل نیلوفر و نماد آن در دنیای باستان شرق نقش بارزی داشته است. از حجاری‌های تخت جمشید تا کنده کاری‌های طاق بستان، ارتباط شگفت انگیزی با این گل دیده می‌شود. گل نیلوفر در دست خشایارشا

نام گل نیلوفر در زبان سانسکریت پادما (padma)، در زبان چینی لی‌ین‌هو (li-ehua)، به زبان ژاپنی رنگه (Range) و در انگلیسی لوتوس (lotus) است.

نیلوفر در شرق باستان همان قدر اهمیت دارد که گل رز در غرب.

در سده هشتم پیش از میلاد تصویر نیلوفر (احتمالا از مصر) به فینیقیه و از آنجا به سرزمین آشور و ایران انتقال یافت و در این سرزمین‌ها گاهی جانشین درخت

مقدس بوده است.

الهه‌های فنیقی به عنوان قدرت آفریننده خود، گل نیلوفر در دست دارند.

این گیاه در مصر باستان و در بسیاری از بخش‌های آسیا مورد پرستش بود.

جنبه تقدس نیلوفر به محیط آبی آن برمی‌گردد. زیرا آب نماد باستانی اقیانوس کهنی بود که کیهان از آن آفریده شده است. نیلوفر که بر روی سطح آب در حرکت بود به مثابه زهدان آن به شمار می‌رفت. از آنجا که گل نیلوفر در سپیده‌دم باز و در هنگام غروب بسته می‌شود به خورشید شباهت دارد. خورشید خود منبع الهی حیات است و از این رو گل نیلوفر مظهر تجدید حیات شمس به شمار می‌رفت. پس مظهر همه روشنگری‌ها، آفرینش، باروری، تجدید حیات و بی‌مرگی است.

نیلوفر، نماد کمال است. زیرا برگ‌ها، گل‌ها و میوه‌اش دایره‌ای شکلند. و دایره خود از این جهت که کامل‌ترین شکل است، نماد کمال به شمار می‌آید. نیلوفر یعنی شگفتی معنوی. زیرا ریشه‌هایش در لجن است و با این حال به سمت بالا و آسمان می‌رود، از آب‌های تیره خارج می‌شود و گل‌هایش زیر نور خورشید و روشنایی آسمان رشد می‌کنند.

نیلوفر کمال زیبایی نیز به شمار می‌رود. ریشه‌های نیلوفر مظهر ماندگاری و ساقه‌اش نماد بند ناف است که انسان را به اصلش پیوند می‌دهد و گلش پرتوهای خورشید را تداعی می‌کنند.

نیلوفر نماد انسان فوق‌العاده یا تولد الهی است زیرا بدون هیچ ناپاکی از آب‌های گل‌آلود خارج می‌شود.

در فرهنگ آشوری، فینیقی و در هنر یونانی- رومی، نیلوفر به معنی تدفین و مجلس ترحیم و نشانگر مرگ و تولد دوباره، رستاخیز و زندگی بعدی و نیروهای نوزایی طبیعت است. نیلوفر در اسطوره‌های یونانی، رومی علامت مشخصه آفریدیت - ونوس است.

در فرهنگ بودایی، ظهور بودا به صورت شعله صادره از نیلوفر تصویر می‌شود. گاهی بودا را می‌بینیم که در یک نیلوفر کاملا شکفته به تخت نشسته است. در حقیقت در تعلیمات بودایی، نیلوفر تا حد زیادی در قلمرو ماوراطبیعه وارد می‌شود. در معابد بودایی، نقش نیلوفر وجود دارد و نیلوفر جزو هشت علامت فرخندگی در کف پای بودا است.

در فرهنگ چینی، نماد پاکی، حفاظت، ظرافت روحانی، صلح، باروری و تجسم زنانه است و علامت تابستان (یکی از چهار فصل) نیز می‌باشد. چینی‌ها، گل نیلوفر را

مظهر گذشته و حال و آینده می‌دانند، زیرا گیاهی است که در یک زمان، غنچه می‌دهد، گل می‌کند و دانه می‌دهد. همین‌طور نماد نجابت است، به این دلیل که از آب‌های آلوده بیرون می‌آید اما آلودگی آن را نمی‌پذیرد. در اسطوره‌های مصری، چهار پسر هوروس (Horus) روی یک نیلوفر رو به روی ازیریس (osiris) ایستاده‌اند. گل نیلوفر به عنوان نشانه ایزیس (Isis) مظهر باروری و پاکی و بکارت است.

رع، خورشید - خدا و آفریننده مصری به صورت کودکی مصور شده که بر روی گل آرمیده است یا سر او از گل نیلوفر بیرون می‌آید. نیلوفر نشانه مصر علیا بود. سرستون‌های معابد مصری را به گونه‌ای می‌آراستند که نیلوفر را بر روی آن‌ها به صورت غنچه و گاه گشوده حجاری می‌کردند.

در فرهنگ هندی، گل نیلوفر گلی است که از خود به وجود آمده و نامیراست و نماد جهان به شمار می‌رود. گاهی کوه "مر" (meru) به مفهوم محور جهان در مرکز آن تصویر شده است. چاکراها به شکل نیلوفرهایی تصویر می‌شوند که با نماد چرخ مرتبطند، هنگامی که این مرکز (چاکراها) بیدار شوند، نیلوفرها باز می‌شوند و می‌چرخند. Lotus نام یکی از حرکات یوگا است.

در اسطوره‌های هندی با سه خدای اصلی مواجه می‌شویم که عبارتند از: برهما (خدای آفریننده)، ویشنو (خدای نگهدارنده) و شیوا (خدای نابودکننده). در یک اسطوره متاخر که در ریگ ودا به آن اشاره شده است، آمده که چگونه کیهان از نیلوفری زرین که بر روی آب‌های کیهانی در حرکت بوده به وجود آمد و از آن برهما متولد شد. هنگامی که مراسم او جای خود را به مراسم ویشنو داد وی را بعدها به صورتی مجسم کردند که بر روی گل نیلوفری که از ناف ویشنو می‌روید، نشسته است. یک الهه هندویی به نام پادماپانی (padmapani) وجود دارد که به معنی زنی است که نیلوفر در دست دارد.

لاکشمی، همسر ویشنو و پارواتی همسر شیوا هم با نیلوفر در ارتباط هستند. در هندوستان که رود برایشان اهمیت بسیار دارد، الهه‌های رودگاهی بر روی نیلوفر سوارند. در فرهنگ ایران باستان، هم گل نیلوفر را در تخت جمشید و در نقش برجسته‌های آن مشاهده می‌کنیم. در حجاری‌های طاق بستان کرمانشاه هم، گل نیلوفر مربوط به زمان ساسانیان دیده می‌شود.

ظواهر گلی که در دستان پادشاهان حجاری شده در تخت جمشید دیده می‌شود، نماد صلح و شادی بوده است. از آنجا که این گل با آب در ارتباط است نماد آن‌ها، ایزد بانوی آب‌های روان است.

منابع: نمادهای سنتی : جی‌سی‌کوپر- فرهنگ نگاره‌های نمادها : جیمز هال - تاریخ تمدن : ویل دورانت

نامی مطمئن و پیشرو

ساتلایت ۵ ستاره

5 STAR SAT

نصب و تبدیل سیستم ثابت و موتورایزر جهت دریافت هزاران کانال افغانی، فارسی کردی، عربی، ترکی و اروپایی

کنترل کلیه کانالها از هر جای منزل بدون نیاز به سیم کشی

نصب آنتن تلویزیون و نصب تلویزیون پلاسما

نصب و راه اندازی کانالهای ماهواره ای در تمام نقاط انگلستان



Tel: 020 8395 3114
Help Line: 07817 690 167



Technomate
Your Digital Partner For Life

آریانا TV از کابل
آریانا افغانستان از آمریکا



reports@persianweekly.co.uk

خدمات استثنایی و رایگان تحصیل



در انگلستان

ویزای تضمینی - تمدید
ویزای تحصیلی

پذیرش دوره های: زبان - کامپیوتر - مدیریت - توریسم - MBA - Fashion و ... از بهترین کالج ها و دانشگاه های انگلستان با بهترین شرایط در تمامی مقاطع

خدمات ویژه: ترانسفر فرودگاهی - تهیه مسکن مناسب - بازکردن حساب بانکی و ...

هدایای ویژه: بورس تحصیلی - تخفیف دانشجویی - موبایل و سیم کارت رایگان و ...

تلفن مشاوره و راهنمایی: ۰۷۵۰۶۷۴۲۶۰۸

Online: iranianstudy@yahoo.com

تالار گفتگوی دانشجویی ایرانیان سراسر دنیا افتتاح شد.

www.iranstudy.ir/forum

«دفتر مشاور حقوقی لطیف زمانی»

کارهای حقوقی خود را با اطمینان خاطر می توانید به ما بسپارید

امروزه تمامی کارهای تجاری و بازرگانی بستگی به رعایت قوانین و مقررات و استفاده باموقع و بهینه آنها دارد.

- ۱) ثبت شرکتها و موسسات تجاری
- ۲) پذیرش نمایندگی برای شرکتها
- ۳) اخذ ویزای تحصیلی
- ۴) دارای مجوز رسمی از معتبرترین دانشگاهها و کالجهای انگلستان
- ۵) تنظیم قرارداد های تجاری
- ۶) تهیه و ارسال اگلام مورد نیاز شرکتها
- و موسسات تجاری طبق مقررات انگلستان
- دریافت ویزای سرمایه گذاری و تجاری

لطیف زمانی با دارا بودن مدارک و سابقه درخشان می تواند بهترین مشاور و همراه در کارهای بزرگ تجاری و حقوقی شما می باشد.

E-mail: info@latifzamani.com
www.latifzamani.com



146-154 Kilburn High Road, Kilburn, London, NW6 4JD

Tel: 084 5200 0759 - 020 8371 6999 - 07958 211 911

Fax: 020 7900 3321



جشن شهریورگان

زادروز داراب (کوروش؟) و مرگ مانی

رضا مرادی غیاث آبادی

شهریورروز از شهریورماه یا چهارمین روز این ماه، برابر است با جشن شهریورگان که از آیینها و مراسم وابسته به آن هیچگونه آگاهی در دست نیست. برگزار نشدن آیینهای جشن شهریورگان توسط ایرانیان در زمانی طولانی، موجب شده است تا همه جزئیات آن به فراموشی سپرده شود و حتی در متون کهن نیز آگاهیهای چندانی در باره آن فرا دست نیاید.

نام شهریور در متون اوستایی به گونه «خَشْتَرَه وَئیریه» آمده که به معنای تقریبی «شهر و شهریاری (شهرداری) آرمانی و شایسته» است. چنین می نماید که این اندیشه و آرمآن، خاستگاه نظریه های افلاطون و فارابی در زمینه «آرمان شهر» یا «مدینه فاضله» بوده باشد. نام شهریور چند بار به همین معنا در «گاتها»ی زرتشت نیز آمده است و بعدها در اوستای نو، او را به گونه ای تشخیص یافته به پیکر یکی از امشاسپندان در می آورند.

بر اساس متون ایرانی، جشن شهریورگان یا چهارم شهریورماه، با زایش و مرگ دو نفر از تأثیرگذارترین شخصیت های تاریخ ایران همزمان است: زایش داراب و مرگ مانی.

خلف تبریزی در «برهان قاطع» (جلد سوم، ص ۱۳۱۶) از این روز به عنوان زادروز داراب نام می برد. با توجه به پاره های اشاره های تاریخی و شباهت های داستان داراب در شاهنامه فردوسی و دیگر تاریخ نامه های ایرانی با گزارش های مورخان یونانی و ایرانی در باره کوروش بزرگ، می توان احتمال ضعیفی در باره اینهمانی داراب و کوروش را پیش کشید. ممکن است منتسب دانستن زادروز داراب یا کوروش به روز شهریورگان که بر شهریاری آرمانی و شایسته دلالت دارد، یادمانی از خاطره پادشاهی کوروش بزرگ در یاد مردمان و تاریخ نگاران بوده باشد.

اما از سوی دیگر متون مانوی (متن ce و p به زبان پارتی) از این روز به عنوان روز جانباختن مانی یاد کرده اند: «مانی) با شادی بزرگ و با خدایان روشنی ها و با نوای چنگ و سرود شادی پرواز کرد ... و جاودان بماند به نزد خداوند اهورامزدا ... چهار روز گذشته از شهریورماه، شهریورروز، روز دوشنبه، ساعت یازده، در استان خوزستان و به شهر بیلاباد (کندی شاپور)، که او پرواز کرد ... به سوی سرای فروغ» (وامقی، ایرج، نوشته های مانی و مانویان، ۱۳۷۸، ص ۲۹۰ تا ۲۹۳، M. Boyce, Acta Iranica, No. ۹)

آنگونه که از متون مانوی برمی آید، روز مرگ مانی در نزد مانویان یکی از بزرگترین جشنها دانسته می شده و ظاهرا به هنگام مرگ مانی این روز برابر با جشن «بِما/ بِمو» نیز بوده است.

به این ترتیب، چهارم شهریورماه نه تنها هنگام جشن شهریورگان، بلکه همزمان با جشن زادروز داراب (کوروش؟) و جشن درگذشت یا جانباختن مانی نیز است. همزمانی این دو رویداد اخیر از نگرگاهی دیگر نیز توجه برانگیز است: از سویی هنگام زایش پادشاهی بلندآوازه و کوششگر آرمآن شهر ایرانی؛ و از سویی دیگر مرگ مانی درست در همین روز و دستاورد سلطه موبدان ساسانی بر ایران شهر و تباهی آرمآن شهر ایرانی.

مانی، پیامبر بزرگ و پاکدل و صلح جوی ایرانی، همه عمر شصت و یکساله خود را صرف گسترش پیام دین مانوی کرد. او برخلاف بسیاری از ادیان که به

رسمین شناختن و رد کردن ادیان و باورهای دیگر را افتخاری برای خود می دانند، تمامی پیامبران و ادیان پیشین خود را به رسمیت شناخت و گرامی داشت. مانی پیامبر دینی به تمام معنا در پیوند با فرهنگ و هنر بود که خود و پیروانش بیش از همه ادیان دیگر از خود کتاب و آثار مکتوب و نگاره های بی همتا باقی گذاشتند. همچنین مانی پیام آور جهان شمول ترین دین جهان باستان بود که پیروانش به مدت قریب یک هزار سال در گستره های از شمال اروپا تا شرق چین زندگی می کردند.

یکی از شناخته شده ترین آیینهای مانوی که در سراسر جهان امروز برجای مانده و بکار می رود و یادمان آن نیکومرد آشتی جوی ایرانی است، شیوه دست دادن مردمان با دست راست است.

مانی، سرنوشت تلخی داشت. سرنوشت تلخ و همیشگی مردان بزرگ تاریخ ایران، و قربانیان اتحاد شوم حکومداران، اشراف و روحانیان. اتحاد قدرت و ثروت و نیرنگ.

داستان بسیار ساده بود. همانگونه که بعدتر با مزدک و دیگران هم اجرا شد. مانی را به جلسه مناظره با موبدان در حضور بهرام یکم دعوت می کنند و او را در یک دادگاه تفتیش عقاید به جرم «کفر» محکوم به مرگ می کنند. او در زندان نیز نه تنها از پیام دین و آرمآن خود دست بر نمی دارد و توبه نمی کند؛ بلکه از هر فرصتی برای اندرز و شناساندن دین و اندیشه های خود برای جامعه بشری بهره می برد.

مانی به حکم موبدان پیرو صلح و آشتی و با تأیید بهرام شاه در شهریورروز از شهریورماه سال ۲۷۶ میلادی و در روزی که لابد دیگر موبدان سرگرم آراسن مجلس جشن شهریورگان یا آیین آرمآن شهر ایرانی بوده اند، پس از شکنجه های هولناک کشته می شود و پیکرش را برای مدتی طولانی بر دروازه گندیشاپور می آویزند. دروازه ای که تا سدها سال بعد به نام «دروازه مانی» خوانده می شده است.

موبد کرتیر، در کتیبه های نقش رستم و سر مشهد به بازگویی این رویداد می پردازد: «کیش اهریمن و دیوان از شهر رخت بر بست، یهودیان و بوداییان و برهمنان و مسیحیان و نزاریان و مانویان اندر شهر کشته شدند و بت های آنان (منظور خدایان آنان) نابود شد. دیوکه های آنان (منظور نیایشگاهها) منهدم گشت و به جایگاه نیایش ایزدان بدل شد، شهر به شهر، جای به جای ... من کافران و ملحدانی که به انجام فرایض دینی نپرداختند را کیفر دادم ... من بسا آتشکده نشانیدم، بسیار کسان به دین روی آوردند و من دین مزدیسنا را اندر شهر نیکنام کردم».



سنگ نگاره مرگ مانی، بیشاپور

عکس از غیاث آبادی، ۱۳۷۶

استاد علی اکبر سرفراز این سنگ نگاره را در کاوش های خود در تنگ چوگان بیشاپور یافت. به گمان ایشان، این مرد که در زیر سم اسب بهرام شاه فرو غلتیده است، کسی جز مانی نیست.



reports@persianweekly.co.uk

(گردآوری و تخلص: بهزاد - ر / از کتاب قصه های هزار و یک شب)

هزار و یکشب داستانهای

صید دل باید، چو دام از عنبر سارا بُود

هست دریای ملاحظت روی او، از بهر آنک
عنبرو مرجان و لؤلؤ هر سه در دریا بُود

گر به حکم طبع، یغما رسم باشد ترک را

آن صنم ترکست و دل در دست او یغما بُود.

و در دست آن دختر شاخه خیزرانی بود آن شاخه را بر تابه زد و گفت:
ای ماهی آیا در عهد قدیم و پیمان درست خود هستی؟ چون طبخ این بدید
بپهوش افتاد و دختر همان سخن مکرر می کرد تا اینکه ماهی سر بر داشته
گفت آری آری، پس از آن همه ماهیان سر برداشته گفتند:

اگر یگانه شوی، با تو دل یگانه کنیم

ز مهر و دوستی دیگران کرانه کنیم

دخترک چون این بشنید تابه را سرنگون کرده از همان جا که در آمده بود
بدر شد و شکاف دیوار بهم پیوست. چون کنیز بهوش آمد دید که ماهیان
سوخته و تباه شده اند.

کنیز ملول نشسته به بخت خویشتن گریان بود و می گفت شکست خوردن
در جنگ نخست مبارک نباشد. کنیز با خود گفتگو می کرد که وزیر را
رسید و ماهیان بخواست. کنیز گریان شد و چگونگی باز گفت. وزیر را
عجب آمد و صیاد را بخواست و گفت از آن ماهیان چهار دیگر بیاور.
صیاد به سوی برکه شتافت و دام بینداخت. پس از زمانی دام بیرون
کشید، دید که چهار ماهی مانند همان ماهیان بدام اندرند. ماهیان را پیش
وزیر آورد. وزیر آنها را به کنیزک بداد. کنیز ماهیان به مطبخ آورده به
تابه بینداخت. در حال دیوار مطبخ شکافته همان دختر آفتاب روی به مطبخ
اندر آمد و شاخه خیزران بر تابه زد و گفت: ای ماهی در عهد قدیم و پیمان
درست خود هستی؟ ماهیان سر برداشتند و همان بیت پیشین بخواندند.

چون قصه بدینجا رسید بامداد شد و شهرزاد لب از داستان فرو بست.

ادامه دارد ...

عفریت گفت: اکنون وقت جوانمردی و مروت است. مرا رها کن، من نیز با
تو پیمان بریندم که هرگز با تو بدی نکنم و ترا از مردم، بی نیاز گردانم.
پس صیاد از عفریت پیمان بگرفت و بنام بزرگ خدا سوگندش داده، مهر از
سر روئین خمره برداشت. در حال دودی از خمره بیرون آمده بر آسمان
برفت پس از آن در یکجا جمع آمده عفریتی شد زشت منظر و پا به روئین
خمره بزد و آن را به دریا انداخت.

چون صیاد دید که عفریت بیامد و گفت: ای امیر عفریتان، تو پیمان بست
و سوگند یاد کردی که با من بدی نکنی که خدای تعالی ترا پاداش بد بدهد.
آنگاه عفریت بخندید و گفت: ای صیاد از پی من بیا و صیاد دل بمرگ
نهاده همی رفت تا به کوهی برسیدند به فراز کوه بر شده از آنجا به بیابان
بی پایانی فرود آمدند و در آن بیابان برکه آبی بود. عفریت بر آن برکه
بایستاد و صیاد را گفت: دام به این برکه بینداز و ماهیان بگیر. صیاد
دید که در برکه ماهیان سرخ و سفید و زرد و کبود هستند. او را عجب آمد
و دام به برکه بینداخت. پس از زمانی دام بیرون آورد چهار ماهی به چهار
رنگ در دام یافت. پس عفریت به او گفت که: ماهیان را بنزد سلطان ببر که
او ترا بی نیاز سازد و اگر گناهی از من رفت ببخشای و عذر مرا بپذیر که
من هزار و هشتصد سال به دریا اندر بوده ام و روی زمین را ندیده ام. تو
همه روز از این برکه یک دفعه ماهی بگیر و السلام.

پس زمین شکافته شد و عفریت به زمین فرو رفت و صیاد به شهر آمد
و از سر گذشت خود با عفریت در عجب بود. پس به خانه بیامد. ظرفی
پر از آب کرده ماهیان در آن بینداخت و آن را چنانکه عفریت آموخته
بود برداشته به پارگاه ملک آمد و ماهیان را به پیشگاه ملک برد. ملک
چون بدان سان ماهیان ندیده بود از آن ماهیان در عجب مانده گفت: این
ماهیان به کنیز طبخ بسپارید و آن کنیز را سه روز پیش ملک روم به هدیه
فرستاده و هنوز چیزی نپخته بود. چون ماهیان به کنیز سپردند وزیر
بفرمان ملک چهارصد دینار زر به صیاد بداد. صیاد زر را به دامن کرده
شادان و خرم به خانه خویش بازگشت.

اما کنیز طبخ ماهیان را به تابه انداخته بر آتش بگذاشت تا یکسوی آنها
سرخ گردید و آتش در زیر تابه همی سوزاند که دید دیوار مطبخ شکافته
شد و دختری ماهروی به مطبخ درآمد که در خوبی چنان بود که شاعر
گفته:

شاه را ماند که اندر صدره دیبا بُود
هرکه اندر صدره دیبا بود، زیبا بُود

عاشقان را دل به دام عنبرین کرده است صید



باقی حکایت صیاد

شهرزاد گفت: ای ملک جوانبخت، صیاد با عفریت گفت که چون تو قصد
کشتن من کرده بودی اکنون من ترا در این روئین خمره به زندان اندر کنم
و به دریا بیفکنم. عفریت چون این بشنید فریاد برآورده بنالید و صیاد را
به نام بزرگ خدا سوگند داد و گفت: تو بد کرداری مرا پاداش بد مده و
چنان مکن که امامه با عاتکه کرد. صیاد گفت: چگونه بوده است حکایت
ایشان؟

عفریت گفت: من چون توانم که به زندان اندر حدیث کنم، اگر مرا بیرون
بیاوری حکایت بازگویم. صیاد گفت: ناچار ترا به دریا افکنم که دیگر
راه بیرون شدن ندانی. من پیش تو بسی بنالیدم و زاری کردم، تو بر من
رحمت نیاوردی و همی خواستی که بیگناهم بکشی و به پاداش اینکه من
ترا از زندان بدر آوردم تو در هلاک من همی کوشیدی. اکنون بدان که
ترا بدین دریا در افکنم و بدینجا خانه کنم و همه کس را از کردار بد تو
بیگانه کنم و نگذارم که دیگر کس ترا بدر آورد که تا ابد در همین جا بمانی
و گونه گونه رنجهای ببری.

سالن پذیرایی دیاموند

DIAMOND RESTAURANT & BAR

دیاموند سالن مجلل پذیرائی با ظرفیت ۲۰۰ میهمان، جهت برگزاری جشنهای نامزدی،
عروسی، تولد و ضیافت های خانگی و برگزاری مراسم ترحیم می باشد.

دیاموند آماده گی خود را برای برگزاری جشنهای شما اعلام میدارد.

شما می توانید سالن دیاموند را جهت برگزاری جشنهای خود اجاره کرده و غذای مورد
نظر خود را از هر رستورانی که مایل هستید سفارش دهید و یا شخصا تهیه فرمائید.

با ما جهت سفارش کیک عروسی و تولد، عکاس و فیلمبرداری، گل آرائی، سفره عقد،
ماشین های تشریفاتی لموزین بنتلی و مرسدس بنز، گروه موزیک و خواننده د لخواه
خود مشورت فرمائید.

برای کسب اطلاعات بیشتر و بازدید سالن
با شماره تلفنهای زیر تماس حاصل فرمائید.

0208 44 66 292
079 303 151 75

289 Ballards Lane, London, N12 8NR





reports@persianweekly.co.uk

تکنولوژی و آموزش

۸ توصیه برای

ایمنی بیشتر
رمز عبور در
کامپیوترها

آیا رمز عبور شما از حفاظت لازم برخوردار است؟

وارد کردن همیشگی اسم کاربر و رمز عبور، روندی ناخوشایند و کسل کننده است. چه بخواهید ایمیل خود را چک کنید، چه بخواهید از وضعیت حساب بانکی خود مطلع شوید.

اغلب کاربران کامپیوتر، به طور معمول از رمزهای عبور ساده و آسان استفاده می کنند. اما دقت داشته باشید که این سهل انگاری در انتخاب رمز عبور، عواقب خطرناکی به دنبال خواهد داشت. رمزهای عبور آسان و معمولی در ظرف چند ثانیه لو خواهند رفت و اطلاعات شخصی مانند شماره حساب بانکی و شماره کارت اعتباری شما به راحتی در معرض دید هرکس قرار خواهند گرفت.

پیامد: هر هکری می تواند حساب بانکی شما را تخلیه یا با شماره کارت اعتباری شما اقدام به خرید کند.

در اینجا ۸ نکته برای حفاظت از اطلاعات توصیه می شود :

۱. به هیچ وجه از اسامی استفاده نکنید فرقی نمی کند که اسم فامیلتان باشد، یا باشگاه فوتبال مورد علاقه تان. بسیاری از برنامه های هکر، رمزهای عبور را با کمک فرهنگ لغت هک می کنند. فقط چند ساعت طول خواهد کشید که با کمک لغات یک فرهنگ لغت، دستیابی به رمز عبور امکان پذیر شود.

۲. برای رمز عبور خود حداقل از ۸ حرف استفاده کنید: برای رمز عبوری که از ۴ حرف تشکیل شده است، حدود ۴۵۰۰۰ حالت وجود دارد. اما برای رمز



عبوری که از ۸ حرف و علامتهای ویژه تشکیل شده است، یک

میلیارد حالت مختلف وجود دارد!

۳. برای رمز عبور، از حروفی که در کنار هم قرار گرفته اند استفاده نکنید! در کنار هم گرفتن حروف و یا اعداد، دستیابی به هرکس به رمز عبور شما را بسیار راحت می کند!

۴. برای رمز عبور خود، ترکیبی از حروف بزرگ و کوچک یا اعداد و علامتهای ویژه را انتخاب کنید. استفاده از علامتهای ویژه به تنهایی کافی نیست.

۵. رمز عبور خود را تا حد امکان جایی ننویسید حتی اگر کاغذی که رمز عبور خود را بر روی آن نوشته اید، در جای امنی مانند کیف تان باشد، از این کار اجتناب کنید. عنوان کاغذی که رمز عبور خود را بر روی آن نوشته اید، به هیچ عنوان زیر صفحه کلید یا به مانیتور خود نچسبانید!

۶. رمز عبور خود را همواره تغییر دهید. هر قدر، مدت زمان استفاده از رمز عبورتان بیشتر باشد، خطر هک شدن شما بیشتر خواهد بود. اداره فناوری اطلاعات آلمان فدرال، توصیه می کند که هر ۹۰ روز یکبار رمز عبور خود را تغییر دهید.

۷. رمز عبور خود را در کامپیوتر ذخیره نکنید! کامپیوتر قادر است رمز عبور شما را ذخیره کند تا شما مجبور نباشید هر بار آن را وارد کنید. با این حال، کسی که برای هر بار ورود، احتیاج به وارد کردن رمز عبور نداشته باشد، خیلی سریع آن را فراموش می کند: دقت داشته باشید که برای تغییر رمز عبور، باید حتما رمز عبور قبلی را وارد کنید!

۸. رمز عبور خود را به شخص دیگری ندهید! اگر از شما تلفنی یا با ایمیل، رمز عبورتان را خواستند، آن را بازگو نکنید! هرکس معمولاً خود را به عنوان همکاران شرکتهای بزرگ معرفی می کنند. این اشخاص که خود را سرویس کار کامپیوتر معرفی می کنند، معمولاً توسط تماس تلفنی یا ایمیل رمز عبور شما را برای حل مشکل کامپیوترتان طلب می کنند. ولی هیچ شرکت معتبر و صاحب نامی از شما رمز عبورتان را نمی خواهد.

۹. برای ایجاد کلمه عبور، از حروف بزرگ و کوچک و به صورت یک در میان استفاده کنید. مثال cOmPuTeR در آخر امیدوارم هیچ گاه هک نشوید !!!

افتخار ایرانیان شمیم انگلستان



PARK ROYAL CARS

24/7 Mini Cab Service &
Airport Transportسرویس تاکسی تلفنی و
انتقال فرودگاهی ۲۴ ساعته

Controller Wanted Driver Wanted



020 8998 1818 - 020 8998 9898

www.parkroyalcars.co.uk

Ealing to Heathrow £18
Kensington to Heathrow £22
Central London to Heathrow £28طراحی حرفه ای وب سایت خدمات نشر لیفلت و چاپ
دیزاین طراحی لوگو 07733113137 - 02084537350

آگهی های شما به کیفیت و استمرار این هفته نامه یاری می رساند



reports@persianweekly.co.uk

گردآوری و بازنویسی مهدی از لندن

ورزشی ایران و جهان

اخبار کوتاه از جهان ورزش!

ناصر حجازی اولین شکست خود با استقلال

در یک دیدار رسمی را تجربه کرد تا پس از بازگشت به جمع آبی پوشان پس از ۸ سال دوباره طعم ناکامی را بچشد. ناصرخان در اردیبهشت سال ۷۸ با حساب ۳-۴ مغلوب سایپا شد تا همان شب از هدایت استقلال عزل شود.

به طور رسمی اعلام شد خانها می توانند کاندیدای ریاست فدراسیون شوند. این خبر را خیلی ها باور نمی کنند اما واقعیت دارد، بله، خانها هم می توانند کاندیدای ریاست فدراسیون فوتبال شوند. در اساسنامه فدراسیون فوتبال هیچ مانعی برای حضور خانها در نظر گرفته نشده و آنها بر این اساس می توانند مثل آقایان کاندیدای حضور در انتخابات فدراسیون فوتبال شوند. شاید بیست و پنجمین رئیس تاریخ فدراسیون فوتبال ما یک خانم باشد.

علی دایی سرمربی سایپا که تیمش در دو هفته ابتدایی مغلوب راه آهن و فجرسپاسی شد، این روزها بیش از هر چیز افسوس بارهای از دست رفته اش را در فصل نقل و انتقالات می خورد.

ادعای استقلالی ها، تیم ما هنوز هماهنگ نیست. شکست استقلال مقابل ملوان بازتاب وسیعی در جامعه رسانه ای کشور داشت و نظر اغلب کارشناسان را معطوف به خود کرد زیرا کمتر کسی گمان می کرد تیمی که در فصل نقل و انتقالات این همه بازیکن تراز اول خریده بود، به همین زودی طعم ناکامی را بچشد.

آمار عجیب برای استقلال. ۵ بازیکن یک اظهاره در دو بازی استقلال طی روزهای برگزاری رقابت های لیگ برتر، آمار عجیب و در عین حال نگران کننده ای برجا گذاشته که در صورت تداوم می تواند مشکلات فراوانی را برای این تیم ایجاد کند.

SHUT UP داوران باید زبان انگلیسی بدانند. سال ۱۹۹۵ فیفا دستور داد داوران جهان باید سعی کنند زبان انگلیسی یاد بگیرند تا بتوانند به راحتی یک بازی را قضاوت کنند به همین دلیل برخی از داوران با رفتن به کلاسهای داورگری سعی کرده اند زبان انگلیسی را یاد بگیرند. روز جمعه یکی از مربیان لیگ برتر با اعلام اینکه داور به بازیکن خود به انگلیسی گفته خفه شو!

ایران با ۵ مدال، نایب قهرمان کشتی آزاد جوانان جهان شد مسابقات کشتی آزاد قهرمانی جوانان جهان سال ۲۰۰۷ چین با قهرمانی تیم روسیه به پایان رسید. تیم های روسیه، ایران، ترکیه، گرجستان، آذربایجان و آلمان به ترتیب با ۵، ۶، ۵، ۳، ۲ و ۱ امتیاز عناوین اول تا ششم را به دست آوردند.

افشین قطبی سرمربی تیم پرسپولیس پس از سی سال شناسنامه و کد ملی ایرانی گرفت. قطبی با حضور در سازمان ثبت احوال و مساعدت مسئولان این سازمان شناسنامه ایرانی خود را در مدت کمتر از یک ساعت دریافت کرد. همچنین مشکل کارت پایان خدمت قطبی هم رفع شد. قطبی در جام ملت های آسیا دستیار پیم فریبک سرمربی تیم کره جنوبی بود و پس از آن برای هدایت تیم پرسپولیس به ایران آمد.



فوتبال انگلیس هفته پنجم

شنبه

اورتون	بولتون	تانتنام	فولهام	دربی	لیورپول
ساندرلند	من یونایتد	بیرمنگام	میدلزبرو	ویگان	نیوکاسل
	وست هام		ریدینگ		

یکشنبه

پورتوس	آرسنال	چلسی	آستون ویلا	من سیتی	بلکبرن
--------	--------	------	------------	---------	--------

لیگ برتر فوتبال ایران هفته سوم

۰۹ شهریور: جمعه



سایپا	پاس	نفت	پگاه
شیرین فراز	زوب آهن	صیباباتری	راه آهن
ملوان	استقلال اهواز	مس کرمان	استقلال

با کسب مدال طلای والیبال نوجوانان

جهان ایران تاریخ را به هم ریخت!

تیخوانا (مکزیک): قهرمانی پسران ایرانی



“ایران حالا یکی از قدرتهای والیبال جهان است”

این را خبرنگار سیه چرده مکزیک زمانی گفت که دیگر تیم ملی نوجوانان با غلبه بر چین، قهرمان شده بود.

او بعد ادامه داد: «ایران نسل خوبی را پرورش داده، سومی جوانان در

مراکش و حالا قهرمانی، مطمئن هستم که **المپیک بعدی**

در لندن بیشتر از تیم ملی ایران خواهیم شنید.» تیم ملی والیبال

نوجوانان ایران با کسب مدال طلا عنوان قهرمانی جهان، اولین مدال

طلای تاریخ ورزشهای گروهی کشورمان را در عرصه رقابت های

جهانی کسب کرد و نه تنها برای خود که برای جامعه ورزش ایران

نیز به یک رکورد ارزشمند و تاریخی دست یافت.

نوجوانان کشورمان که در پی بازیهای قدرتمندانه و مقتدرانه تا پای

فینال رقابت های جهانی مکزیک راه یافته بودند، صبح روز گذشته در

بازی پایانی نایب های چین را ۳ بر ۲ مغلوب کرده و افتخاری دیگر

آفریدند. کسب مدال طلای نوجوانان جهان توسط ملی پوشان ایران در حالی حاصل شد که در تاریخ بیست ساله و در

طول نه دوره گذشته این مسابقات، همواره یکی از دو تیم برزیل و روسیه به قهرمانی دست می یافتند اما امسال این

نوجوانان ایران زمین بودند که با غلبه بر قدرتهایی همچون برزیل، فرانسه و... خود به این عنوان مفتخر شده و تاریخ

را به هم ریختند.

گزارش BBC از حرک کاندیداها، تروسیه یا دنیزلی، سرمربی

تیم ملی!؟



فیلیپ تروسیه مربی صاحب نام فرانسوی برای حضور در رأس کادرفنی تیم ملی فوتبال ایران اعلام آمادگی کرده است و حتی در این مورد با یکی از نامزدهای احراز پست ریاست فدراسیون فوتبال به توافق رسیده است.



پایگاه خبری BBC در گزارش ویژه خود با اشاره به عدم توافق نهایی تروسیه و مسئولان فدراسیون فوتبال اردن، از وی

به عنوان یکی از نفرت احتمالی برای برعهده گرفتن هدایت تیم ملی فوتبال ایران نام برد.

در قسمتی از این گزارش آمده است: پس از اینکه فیلیپ تروسیه با تیم ملی اردن به توافق نرسید علاقه مند است مربی تیم ملی فوتبال ایران شود. منابع موثق خیر داده اند این مربی حتی با یکی از نامزدهای ریاست فدراسیون فوتبال ایران مذاکراتی هم داشته است. او سالها مربی تیم ملی فوتبال ژاپن بود و بعد از آن مربیگری تیم های ملی قطر و مراکش را برعهده داشت.

گفتنی است، چندی پیش نیز از سوی برخی منابع خبری، مصطفی دنیزلی به عنوان نامزد اصلی نیکمک مربیگری ایران مطرح شده بود. برنامه کاری و سرنوشت کادر فعلی تیم ملی فوتبال ایران قرار است از سوی رئیس جدید فدراسیون فوتبال مشخص شود. البته سازمان تربیت بدنی که به نظر می رسد تلاش زیادی را انجام می دهد تا نیروهای مورد تأیید خود را در فدراسیون به کار مشغول کند نسبت به ادامه فعالیت مربی ایرانی تیم ملی تأکید کرده و علاقه مند است تا همچنان قلعه نوعی هدایت ملی پوشان ایرانی را برعهده داشته باشد

نتایج لیگ برتر فوتبال ایران هفته دوم

پیکان	۱-۱	صیباباتری	استقلال	۲-۱	ملوان	زوب آهن	۱-۱	مس کرمان
ابومسلم	۲-۱	سپاهان	فجر سپاسی	۱-۲	سایپا	راه آهن	۱-۰	برق
پاس	۰-۱	شیرین فراز	نفت	۰-۰	استقلال اهواز	پگاه	۲-۰	پرسپولیس

نتایج لیگ برتر فوتبال ایران هفته سوم

ابومسلم ۳-۰ پرسپولیس فجر سپاسی ۱-۰ برق شیراز پیکان ۲-۱ سپاهان

پرسپولیس قطبی، قطب شد!

در هفته سوم لیگ برتر، پرسپولیس با مربی جدید خود، تیم ابومسلم خراسان را با ۳ گل در هم کوبید و به تنهایی در صدر جدول رقابتها ایستاد.



reports@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

هفته نامه پرشین

Boat Party

On the Thames

SATURDAY 1 SEP

SATURDAY 8 SEP

از ساعت ۹ شب تا ۴ بامداد

DJ VOICE

DJ CALBO



BBQ and Shisha

۷ پوند

۱۰ پوند

۱۲ پوند

قبل از ساعت ۱۰

بعد از ساعت ۱۰ اعضا

بعد از ساعت ۱۰

Info : 07967021001

The Yacht Club - Temple Pier. Victoria Embankment London WC2R 2PN **Temple** روبروی آندگراند



reports@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید



DICLE INTERNATIONAL FOOD CENTRE



Daily Fresh Halal Meat and Fruit & Vegetables
Turkish, Greek, Iranian, Middle Eastern & Eastern European Foods

سوپر دِجله

گوشت حلال، میوه جات و سبزیجات تازه

انواع محصولات ایرانی، یونان،
ترکی موجود میباشد.

قیمتهای مناسب برای ماه رمضان

ساعت کار: ۷ روز هفته از ۷ صبح تا ۱۱ شب

151-153 Ballards Lane,
Finchley, London, N3 1LJ

TEL/FAX: 020 8349 3414





reports@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

قابل توجه کلیه رستورانهای ایرانی

تخفیف ویژه هر دوشنبه



TARIQ HALAL MEATS

Fresh Cut Poultry and Meat

ماهیچه پوره، ران پوره، فیله پوره، سره سته، گره نی، راسته،
شیشی کباب، سینک مرغ، جوجه کباب با استخوان

قیمتهای غیر قابل رقابت



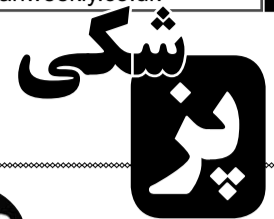
تایید شده از کلیه مجامع اسلامی

EEC Licensed Meat &
Poultry ProcessorsUnit4-5, Quad Road,
East Lane Business Park,
Wembly, Middx. HA9 7NEفارسی زبانان عزیز می توانند با آقای یوسف بختیار
از طریق تلفنهای زیر تماس حاصل فرمایند.

020 8908 2332 - 077 4274 9238

(Fax): 020 8904 0940

www.tariqhalalmeatprocessors.co.uk



شما می توانید از طریق ایمیل با پزشک هفته نامه پرشین در ارتباط باشید. pezeshk@persianweekly.co.uk

بارگیری ویروس (Viral Load Test) می‌گویند که نقش بسیار مهمی در درمان آلودگی با HIV دارد.

مرحله علامتدار عفونت HIV (مرحله سوم)

با گذشت زمان، سیستم ایمنی توان خود را از دست می‌دهد که به ۳ دلیل عمده زیر است.

۱ - بافتها و غدد لنفاوی بدلیل سالها فعالیت، آسیب می‌بینند

۲ - و HIV جهش پیدا می‌کند و آلوده کنندگی اش تشدید می‌شود بعبارت دیگر برای تخریب سلولهای T-helper قویتر و متنوع تر میشود.

۳ - بدن توانایی جایگزینی سلولهای T-helper از دست رفته را ندارد.

با ایجاد نقص در سیستم ایمنی، علائم بوجود می‌آیند که در آغاز بسیاری از علائم خفیف هستند ولی با تحلیل سیستم ایمنی، علائم تشدید می‌شوند.

پیشروی از HIV تا AIDS

با آسیب بیشتر سیستم ایمنی، بیماری به سمت بدتر شدن پیش می‌رود تا اینکه تشخیص ایدز مطرح شود. در حال حاضر در انگلستان تشخیص ایدز وقتی تأیید می‌شود که فرد HIV مثبت تعداد خاصی از عفونتهای فرصت طلب یا سرطانه را بروز می‌دهد اگر چه فرد HIV

مثبت می‌تواند بشدت بیمار باشد ولی تشخیص ایدز نداشته باشد.

آیا درمانی وجود دارد؟

متأسفانه مطالعات نشان می‌دهد که بسیاری از افراد گمان می‌کنند که برای ایدز درمانی وجود دارد که منجر می‌شود که آنها احساس امنیت داشته و ریسک بیشتری بکنند که البته آنها در اشتباهند. هنوز هیچ درمان قطعی برای ایدز بوجود نیامده است. تنها درمانهای دارویی ضد ویروس وجود دارد که پیشرفت HIV به سمت AIDS را آهسته تر میکند و در این حالت فرد چند سال می‌تواند زندگی سالمی داشته باشد.

در برخی موارد، درمان ضد ویروس بعد از چند سال تأثیر خود را از دست می‌دهد و در برخی موارد دیگر فرد از AIDS بهبود می‌یابد ولی با HIV برای دهه ها زندگی می‌کند ولی این افراد مجبورند که برای تمام عمر روزانه داروهای قوی مصرف کنند که گهگاه با عوارض جانبی ناخوشایند همراه است.

مراجعه جهت انجام آزمایش (منبع: NHS Direct)

همانگونه که توضیح داده شد، تشخیص HIV توسط آزمایش خون و هنگامی میسر می‌گردد که حداقل ۳ ماه از زمان آلودگی به ویروس گذشته باشد. آزمایش خون در انگلستان می‌تواند هم به توسط GP (پزشک خانواده) و هم در کلینیکهای تخصصی ادراری-تناسلی (GUM) انجام پذیرد. ممکن است از GP خواسته شود که جزئیات نتیجه آزمایش شما را برای شرکتهای بیمه و سایر سازمانهایی که آزمایشات کنترل سلامت فرد را درخواست میکنند ارائه دهد. اما آزمایشی که در کلینیکهای GUM انجام می‌گیرد، بشدت محرمانه تلقی می‌گردند. تمامی اطلاعات شما در این کلینیکها محرمانه باقی مانده و بدون اجازه شما، با GP تماس گرفته نخواهد شد. برای انجام آزمایش خون در کلینیکهای GUM نیاز به معرفی نامه از GP نبوده و می‌توانید مستقیماً به این مراکز مراجعه نمایید. کلیه خدمات در این مراکز رایگان میباشد. هنگامی که به یک کلینیک GUM مراجعه مینمائید، از شما اطلاعات شخصی و نحوه تماس با شما سوال خواهد شد، اما اجباری نیست که شما نام واقعی خود را بازگو کنید و یا آنکه GP خود را نام ببرید. برای یافتن نزدیکترین کلینیک GUM به آدرس اینترنتی زیر مراجعه فرمائید:

<http://www.fpa.org.uk/finder>

هنوز هیچ راهی برای درمان قطعی HIV وجود ندارد و تا این لحظه تنها راه ایمن باقی ماندن، آلوده نشدن است.

پزشک هفته نامه پرشین آماده پاسخگویی و راهنمایی شما عزیزان می باشد

pezeshk@persianweekly.co.uk

خود را نشان می دهند که در نهایت منجر به مرگ فرد مبتلا خواهد شد. علائم آلودگی با HIV بسیار پیچیده است و دارای مراحل چندی است که الزاماً همه آنها

در افراد آلوده مشاهده نمی شود.

این مراحل عبارتند از:

عفونت اولیه HIV: (مرحله اول)

این مرحله چند هفته طول می‌کشد و معمولاً با یک حالت شبیه سرماخوردگی که بلافاصله بعد از رخ می‌دهد همراه است این سرماخوردگی گاهی

سرماءوردگی حالت sero-conversion یاد می‌شود.

(علائمی نظیر تب، گلودرد، بزرگی غدد لنفاوی، درد مفاصل و عضلات، سر درد، ضعف و بی حالی، بی اشتها، تهوع و استفراغ،

کاهش وزن، اسهال و گاهی دانه های جلدی و یا تظاهرات عصبی) در حدود ۲۰٪ موارد علائم به گونه‌ای است که فرد به پزشک مراجعه می‌کند ولی معمولاً تشخیص داده نمی‌شود

و حتی اگر تست HIV آنتی بادی در این موقع انجام شود ممکن است هنوز مثبت نباشد. طی این مرحله مقدار زیادی HIV در خون محیطی فرد وجود دارد و سیستم ایمنی با تولید پادتن ها (آنتی بادی ها) و لنفوسیت‌های سلول

کش (لنفوسیت‌های سیتوتوکسیک) شروع به پاسخ در برابر ویروس می‌کنند. از هنگام ورود ویروس ایدز تا مثبت شدن نتیجه آزمایشگاهی که نشانگر آلودگی فرد است حدود ۲ تا ۱۲ هفته و گاهی تا ۱۶ ماه طول می‌کشد.

درصد فراوانی علائم اصلی مرحله حاد آلودگی اولیه با HIV در جدول زیر آورده شده است:

فراوانی نشانه

۸۰٪ تب

۵۱٪ دانه های پوستی (راش)

۳۷٪ زخمهای دهان

۵۴٪ درد مفاصل

۴۴٪ التهاب گلو (فارنژیت)

۵۴٪ بی اشتها

۳۲٪ کاهش وزن

۶۸٪ کسالت و بی حالی

۴۹٪ دردهای عضلانی

۴۶٪ تب و راش پوستی

مرحله بدون علامت بالینی (مرحله دوم)

این مرحله بطور متوسط ۱۰ سال طول می‌کشد و همانطور که از نام این مرحله پیدا است، خالی از هر علامتی است؛ هرچند ممکن است غدد متورم لنفاوی هم وجود داشته باشند (لنفادنوپاتی). سطح HIV در خون محیطی به سطح بسیار پائینی کاهش می‌یابد ولی بیماری همچنان مسری است و آنتی بادی HIV در خون قابل ارزیابی است. تحقیقات اخیر نشان داده است که HIV طی این مرحله غیر فعال نیست و در غدد لنفاوی بسیار فعال است. تعداد زیادی از سلولهای T-helper آلوده شده و می‌میرند و ویروس فراوانی تولید می‌شود. تست آزمایشگاهی جدیدی وجود دارد که مقدار ناچیز HIV که از غدد لنفاوی آزاد می‌شود را اندازه می‌گیرد این تست HIV-RNA را اندازه می‌گیرد (RNA مادۀ ژنتیکی HIV می‌باشد) این تست را تست

(قسمت دوم)

رابطه جنسی ایمن (safe sex) یعنی چه؟

رابطه جنسی ایمن اشاره به فعالیت جنسی دارد که سبب انتقال خون یا ترشحات جنسی از یک شریک جنسی به طرف مقابل نشود. اگر ۲ نفر رابطه جنسی ایمن داشته باشند حتی اگر یکی از آنها آلوده باشد، احتمال اینکه فرد دیگر مبتلا شود وجود ندارد. از نمونه‌های آن مثلاً:

۱- نداشتن رابطه جنسی که اصطلاحاً پرهیز جنسی (abstinence) نامیده می‌شود

۲- پرهیز جنسی تا زمان ازدواج و یا پایبند باقی ماندن نسبت به همسر پس از ازدواج. (که البته این روش خوبی برای اجتناب از آلودگی با HIV است به شرطی که همسر آنها هم وفادار باشند و آنها را آلوده نکنند.)

رابطه جنسی ایمن‌تر (safer sex) یعنی چه؟

رابطه جنسی ایمن‌تر به فعالیتهای جنسی اطلاق می‌شود که ریسک کمی از عفونت با HIV دارند.

رابطه جنسی ایمن‌تر اغلب به معنای استفاده از کاندوم حین رابطه جنسی است.

وقتی کاندوم بطور صحیح استفاده شود بعنوان سد فیزیکی عمل می‌کند و از انتقال ترشحات آلوده به جریان خون فرد دیگر جلوگیری می‌کند.

آیا بوسیدن خطرناک است؟

بوسیدن گونه فرد مقابل که بعنوان بوسیدن متداول اجتماعی شناخته می‌شود هیچ خطری برای انتقال HIV ندارد. بوسه عمیق یا همان بوسه با دهان باز (French Kiss) ریسک بسیار پائین در انتقال HIV دارد. بخاطر اینکه HIV در بزاق وجود دارد ولی در میزان کم به تنهایی منجر به عفونت HIV نمی‌شود.

آیا چیزی می‌تواند HIV ایجاد کند؟

خیر؛ HIV خلق نمی‌شود. بعنوان مثال رابطه جنسی بدون محافظ تنها در صورتی خطرناکست که یک شریک جنسی با ویروس آلوده باشد. اگر شریک جنسی شما HIV منفی است هر نوع رابطه و فعالیت جنسی بین شما نمی‌تواند سبب آلودگی شما به HIV گردد، بعنوان مثال داشتن رابطه تماس مقعدی (anal sex) نمی‌تواند HIV خلق کند و یا بعنوان مثال شما بوسیله masturbatio (استمننا) به HIV آلوده نخواهید شد. خطر در تماس های جنسی بیشتر در عدم شناخت کافی سوابق خونی شریک جنسی شماست. در هر صورت برای اطمینان از کاندوم استفاده کنید. مگر تا زمانی که مطمئن باشید که هیچ کدام از شما شریک جنسی دیگری ندارد و قبلاً آلوده به ویروس نشده است.

علائم بیماری چگونه ظاهر می‌شود؟

با کاهش قدرت سیستم دفاعی به مرور زمان بدن آماده ابتلا به عفونتها و سرطانهایی می‌شود که به طور معمول در مردم عادی دیده نمی‌شوند. این بیماریها بصورت بیماریهای ریوی، اسهالهای شدید و مزمن، تبهای طولانی، کاهش وزن، اختلالات شخصیتی، بیماریهای مغزی و پوستی





reports@persianweekly.co.uk

لطفاً ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمایند
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمایند

روش درمان:

همانطور که از نام این سیستم درمانی بر می آید، روش درمان با استفاده از سوزنهای بسیار ظریفی به باریکی مو است که در نواحی خاصی (همانطور که در بالا ذکر شد) و بر روی سطح بدن وارد میشود. گرچه سبکهای مختلفی در نحوه طبابت متخصصین طب سوزنی وجود دارد، ولی معمولاً متخصص این رشته در اولین ویزیت یک معاینه بدنی (شامل گرفتن نبض، معاینه زبان و لمس شکم) انجام داده و یک شرح حال از بیمار اخذ مینماید. احساسی که از فرو کردن این سوزنهای ظریف یکبار مصرف توصیف می شود، مانند گزش پشه است. پس از قرار دادن سوزنها در نقاط مورد نظر، آنها را بوسیله چرخاندن یا اتصال به جریان الکتریکی بسیار خفیف (بدون خطر برق گرفتگی) تحریک مینمایند. حسی که از تحریک سوزنها دست میدهد، مانند احساس قلقلک است. مدت زمان هر جلسه، بسته به نوع مشکل بیمار، از ۲۰ دقیقه تا یکساعت متفاوت خواهد بود. تعداد و فواصل جلسات درمانی نیز بر اساس مشکل بیمار تعیین می گردد. در حالی که درمان موارد حاد ممکن است در چند جلسه حاصل شود، ولی در موارد مزمن گاهی ماهها بطول می انجامد. نکته قابل توجه این است که شروع اثر درمان با تاخیر ظاهر شده و به تدریج افزایش می یابد و بعضی اوقات اثرات درمانی بعد از چند جلسه آشکار میشوند.

چه کسانی باید از این درمان اجتناب ورزند؟

در کل، شرایط پزشکی خاصی که مانع استفاده از طب سوزنی باشد، وجود ندارد؛ مگر آنکه فردی ترس از سوزن داشته باشد. همچنین توصیه شده است که افراد دچار اختلالات انعقادی که مستعد خونریزی هستند و افرادی که تحت درمان با داروهای رقیق کننده خون میباشند، ترجیحاً از این سیستم استفاده نکنند. در خانمهای باردار باید از تماس سوزن بر روی شکم خودداری شود.

عوارض جانبی:

طب سوزنی هیچ عارضه ای بدنیا نیاورد. با اینحال رعایت نکاتی برای به حداکثر رساندن کیفیت درمان الزامی است. مهمترین مسئله، تاکید بر استفاده از سوزنهای یکبار مصرف است. هنگام مراجعه به متخصص طب سوزنی حتماً از این موضوع مطمئن شوید (برای جلوگیری از انتقال هپاتیت B و سایر بیماریهای عفونی). نکته بعدی، آسیب به نسوج و عروق و اعصاب سطحی است که برای پرهیز از مشکل فوق توصیه می شود در زمان انتخاب متخصص مورد نظر به سابقه و تجربه کاری وی دقت نمائید. در صورت تمایل به استفاده از این روش، حتماً قبل از هر نوع تغییر در داروها و اقدامات توصیه شده قبلی توسط پزشک معالج شما، حتماً با وی مشورت نمائید.

وارد کرده و با تحریک این سوزنها جریان انرژی برقرار شده و اثرات درمانی آشکار میگردد.

تئوریهای مختلف:

چگونگی اثر بخشی طب سوزنی همچنان در پرده ای از ابهام باقی مانده و نظریه های مختلفی برای توضیح عملکرد آن ارائه شده است. بر اساس تئوری کهن طب چینی، نیروی حیاتی (که "کی" یا "چی" نامیده میشود) از طریق ۱۴ کانال نامرئی (بنام مدارهای انرژی) در بدن جریان پیدا کرده و تمام اعمال فیزیکی و ذهنی را تنظیم مینماید. این مدارهای انرژی تا اعماق بدن و درون بافتها و اعضا نفوذ کرده و در سطح بدن نیز ۳۶۰ نقطه را بنام "نقاط طب سوزنی" (Acupoint) میسازند. هر مدار انرژی با یکسری اعضای خاص مانند مثانه، کبد و کلیه ارتباط دارد و نقاطی که بر روی این مدارها قرار گرفته اند - حتی اگر بر روی دست یا پا واقع شده باشند - قادر به تاثیر گذاری بر روی آن عضو مربوطه هستند. تحریک این نقاط سبب برقراری تعادل و تداوم جریان انرژی می شود. توضیحی که دانشمندان غربی در مورد نحوه عملکرد طب سوزنی ارائه داده اند این است که احتمالاً تحریک سوزنها سبب آزاد شدن مواد ضد درد طبیعی در بدن موسوم به اندورفین شده و از این طریق درد تسکین می یابد. نظریه دیگری که مطرح شده این است که طب سوزنی با تغییر میزان تولید انتقال دهنده های عصبی (نوروترانسمیترها) و عوامل ایجاد کننده التهاب در بدن (پروستاگلاندین ها) سبب کنترل درد می گردد؛ ولی هیچیک از نظریه های فوق هنوز به اثبات نرسیده اند.

کاربرد:

از طب سوزنی بیشتر برای تسکین درد استفاده میشود و شکی نیست که در بسیاری از موارد منفعی را، ولو کوتاه مدت، بدنیا آورد. تخمین زده میشود که ۵۰ - ۷۰ درصد بیماران دچار دردهای مزمن حداقل بهبود کوتاه مدتی را بدنیا آورده اند. استفاده از طب سوزنی تجربه کرده اند و برخی از آنها حتی پس از گذشت زمانهای طولانی دچار عود درد نشده اند. طبق تحقیقات انجام شده شواهدی از کارایی طب سوزنی در تسکین درد بدنیاال جراحیهای دندانپزشکی و کاهش حالت تهوع و استفراغ ناشی از حاملگی (بیماری صبحگاهی یا Morning Sickness)، شیمی درمانی و بیهوشی بدست آمده است. بررسی های مختلف نشان داده که این روش - در کنار سایر روشهای متداول درمانی - برای کنترل آسم، آرتروز مفاصل، کمردرد، سردرد (چه نوع عصبی و چه نوع میگرنی)، دردهای زمان قاعدگی خانمها و سایر انواع دردهای مزمن اثر بخش بوده است. سایر زمینه هایی که در حال حاضر مورد توجه قرار گرفته و تحت مطالعه و بررسی هستند. استفاده از طب سوزنی در ترک اعتیاد به مواد مخدر و الکل و تسریع در روند بازتوانی بدنیاال سکتة های مغزی و عوارض فلجی ناشی از آنهاست.

طب سوزنی (Acupuncture)



هفته گذشته در شماره هشتم هفته نامه پرشین، در صفحه پزشکی مقاله ای چاپ شد تحت عنوان مقدمه ای بر طب کل نگر. از این پس در هر شماره هفته نامه یکی از شاخه های این سیستم درمانی خدمت خوانندگان محترم معرفی میگردد. بحث این هفته به آشنائی با طب سوزنی اختصاص دارد که امید است مورد توجه و استفاده واقع گردد.

تعریف و عملکرد:

طب سوزنی یکی از روشهای درمانی طب کل نگر (Complementary Medi-cine) است که از چندین هزار سال قبل در چین مورد استفاده قرار می گرفته است. نحوه عملکرد این سیستم درمانی بدین گونه است که سوزنهای ظریفی (به باریکی مو) را در نقاط خاصی از بدن که منطبق بر مدارهای انرژی است

سرویس تعمیر و تنظیم موتور
گیربکس برق آگروز کلاچ باطری
نقاشی صافکاری
و کارهای خدمات بیمه

دیگر نگران اتومبیل خود نباشید
ما کلیه مشکلات
اتومبیل شما را در اسرع وقت
با کیفیت عالی حل خواهیم کرد



تعویض خرید و فروش انواع اتومبیل
قیمت مناسب و گارانتی پس از فروش
از نمایشگاه و تعمیرگاه
اتو آریا دیدن فرمائید

شرکت اتوآریا آماده مشاوره رایگان برای حل مشکلات شما
در ارتباط با اتومبیل و بیمه شما در هر زمان می باشد

AUTO ARYA

در خدمت تمامی هموطنان، خصوصاً شمال تا غرب لندن



Tel: 020 8452 9100

74 Hassop Road, Cricklewood, London, NW2 6RX

Help Line: 079 8082 3895- 087 0890 7579



reports@persianweekly.co.uk

کوتاه و خواندنی از جهان ...

سوءاستفاده از کوچک ترین قهرمان ماراتن دنیا



مادر بودیا سینگ نایغه ماراتن هند که مدعی بود پسرش را از سوءاستفاده مربی ورزشش نجات داده خود به فروختن پسرش به یک تاجر در دو سال پیش به قیمت ۱۰ پوند محکوم شده است. او دختران خردسال خود را نیز به کلفتی در خانه افراد ثروتمند گماشته است.

نام بودیا دو سال پیش در سن ۴ سالگی به علت دویدن ۴۰ مایل در ۷ ساعت در کتاب رکوردهای جهان ثبت شد. هفته گذشته مربی دو او بنا به ادعای مادر این ورزشکار خردسال به جرم کتک زدن این پسر بچه با چوب و بستن او به پنکه سقفی و ریختن آب جوش بر بدنش محکوم شد. برینجای داس مربی بی که استعداد بودیا را کشف کرده بود این هفته برای شنیدن اتهاماتش در دادگاه حاضر شد. این مرد در حال حاضر در زندان اریسا یکی از فقیرترین شهرهای هندوستان زندانی است. داستان این پسر بچه که برای فرار از فقر مایل ها دویده بود اکنون به یک پرونده مشهور سوءاستفاده از کودکان تبدیل شده و جنبه های سیاسی و مالی نیز پیدا کرده است. داستان مادر بودیا به نظر نمی رسد چندان مطابق واقعیت باشد زیرا خویشاوندان او مدعی شده اند که او بودیا را زمانی که سه سال بیشتر نداشت به قیمت ۸۰۰ روپیه یعنی در حدود ۱۰ پوند به یک مرد تاجر فروخته است.

او همچنین پس از مرگ همسرش دختران خود را در سن ۵ و ۶ سالگی به عنوان مستخدم به خانه اشراف فرستاد. این زن ماهانه ۳/۷۵ روپیه برای دختر بزرگ خود و ۱/۲۵ روپیه برای دختر کوچکش دریافت می کند. هفته گذشته بودیا در یک خانه یک خوابه در یکی از پست ترین محله های بودانسوار پیدا شد. پلیس بودیا را در حالی که دور چشمش کیود بود و آثار ضرب و جرح بر روی بدنش دیده می شد پیدا کرد. البته آنجان نات که مراقبت از این کودک را برعهده داشت بودیا را مجبور کرد تا لباسش را در بیابورد تا نشان دهد که روی بدن این کودک هیچ نشانه ای از ضرب و شتم وجود ندارد.

به نظر می رسد این کودک بین مثلث مادر، مربی و مقامات هندوستان که قصد دارند از استعداد خدادادی او استفاده های سیاسی و مالی بکنند گیر افتاده است.

جی کی موهانتی مدیر یکی از دبستان های خصوصی بیان داشت در صورتی که این کودک همچنان به دویدن خود ادامه دهد با وجود اینکه شاگرد بسیار ضعیفی است اجازه می دهد در این مدرسه به رایگان تحصیل کند.

نام این کودک ۱۸ ماه پیش به عنوان جوان ترین دهنده ماراتن در کتاب رکورد های دنیا ثبت شد. او موفق شد مسابقه ۲۶ مایلی ماراتن را به اتمام برساند. او امسال نیز رکورد جدیدی از خود باقی گذاشت و ۴۰ مایل را در ۷ ساعت دوید. این کودک اکنون به یکی از مشهورترین مردم هند تبدیل شده و سیاستمدارها و کمپانی ها مختلفی خواهان داشتن او در کنار خود برای تبلیغ محصولاتشان و رسیدن به اهداف خاص سیاسی هستند.

معلم ورزش این کودک در مصاحبه با خبرنگاران کلیه اتهامات وارده به خود را از طرف مادر بودیا بی اساس شمرد. او مدعی شد که مادر این کودک به تحریک افرادی این شکایت را تنظیم کرده است. او مدعی شد این زن ۲۵۰۰ دلار از طرف سیاستمدارهایی که خواستار به دست گرفتن کنترل بودیا هستند رشوه گرفته است.

ساخت تشک برای خواب

راحت گاوها

ارمینرود در حالی که عمیقاً خواب است بسیار خوشحال به نظر می رسد و تن خود را در آرامش بر روی تشکش رها کرده است.



انگلستان قصد دارد به گاوهای سختکوش جایزه داده و این امکان را برای آنها فراهم کند تا بعد از کار

طاقت فرسا از دست وزن بالای خود بر روی پاهایشان خلاص شوند.

یک کمپانی در شمال ایرلند با دریافتن این مطلب که ایجاد شرایط رفاهی باعث افزایش شیر گاوها می شود به ساخت تشک های مخصوص گاو ها دست زده است. کمپانی ویلسون اگریکالتچر دولت را از سودمند بودن محصولات خود مطمئن کرده است. این تشک ها باعث می شود که گاوها شب ها در آرامش بخوابند و از فشاری که بر روی بدن شان در اثر وزن بالا می آید خلاص شوند. در حال حاضر ۲۱ هزار دلار برای انجام تحقیقات به این کمپانی داده شده است تا برای دیگر حیوانات اهلی نیز تشک تهیه کند. دولت قصد دارد شرایطی ایجاد کند تا زمانی که حیوانات بر روی زمین دراز می کشند وضعیت راحتی همانند زمانی که بر روی پاهای خود قرار دارند داشته باشند.

این تشک ها بیشترین مقاضی را در کانادا داشته است زیرا گاوهای کانادایی زمان زیادی را در آغل هستند. اولین ویلسون مدیر اجرایی این کمپانی می گوید: «در صورتی که حیوانات شب ها خواب خوبی داشته باشند شرایط بد روز را بهتر تحمل خواهند کرد.»

قیمت هر یک از این تشک ها ۴۵ دلار است. ویلسون می گوید: «گاوها بیشتر اوقات خود را در داخل طویله می گذرانند و این مساله خلاف طبیعت آنها است. این تشک ها به گاوها کمک می کند تا به راحتی بر روی زانوان خود بنشینند. حیوان ها بر خلاف تصور ما اصلاً احمق و نادان نیستند و فرق خوابیدن بر روی زمین و خوابیدن بر روی این تشک ها را به خوبی احساس می کنند.» البته سازمان حمایت از حقوق حیوانات معتقد است این تشک ها نباید بهانه بی برای بیرون نردن حیوانات از طویله شان تلقی شود. رئیس این سازمان می گوید: «ما باید هر روز گاوها را به مرتع ببریم و به آنها اجازه دهیم تا در روز چند ساعتی را پیاده روی کنند. بودن در داخل آغل برای ساعت های طولانی باعث ایجاد بیماری در بین گاوها می شود.»

مرد ۹۰ ساله "بابا" شد!



نانورام جوگی با به دنیا آمدن بیست و یکمین فرزندش در ۹۰ سالگی عنوان پیرترین پدر دنیا را از آن خود کرد و نامش در کتاب رکوردهای جهان (گینس) جاودانه شد.

"نانورام" به همراه چهارمین همسرش در یکی از روستاهای ایالت بیهار هند زندگی می کند و در سلامت کامل جسمی به سر می برد. او هفته پیش برای بیست و یکمین بار پدر شد و اعلام کرد می خواهد تا ۱۰۰ سالگی بچه دار شود.

پیرمرد هندی مهم ترین دلیل سلامت خود را پیاده روی روزانه، مصرف لبنیات و سبزی، پرهیز از کشیدن سیگار، ایمان به خدا و دوری از تنشهای زندگی ماشینی در روستا می داند.

بزرگ ترین فرزند "نانورام" دختر ۶۴ ساله اش به نام "سیتادوی" و کوچک ترینش "گیرجبابا جکوماری" است که هفته پیش به دنیا آمد.

کهنسال ترین پدر دنیا که نامش در کتاب رکوردهای گینس جاودانه شد می گوید: برای تامین هزینه های زندگی خانواده بزرگم به ناچار بخشی از زمین های کشاورزی ام را فروختم. گزارش ایسکانیوز می افزاید، قرار است دولت هند هزینه نگهداری تازه ترین فرزند "نانورام" را تا ۱۸ سالگی بپردازد.

@ نامی مناسب برای یک

کودک چینی!

یک زوج چینی در جستجوی اسم برای فرزند تازه متولد شده خود، تصمیم گرفتند سمبل ایمیل، @ را به عنوان نام فرزند خود انتخاب کنند.



این نخستین بار نیست که والدین چینی از سمبل @ به عنوان نام فرزند خود استفاده می کنند. به همین علت یک مقام دولتی پیشنهاد داده است که این سمبل را در زبان چینی رسماً به عنوان نام افراد به ثبت برسانند.

براساس گزارش واشنگتن پست، در زبان چینی الفبا استفاده نمی شود، بلکه کلمات جدید، اسامی خارجی یا ایده های نو به کمک در کنار قرار دادن هجاها شکل می گیرند.

در حال حاضر تنها ۱۲۹ اسم وجود دارد که برای بیش از ۸۷ درصد از نام های خانوادگی چینی استفاده می شود.

در زبان چینی @ که از دو حرف a و t تشکیل شده به معنی "او را دوست بدار" است.

در این خصوص "لی یومینگ"، معاون مدیر کمیسیون زبان در دولت اظهار داشت: "پدر این نوزاد مدعی است که در تمام دنیا @ سمبل ایمیل است اما وی از این کلمه در معنای چینی آن استفاده می کند."

گره های که زمان مرگ بیماران را پیش بینی می کند

گره های به نام اسکار قدرت پیش بینی مرگ بیماران را در خانه سالمندان دارد و در ساعات آخر عمر بیماران به آنان نزدیک می شود.



دقت او، که در ۲۵ مورد مشاهده شده، باعث شده وقتی بیماری را انتخاب می کند، کارکنان خانه سالمندان در پراویدنس، رود آیلند، امریکا، به اعضای خانواده او خبر دهند. بیمار انتخابی گره معمولاً کمتر از چهار ساعت وقت دارد.

دکتر دیوید دوسا، در مصاحبه ای گفت: او خیلی اشتباه نمی کند و به نظر می رسد می فهمد چه وقت بیماری دارد می میرد. دکتر دوسا این پدیده را در مقاله ای در نشریه پزشکی نیوانگلند توصیف کرده است.

دکتر دوسا، پزشک سالخوردهگان و استاد پزشکی دانشگاه براون گفت: اعضای بسیاری از خانواده ها با این کار تسکین می یابند و قدر فرصتی را که این حیوان برای آنان و عزیزان در حال مرگشان فراهم می سازد، می دانند.

این گره به ۲ ساله خانگی در طبقه سوم واحد بیماران مغزی خانه سالمندان و مرکز بازپروری استیرهاوس در پراویدنس، بزرگ شد. این مرکز محل مداوی بیماران مبتلا به آلزایمر، پارکینسون و بیماری های مشابه است.

کارکنان این مرکز پس از حدود ۶ ماه متوجه شدند که اسکار درست مانند دکترها و پرستاران سراغ بیماران می رود. بیماران را بو می کند و به آنان خیره می شود، بعد کنار بیماران می نشیند که چند ساعت دیگر به مرگشان مانده است.

دوسا گفت: به نظر می رسد اسکار کارش را جدی می گیرد و رفتارش با دیگران دوستانه نیست و به آنان علاقه نشان نمی دهد.

خانم دکتر جوآن تنو از دانشگاه براون که در این مرکز کار می کند و متخصص مراقبت و درمان بیماران بد حال و مشرف به مرگ است، گفت: اسکار در پیش بینی مرگ این افراد بهتر از کسانی است که در اینجا کار می کنند.

او وقتی به استعداد اسکار ایمان آورد که سیزدهمین پیش بینی درست پیاپی خود را به عمل آورد.

تنو گفت: داشتم بیماری را معاینه می کردم او زنی بود که دیگر غذا نمی خورد، با دشواری نفس می کشید، و پاهایش سیاه شده بود که همه اینها نشانه های نزدیکی مرگ او بود.

با این حال اسکار در اتاق و کنار او نماند به این دلیل تنو فکر کرد حیوان قدرت پیش بینی خود را از دست داده است. اما معلوم شد که پیش بینی دکتر زود بوده و بیمار ۱۰ ساعت دیگر مرد. اما پرستاران به تنو خبر دادند که اسکار دو ساعت مانده به مرگ زن بیمار، خود را به او رساند.

پزشکان می گویند بیشتر کسانی که این گره دوست داشتنی سراغشان می رود حالشان به قدری بد است که متوجه حضور او نمی شوند به این دلیل آگاه نیستند که او پیک مرگ است. بیشتر خانواده ها برای اطلاع پیش هنگام راضی هستند اگر چه یکی از آنان هنگام مرگ عضو خانواده اش می خواست گره در آنجا نباشد.

وقتی اسکار را در چنین شرایطی از اتاق بیرون می برند عصبی می شود و ناراضیاتی خود را با میومیمو آشکار می کند.

هیچکس مطمئن نیست که رفتار اسکار از نظر علمی مهم باشد یا دلیلی داشته



info@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید
برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

باشد. تنو می‌گوید شاید گربه بوهایی را حس می‌کند یا از رفتار پرستارانی که بزرگش کرده‌اند چیزهایی را می‌فهمد.

جدیدترین شیوه های تقلب

رئیس نظارت بر امتحانات مدارس دولت انگلستان بیان داشت هیچ بعید نیست که دانش آموزان کم کم از روش های چیمزباند برای تقلب در امتحانات استفاده کنند. سازمان آموزش و پرورش به شدت نگران تقلب های دانش آموزان در امتحانات سال تحصیلی است زیرا این روزها با وسایلی که در اختیار آنها قرار گرفته پاسخ سوال ها در جلسه امتحانات به راحتی برای دانش آموزان قابل دسترسی است. گوشی های بدون سیمی که این روزها در بازار است چنان کوچک است که به سختی قابل مشاهده است. دانش آموزان که از این وسیله استفاده می کنند می توانند سوال ها را به کمک تلفن همراه برای همدست خود در بیرون از جلسه فرستاده و جواب سوال ها را از طریق این گوشی دریافت کنند.



به علاوه میکروفون هایی در بازار موجود است که آنها نیز به کمک تلفن همراه کار کرده و در صورت خاموش بودن تلفن همچنان فعال است و آرام ترین زمزمه ها را با صدای بلند برای شنونده پخش می کند. دانش آموزان همچنین می توانند به کمک این گوشی های کوچک به یادداشت های خود که در دستگاه پخش MP3 ضبط شده نیز گوش دهند.

نگرانی ها زمانی تشدید شد که یک سایت کانادایی اقدام به معرفی جدیدترین وسایل و شیوه های تقلب به دانش آموزان کرد. این سایت با شعار «به دانش آموزان برای موفقیت کمک کنید» آنها را برای خرید تجهیزات خود ترغیب می کند. در این سایت می خوانیم؛ «گوشی های بدون سیم ما کمک شایانی به دانش آموزان می کند. شما دیگر احتیاج ندارید برای یادگیری درس هایتان صبح تا شب بیدار بمانید. دیگر گوش دادن به درس های کسل کننده و یادگیری مبحث های سخت به پایان رسیده است. حتی دیگر جای نگرانی برای گیر افتادن در هنگام تقلب هم وجود ندارد.»

این گوشی ها از طریق اینترنت قابل خرید است و به همه کشورهای دنیا فرستاده می شود. ایزابل نیزبیلت معاون امتحانات مدارس می گوید؛ «شیوه بی که برای تبلیغ این گوشی ها استفاده شده است بسیار نفرت انگیز است. ما قصد داریم از کمپانی ساخت این گوشی ها شکایت کنیم. ما تا محکوم کردن این کمپانی از پای نخواهیم نشست.» کمپانی ساخت گوشی های کوچک بدون سیم دانش آموزان را بهترین خریداران محصولات خود یافته و به شدت برای خرید این گوشی آنها را ترغیب کرده است. خانم نیزبیلت همچنین بیان داشت دانش آموزان باید بدانند در صورت استفاده از این وسیله در جلسه امتحان به شدت با آنها برخورد خواهد شد.

ارزان ترین این گوشی ها تنها ۸۶ پوند قیمت دارد. این مبلغ به راحتی خرید این گوشی را برای دانش آموزان دبیرستانی مقدور می سازد و به نظر می رسد که این گوشی ها اصلا به همین منظور طراحی و ساخته شده باشند. این گوشی ها که قابل شارژ است ۲۴۰ دقیقه قابل استفاده بوده و مناسب امتحانات طولانی است.

Academy Super Store

فروشگاه بزرگ آکادمی

"Bargain Centre"



فروشگاه آکادمی کلیه کالاهای مورد نیاز شما و اشیاء دکوراتیو را در اختیار شما قرار می دهد.

زیلو، قالیچه، فرشهای دستباف ایرانی، افغانی و فرشهای ماشینی

انواع و اقسام کلاههای چینی و سرامیک و اشیای تزئینی و آنتیک در بهترین کیفیت

فروشگاه آکادمی خریدار کالاهای نو شما نیز میباشد و یا کالاهای شما را در فروشگاه آکادمی به مشتریان می فروشد.

281 Ballards Lane, London, N12 8NR

0208 44 66 292



Technomate
Your Digital Partner For Life

MAHTAB SAT

مهتاب ست

نصب آنتن تلویزیون

و

نصب تلویزیون پلاسما

بهترین سرویس قبل و بعد از فروش
کیفیت برتر، قیمت مناسبتر
کلیه شبکه های افغانی، فارسی، عربی، ترکی
کردی و کانالهای اروپایی
نصب سیستم ثابت و موتورایزر



Tel: 020 8640 9605
Help Line: 07967 724 435



reports@persianweekly.co.uk

نکته

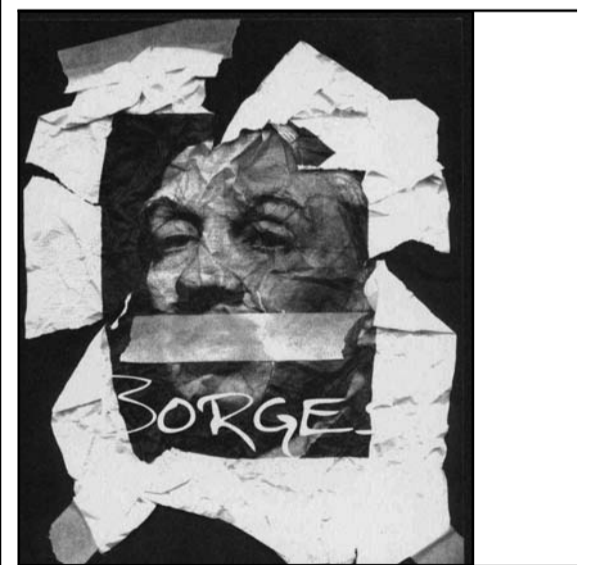
یوسف ابادری چهره سال علوم اجتماعی



عصر روشنفکران حوزه عمومی (Public Intellectual) به پایان رسیده است. سکوت و خلوت سال ۸۵ چنین می گوید. در حالی که روز به روز روشنفکران تاثیر جادویی خود بر مباحث سپهر عمومی را از دست می دهند، اقبال به متفکرانی است که ایده ها و افکار خود را بیش از پیش دقیق و تحت ضوابط دیسپلین علمی ارائه می کنند. بی دلیل نیست که پس از دهه بی هزمونی روشنفکران دینی

که از طریق خطابه و مقاله با مخاطبان خود ارتباط برقرار می کردند اینک چهره هایی سر برآورده اند که کتاب (به عنوان مجموعه منظمی از اندیشه و نه مجموعه بی از مقالات پراکنده) را مهم ترین وسیله نشر اندیشه های خود قرار داده اند. سر اقبال به کسانی چون جواد طباطبایی شاید در همین باشد. طباطبایی همواره در کتاب هایش از روش فلسفی دفاع کرده و به روش جامعه شناختی تاخته است. به گمان او جامعه شناسی توانایی بررسی و حل مسائل تجدد ایرانی را ندارد. جامعه شناسی در ایران پس از انقلاب البته اول بار نیست که مورد نقد قرار می گیرد. در سال های اولیه انقلاب و همزمان با انقلاب فرهنگی اگر تلاش کسانی چون عبدالکریم سروش و غلامعباس توسلی نبود معلوم نبود جامعه شناسی چگونه می توانست از اتهام علم مارکسیستی جان سالم در ببرد. مظلومیت دانش جهان مدرن - آن هم در سرزمینی که هنوز در گیر و دار تعامل با جهان مدرن است - بیشتر از آن بود که اصحابش در دفاع از آن کم کاری کرده اند. در این میان شاید یوسف ابادری - استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران - یک استثنا باشد. سال ها است که اینجا و آنجا شنیده می شود او دست اندرکار نوشتن کتابی است در نقد آرای سیدجواد طباطبایی از منظر جامعه شناختی. با در نظر گرفتن کتاب «خرد جامعه شناسی» می توان حدس زد کتاب کذا چگونه کتابی خواهد بود اما به جای آنکه دل به نسخه کتاب نوشته نشده ببندیم بهتر آن است که به سمینارهای نقدی بپردازیم که ابادری در تمامی آنها با موضع جامعه شناسی به صحبت پرداخت. ابادری امسال چهره سمینارهای عمومی بود و به خاطر دفاعش از منظر جامعه شناسی چهره سال علوم اجتماعی شناخته شد.

بورخس به اردبیل خوش آمدی



مظاهر شهامت از نویسندگانی است که سر خود گرفته و آرام آرام کارهایش را می نویسد و عرضه می کند. از هیچ رسانه های هم غافل نیست. اینترنت و نشریات و جلسات ادبی هر کدام دریچه بی است که شهامت از آن لبریز می شود. کتاب «... آدمیان که در...» از نوشته های مظاهر شهامت رمان کم حجمی است که برای به سرانجام رساندنش خورخه لوییس بورخس را که از آرژانتین به فرانسه رفته بود و نصف عالم را زیر پا گذاشته بود و به ادبیات ما هم نظری داشته به اردبیل بکشاند. مدت ها بود که انتظار آمدن این کتاب را داشت تا برگ های کاغذی اش را به علاقه مندان عرضه کند. بورخس البته به ایران آمده بود در نوشته های خیال انگیزش اما این بار به دعوت مظاهر شهامت به اردبیل آمده تا در شهر مدفون در برف در دامنه سبلان سرفراز با نویسنده بی دیدار کند که شاید خود شهامت باشد از نوع مظاهر.

فوتبال، فرهنگ دعوا و حوزه عمومی

بهمن فروتن (مربی فوتبال)

حوزه عمومی (Public sphere) در اواسط قرن هجدهم به وجود آمد. مطبوعات و قهوه خانه ها که محل تجمع مردم بودند حوزه بی تشکیل دادند که به موازات حوزه دولتی به مردم این امکان را می داد که به بحث و مباحثه بپردازند؛ چون مردم اصولاً دنبال کسب قدرت سیاسی نیستند؛ برخورد افکار و رودرو قرار گرفتن اندیشه های متفاوت در آن روزها، دور از هرگونه روحیه هواداری متعصبانه، به شکلی کاملاً متفاوت با حوزه دولتی صورت می گرفت. امروز ما، نظریات حاصل از این مباحثات را افکار عمومی می گوئیم. در مطلب «آناتومی فساد از سیاست تا فوتبال» روزنامه اعتماد شماره ۱۴۴۲ اشاره می داشتیم به سه راه اقتصادی. یک: اقتصاد بازار آزاد، دو: اقتصاد دولتی، سه: راه سوم که شناخته شده ترین مدعیانش آنتونی کیدنز و تونی بلر هستند. در این مطلب، اعتقاد من بر این بود که پرونده این سه راه، حاکی از یک عدم کارایی است و به همین دلیل، بهتر است برای فوتبال راه چهارمی باز کنیم.

فرهنگ دعوا

مهدی اخوان ثالث (م- امید) در شعر «ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم» مصرعی دارد که می گوید: نه شرقی، نه غربی، نه تازی شدن را / برای تو، ای بوم و بر دوست دارم و همین شاعر در اردیبهشت ۱۳۳۵ می گوید: باز می گویند: فردای دگر/ صبر کن تا دیگری پیدا شود/ نادری پیدا نخواهد شد. امید، کاشکی اسکندری پیدا شود. همین اخوان می نویسد: «...هرگز از یک دوست نباید توقع تعارف و خوشامدگویی داشت. دشمنی بسیار آسان است و برای آدم خرج و زحمتی هم ندارد. تعارفی می کند و خوشامدی می شنود، اما دوستی دشوار است و دشوارتر از آن تشخیص کردن دوستی ها و دشمنی ها است» و ادامه می دهد: «توقع من این است که هنرمند... اگر ... سکه بی کاملاً مشخص می زند، مثل سکه قلب نباشد که برود و برگردد، بلکه آن چنان باشد که رواج یابد و دیگران را نیز چنان «بسازد و بگرداند» که این سکه را از آن خود بدانند.»

چرا؟ برای اینکه در ورزش تعریف و نقد واقعی وجود ندارد و اگر وجود داشته باشد، تعریف و نقدی است با سو و جهت و پیچش هایی که منتهی می شود به بزرگ کردن یک چیز واقعا کوچک یا کوچک کردن یک چیز واقعا بزرگ آن هم برای مقصود و مقاصد سیاسی یا اقتصادی. برای مقایسه بد نیست به قسمتی از فرهنگ دعوی اخوان و شاملو بپردازیم. دعوی که هدفش فقط شعر است و نه چیز دیگر.

«سال بد/ سال باد/ سال اشک/ سال شک/ سال روزهای دراز و استقامت های کم / سال پست/ سال درد/ سالی که غرور گدایی کرد/ سال عزا/ سال...»

موی بر اندامم به پا خاسته. نخستین بار که شنیدم، گریه کردم. از این حساس تر و دردمندان تر و گیراتر سخنی در خصوص این سال گفته نشده است. عالی است. سلام می کنم به او، این شعرش قلبم را تا اعماق می فشرد، همه درد سراینده به من سرایت می کند...

من عشقم را در سال بد یافتم، / که می گوید «مایوس نباش»؟ / من امیدم را در یأس یافتم، / مهتابم را در شب یافتم/ عشقم را در سال بد یافتم/ و هنگامی که داشتم خاکستر می شدم، / گر گرفتم/ زندگی با من کینه داشت/ من به زندگی لبخند زدم/ خاک با من دشمن بود/ من بر خاک خفتم، / زیرا زندگی سیاهی نیست/ زیرا خاک خوب است/ من بد بودم اما بدی نبودم...

بله متأسفانه «من نامه» شروع شده، و به قول کسی: «سقفونی من». از آن تاثیر و احساس و تپش و رقت دیگر هیچ باقی نماند. دشمنانه ترین خیانتی که می شد به این شعر کرد همین است. شعری که به آن خوبی آغاز شده بود، حیف، بین کارش به کجا رسید. خیانت شد به آن احساس و حتی به آن ابلاغ اندیشه، خیانت، خیانت... «من بد بودم اما بدی نبودم». چه سرانجام شومی پیدا کرد این شعر...

و شاملو پس از مرگ اخوان می گوید: «انسان کاملاً بر حسب تصادف به دنیا می آید اما مرگش حتمی است و همین مقدر بودن مرگ است که به زندگی معنی می دهد. انسانی که دانسته زیسته و لحظه به لحظه عمرش معنی داشته آبروی جامعه، پشتوانه سربلندی و بخشی از تاریخ یک ملت است حتی هنگامی که محیط او به درستی درکش نکند. من به خاموشی تقدیری جسم او اشک نمی ریزم. حضورش حرمت آموخت و لاجرم غیابش به این حرمت ابعاد افسانه ای می بخشد.»

من به فرهنگ دعوی این یگانه ها و برجسته ها غبطه می خورم و آرزو داشتم که ما هم در جمع مان فرهنگی اینچنین داشتیم. اخوان می گوید اشتباه نشود من احمد شاملو را دوست دارم و همانطور که اشاره شد تعریفی هم برای دوستی و دشمنی دارد و به همین دلیل خیلی راحت به کسی که دوستش دارد و دوست اوست با صداقت می گوید؛ تو به این قسمت از شعرت خیانت کرده یی، شعر و ادبیات برای آنها زبان مشترکی درست کرده است که سخن گفتن به آن کار راحتی است.

چوب خط بزرگی و کوچکی

یکی از عیوب وحشتناک فوتبال، کنترل بزرگی و کوچکی است. فلان کس باید کوچک بماند و فلان کس از یک حدی بزرگ تر نشود و این مساله برمی گردد به شخصیت و شخصیت سازی در این ورزش. روزی که سیامک رحمانی مطلب «مثل ماهیان حوض در میان کوسه ها» را با مطلب «شما به جام جهانی می روید آقای فروتن» نقد کرد عرصه جدیدی در همین مقوله نقد شدم. برای عده بی خارج از روزنامه اعتماد، احتمال اینکه چالش بین فروتن و رحمانی می تواند کمک به فوتبال باشد مهم نبود مهم این بود که سیامک رحمانی با این چالش بزرگی می شود، «جوابش رو دنیا این طوری بزرگش می کنی»، نه من اخوانم و نه سیامک شاملو و نه من فرهنگ اخوان را دارم و نه سیامک فرهنگ شاملو را آنها بر سر شعرشان، با فرهنگ دعوا می کنند بگذارید ما هم یاد بگیریم بر سر فوتبال مان با فرهنگ دعوا کنیم. این مال خارج از روزنامه بود. داخل روزنامه، با چالش مخالف نبود ولی از اینکه من خیلی راحت اسم می برم و با آدرس صحبت می کنم، گفتند که روزنامه مشکل دارد. ببینید دوستان من، این مشکل روزنامه نیست این مشکل عقب افتادگی فوتبال از نظر فرهنگی است. اگر سیامک رحمانی با این مطلب بزرگ می شود خوب بشود چه عیبی دارد؟ تا آنجایی که من از سیامک برای این مطلب پول نگیرم عیبش کجاست؟ من مطلب «شاید بتوانیم جلوی موج را بگیریم» را با حمیدرضا ایک شروع می کنم چرا؟ یک: از اسم ایک خوشم می آید. بالاخره وقتی من برای شما مطلب می نویسم، سلیقه شخصی من نویسنده هم شرط است، یا نیست؟ دو: ایک در مطلبش از عبارت سرسری استفاده کرده است که در مطلب من نقش عمده را بازی می کند عبارتی که در دو مطلب با طبیعت جداگانه، یکی ادبی و دیگری ورزشی نقش واحدی را بازی می کند و سه: این قشنگ است که ورزش با ادبیات، هنر، شعر، اقتصاد، سیاست، جامعه شناسی، روان شناسی، پزشکی و... ارتباط متقابل داشته باشد و نه یک طرفه و بالاخره اینکه چهارم: آقای ایک فکر نکند فوتبال اکابر است، ما تو را می خوانیم و خیلی های دیگر هم و به این شکل به فوتبال شخصیت می دهیم، فوتبال را صاحب فکر و اندیشه می کنیم و هیستری قلعه نویی را به عنوان جزئی از کل به خوانندگان مان و جامعه فوتبال ارائه می دهیم. این واقعا نشانه فقر فکری فوتبال است که مساله بی با محتوای شکست قلعه نویی به مدت طولانی در کل رسانه ها، ادبیاتی فراگیر شود.

سرخ و سیاه زبان مشترک

من فوتبال را خالی از تفکر دوست ندارم. در «سینما ماوراء» دکتر عالمی، در پایان برنامه اش به این مورد اشاره کرد که علم بدون تعهد مانند تیغ تیزی است که هر دستی را می برد. فوتبال هم بدون تفکر، بی فرهنگی به وجود می آورد و بی فرهنگی موجب اخلاق و رفتار ضدفرهنگی می شود، ضد فرهنگ هم تیغ تیزی است که نه تنها دست، بلکه سر هم می برد.



reports@persianweekly.co.uk

لطفا ما را از خبرهای اطراف خود مطلع نمائید

برای مشاهده هفته نامه بصورت رنگی به وب سایت مراجعه نمائید

چای پر طرفدارترین نوشیدنی در جهان

نویسنده: اطهری



مقدمه

شاید بتوان گفت چای این نوشیدنی همگانی، بعد از آب یکی از ارزانترین

ترکیبات چای

برگ چای دارای کلسیم، منیزیم، سدیم، پتاسیم، بیگمان (pigment)، تئوفیلین (Theophylline)، ویتامین، کلروفیل، تانن و کافئین است. چای سیاه حاوی کافئین می باشد اما چای سبز فاقد آن می باشد بنابراین چای سبز آرامش بخش تر است. تئوفیلین ساختاری همچون کافئین دارد که هم در چای سبز و هم در سیاه موجود می باشد. تانن یک پلی فنول تلخ مزه بوده که اثر آن در بدن آرام بخش سیستم عصبی مرکزی انسان می باشد. یک عیب تانن این است که از جذب مواد معدنی بویژه آهن مانع می کند بنابراین توصیه می گردد برای پیشگیری از عدم جذب آهن بهتر است ۲ ساعت بعد از غذا چای نوشیده شود. تیائین یکی از اسیدهای آمینه موجود در چای می باشد و عمدتاً طعم چای به خاطر وجود همین ماده است. کاتشین بسیار مفید بوده و برای سلامتی بسیار سودمند است. کاتشین در چای سبز و سیاه وجود داشته اما میزان آن در چای سبز بیشتر است. فلوراید در استحکام دندان و فلاونوئید (flavonoid) از ایجاد بوی بد دهان پیشگیری کرده و همچنین دیواره عروق خونی را تحکیم می کند.

EGCG یک آنتی اکسیدان قوی

اپی گالوکاتشین گالات (epigallocatechin gallate) یک آنتی اکسیدان یافت شده در چای سبز ۱۰۰ برابر بیشتر از ویتامین C و ۲۵ برابر بیشتر از ویتامین E در حمایت سلولها و DNA از تخریب شدن موثر می باشد که اعتقاد بر این است این تخریب در ارتباط با انواع سرطانها، بیماریهای قلبی و سایر بیماریها می باشد.

فواید چای

اخیراً از فواید بسیار چای سبز صحبت‌های زیادی می شود و حتی چای را بهترین نوشیدنی بعد از آب می دانند. چای سبز فواید زیادی دارد شاید علت آن مربوط به عمل آوری چای در کارخانه باشد. چای سبز یک نوشابه بدون کافئین و پیشگیری کننده از حمله قلبی و سرطان شناخته شده است و یک تقویت کننده بسیار مفید می باشد. این چای دارای خاصیت ضدچربی و مقوی اعصاب بوده و قدری نیز خاصیت تب بری دارد. چای سبز باعث تقویت معده شده و ضمن دفع سموم بدن، نفخ معده را نیز برطرف می کند. چای سبز باعث تقویت حافظه شده و برای افراد افسرده یک داروی ضدافسردگی است. زیرا نوشیدن چای سبز باعث نشاط و سرزندگی می شود. پلی فنل‌های موجود در چای سبز بیشتر به صورت کاتشین تجمع پیدا می کنند مطالعات اخیر نشان داده است که آنتی اکسیدانهای قوی موجود در کاتشین باعث از بین رفتن بعضی ویروسها می گردد. آزمایشات کلینیکی مشخص کرده است که کاتشین باعث از بین رفتن رادیکالهای آزاد می گردد. رادیکالهای آزاد باعث بوجود آمدن واکنشهای درون سلولی زیادی می گردند که می توانند باعث صدمه زدن به بدن در سطح سلولی گردند. رادیکالهای آزاد منشأ انواع سرطانها، بیماریهای قلبی و بسیاری دیگر از بیماریها هستند. آنتی اکسیدانهای چای سبز همچنین باعث پایین آمدن سطح کلسترول خون می گردد.

مضرات چای

مصرف بیش از حد کافئین که در چای و بعضی از عصاره های آن وجود دارد در بعضی از افراد باعث علائمی مانند عصبانیت، بیخوابی و بیقراری می شود. نوشیدن چای (از نوع چای سیاه) پررنگ و غلیظ ممکن است برای عده ای باعث تحریک اعصاب و تپش قلب شود. همچنین نوشیدن چای پررنگ برای خانمها احتمال ابتلا به سرطان سینه را افزایش می دهد.

مصرف چای تامین کننده رنگدانه هایی است که به طریق دیگر برای بدن دریافت

نمی شود. پس با مصرف متعادل این نوشیدنی مفید زمینه های سلامتی را در خود فراهم آورید.

و پرطرفدارترین نوشیدنیهای جهان محسوب می شود. این نوشیدنی بر سرفه و روی میز بسیاری از مردم جهان، در میهمانی ها، جشنها، سوگاریها و ... به عنوان پیش غذا و پس غذا و گاهی غذای اصلی (چای شیرین صبحانه) جای دارد. چای در روزگاران باستان نیز مصرف می گردید ولی تاکنون تاریخ استفاده از آن شناخته نشده است. چینی ها مصرف کنندگان اصلی این نوشیدنی در قرن پنجم قبل از میلاد بوده اند. در ابتدا چای فقط به دلیل داشتن خاصیت دارویی آن نوشیده می شد اما در سالهای بعد به عنوان یک نوشیدنی شادی آور مورد قبول همگان واقع گردید. عادت نوشیدن چای باعث بوجود آمدن تجارت آن در آسیای صغیر و اروپا شد. بازرگانان هلندی در این بین نقش اساسی را در قرن ۱۷ ایفا کردند. در انگلستان در قرن ۱۸ نوشیدن چای بر قهوه در اجتماعات پیشی گرفت و از آن زمان به بعد به عنوان یک نوشیدنی ملی مطرح شد. بیشتر از ۲۰۰ سال چینی ها امتیاز انحصاری صادرات چای را در دست داشتند اما این انحصار با رشد کشت و زرع در هند و اخیراً در سریلانکا (سیلان) شکسته شد. از بین رفتن محصول قهوه به دلیل بیماری زنگ، باعث پیشرفت زیادی در صنعت چای شد. در سالهای اخیر کشورهای آفریقایی بویژه کنیا و مالوی از تولیدکنندگان مهم چای به حساب می آیند.

چای با نام علمی camellia sinesis گیاهی است بوته ای که گاهی ارتفاع آن تا ۸ متر می رسد. برگهای آن به صورت بیضی شکل، نیزه ای و نوک تیز و سخت هستند. چیدن برگهای سبز و جوان گیاه بوسیله دست انجام می گیرد و سپس برای آماده سازی به کارخانه تحویل داده می شود. در کارخانه طی عملیاتی، این برگهای جوان و سبز تبدیل به چای سیاه می شود. برای تهیه چای سبز، برگهای سبز چای را کمی برشته کرده و سپس خشک می کنند به همین دلیل چای سبز رنگ خود را حفظ می کند.

انواع چای

چای انواع مختلفی دارد که نام هر یک بستگی به رنگ آن دارد سه نوع اصلی چای شناخته شده است:

۱- چای سیاه: چای سیاه یا تخمیر شده از لحاظ فنی بیشترین پیچیدگی را در تولید چای گیاهی دارد. چای سیاه بیشتر نوع تجاری چای بوده که به فاصله کوتاهی پس از

چیده شدن، در طی مراحل خشک شدن و نگهداری دچار اکسیداسیون آنزیمی (تخمیر)

می شود. موادی به نام کاتشین (catechin) و پلی فنولهای (polyphenols) موجود در برگ چای تبدیل به ترکیبات قهوه ای یا قرمزی به نام تئوفلاوین

(theaflavin) و تئوروبیجین (thearubigin) می شوند که موجب تولید رنگ سیاه در چای دم کرده می گردد. مراحل تولید چای به طور خلاصه شامل: برداشت، نقل و انتقال، تخریب داخلی، قطع برگها، تخمیر شدن، خشک شدن و بسته بندی می باشد.

۲- چای سبز: تولید چای سبز از لحاظ تکنولوژی و شیمیایی با چای سیاه متفاوت می باشد. مرحله تخمیر کاملاً از مراحل تولید حذف گردیده است و از فعالیت آنزیمی در برگها بلافاصله بعد از برداشت برگ چای بوسیله گرما جلوگیری می گردد (بخار دادن). این عمل باعث می گردد از اکسیداسیون کاتشین محافظت شود. از چای سبز در طب سنتی هند به عنوان نشاط آور ضعیف، محرک، مدر و قابض و در طب سنتی چین به عنوان قابض، تقویت کننده قلب، محرک سیستم عصبی مرکزی و مدر استفاده شده است.

۳- چای نیمه تخمیری (oolang): که به رنگ قرمز یا زرد است و با تخمیر نسبی بدست می آید.

خدمات تصویر برداری و مجالس

عکاسی مدل -

فیلمبرداری مراسم شما با بهترین کیفیت
078 6509 4370

در طبیعت، حیوانات کوچک و فعال تر زودتر ذخیره غذایی خود را به مصرف می‌رسانند. در نتیجه، یک پرنده مثلاً ظرف پنج روز از گرسنگی می‌میرد؛ ولی یک سگ در دوازده روز.

به هنگام آرامش، ذخیره پروتئین در بدن مدتی درازتر باقی می‌ماند، با هنگامی که انسان برآشفته شود و یا وحشت کند.

برخی از مردم هستند که خود را برای مدتی طولانی به گرسنگی عادت می‌دهند. این تمرین از راه نوعی تمرکز آگاهانه، انجام می‌گیرد؛ درست مانند کسانی که با تمرین، خود را قادر می‌سازند تا کارهای دشوار ورزشی را انجام دهند.

اما مهار کردن تشنگی بسیار دشوار است؛ ولی باز کسانی یافت می‌شوند که از طریق «کوشش‌های خودآگاه»، در برابر آن تاب می‌آورند.

آن‌گاه کم شدن آب در بافت‌ها به مرکز تشنگی که جایی است در مغز، مخابره می‌شود. در این حال، مرکز تشنگی تکانه‌ای به حلق یا گلو می‌فرستد و سبب انقباض آن می‌شود. بر اثر این انقباض است که ما در گلوئی خود احساس خشکی می‌کنیم و ندا برمی‌آوریم که تشنه‌ایم!

احساس گرسنگی نیز از مغز سرچشمه می‌گیرد؛ بدین معنا که در مغز جایی است به نام مرکز گرسنگی، که مانند ترمز بر روی فعالیت معده و روده‌ها عمل می‌کند.

تا هنگامی که غذای کافی در خون هست، مرکز گرسنگی فعالیت معده و روده‌ها را کند می‌کند؛ ولی همین که مواد غذایی در خون کم شود، این مرکز با شل کردن ترمزها، دست به‌کار می‌شود. در این حالت، روده‌ها فعال می‌شوند؛ معده «می‌غرد» و به ما احساس گرسنگی دست می‌دهد.

البته ما تا حدودی قادریم که گرسنگی خود را مهار کنیم. این امر از راه مهار کردن سرعت مصرف ذخیره غذایی میسر است.

آیا گرسنگی و تشنگی را می‌توان مهار کرد؟

احساس تشنگی هنگامی دست می‌دهد که ما احساس خشکی در گلو کنیم.

احساس گرسنگی نیز هنگامی است که ما متوجه خالی بودن معده خود می‌شویم.

اما حقیقت غیر از این‌هاست؛ چرا که هیچ یک از این دو احساس نیست که ما را گرسنه یا تشنه می‌سازد.

خون معمولاً باید مقدار معینی آب و نمک دربر داشته باشد؛ بافت‌های بدن نیز همین‌طور. اکنون فرض کنید که این موازنه در لحظه‌ای بر هم بخورد. به هر دلیلی که باشد خون بی‌درنگ از درون بافت‌ها آنقدر آب برمی‌گیرد تا بار دیگر موازنه خود را باز یابد.



reports@persianweekly.co.uk

خانه و خانه داری

آرایش لبها



آرایش لبها میتواند به جذابیت و زیبایی صورت اضافه و یا آن را کم نماید. زدن رژ لب بهتر از زدن آن به طور نامرتب یا با رنگهای نامناسب است. با رژ لب میتوان فرم لبها را زیباتر و اصلاح نمود و با سایر اعضای صورت متناسب ساخت. قبل از زدن رژ لب باید لبها کاملاً تمیز باشند. فوندیشن یا پورد معمولاً روی لبها هم زده میشود. یادآوری میشود که رژ لب نباید از لبی به لب دیگر زده شود. باید کاملاً اختصاصی باشد و در صورت استفاده دو نفر یا بیشتر میتوانید برای پاک کردن آن از گوش پاک کن استفاده کنید. برای انتخاب رنگ رژ لب میتوان آن را کنار لب قرار داد و هماهنگی رنگ را با صورت پیدا نمود. برای زدن رژ لب، لبها را در آرامش کامل به حالت کشیده و جدا از هم (به حالت لبخند) نگه میداریم.

با استفاده از مداد مخصوص خط لب، اول لب بالا را میکشیم که از گوشه لب شروع و به طرف وسط ادامه می یابد سپس لب پایین را میکشیم. رنگ مداد لب را کمی تیره تر از رنگ خود رژ انتخاب کنید.

بعد از تعیین رنگ مناسب، رژ لب را ابتدا به لب بالا و سپس به لب پایین میزنیم. توجه داشته باشید که با آرایش ترمیمی درست میتوان فرم لبها را به صورت دلخواه نشان داد.

هماهنگ کردن اندازه لب و یا فرم دادن

به آنها به وسیله آرایش:

(۱) هنگامی که لب پایین نازک است، خط لب را پایینتر از خط معمولی لب میکشیم و آن را با رژ لب پر میکنیم. همچنین کمی وازلین یا برق لب به وسط لب پایین بملید تا آن را برجسته تر جلوه دهد.

(۲) وقتی لب بالا نازک است، خط لب بالا را بالاتر از خط معمولی لب میکشیم تا بهتر جلوه کند و با لب پایین تناسب داشته باشد.

(۳) هنگامی که لبهای پایین و بالا نازک هستند، اندازه لبها را در بالا و پایین با مداد لب زیاد میکنیم و داخل خط را با رژ لب پر میکنیم که لبها پرتتر به نظر آیند.

(۴) برای لبهای پر و بزرگ نباید رژ لب خیلی روشن و جلب نظر کننده استفاده کرد. رژ لب مات برای این لبها بهتر از رژ لب براق است.

(۵) دهان و لبهای کوچک را میتوان با کشیدن خطوط در اطراف دهان بزرگتر نشان داد.

(۶) در فرم دهانی که گوشه های افتاده دارد میتوان خط لب را رو به بالا کشید و فرم دهان را اصلاح کرد.

(۷) لبهای نامساوی را نیز میتوان با کشیدن خطوط در جاهای لازم یکنواخت نمود.

برای جلوگیری از مالیده شدن رژ لب بر روی دندانها میتوان از روش زیر استفاده کرد:

انگشت اشاره خود را در دهانتان قرار دهید و لبهایتان را ببندید. سپس انگشت خود را بیرون بکشید. به این ترتیب رنگ اضافه رژ لب از داخل لبهایتان پاک شده و از مالیده شدن آن به دندانهایتان جلوگیری میکند.

آشپزی هفته

کوفته تبریزی



مواد لازم:

- گوشت ۲ بار چرخ شده نیم کیلو
- لپه پخته نیم کوب شده یک فنجان
- رب گوجه فرنگی ۲ قاشق سوپخوری
- برنج نیم پز شده یک دوم فنجان
- تخم مرغ کامل ۲ عدد
- پیاز رنده شده یک دوم فنجان

- تره و مرزه خرد شده یک دوم فنجان

- روغن ۲ قاشق غذاخوری

- زردچوبه، نمک و فلفل به قدر کافی

مواد داخل کوفته:

- پیاز سرخ شده ۲ قاشق سوپخوری
- مغزگردو خرد شده یک دوم فنجان
- زرشک ۲ قاشق سوپخوری
- تخم مرغ آبپز ۲-۱ عدد
- خلال بادام ۲ قاشق سوپخوری
- طرز تهیه:



در ظرف بزرگی گوشت چرخ کرده، پیاز رنده شده، تره، مرزه، تخم مرغ ها، لپه، برنج، نمک و فلفل و زردچوبه را مخلوط کرده و با گوشت کوب در حدود ۶-۵ دقیقه می کوبیم تا مایع کوفته چسبندگی پیدا کند و سپس وسط مایع گوشتی را کمی باز کرده و مواد داخل کوفته را (که میزان آنها در بالا گفته شده است) درون آن قرار داده و در حالی که دستمان را با آب آغشته می کنیم، تکه های گرد شده را خوب غلطانده و در قابلمه مناسبی روغن و رب را کمی تفت می دهیم و ۳ لیوان آب اضافه کرده و بعد از جوش آمدن شعله را ملایم کرده و کوفته را به آرامی درون قابلمه قرار می دهیم و در دیک را نمی گذاریم چونکه کوفته بلافاصله ترک برمی دارد.

زمانی که یک طرف کوفته خودش را گرفت، به آرامی آن را بر می گردانیم و می گذاریم طرف دیگر آن خودش را بگیرد و پخته شود. اگر کوفته به آب بیشتری نیاز داشت، کمی آب گرم به آن اضافه کنیم تا کاملاً کوفته پخته و سس آن کمی غلیظ شود.

موثرترین و راحت ترین راه برای تبلیغ

براحتی می توانید لیفلت ها و آگهی های خود را به همراه هفته نامه پرشین پخش نمایید.

برای اطلاعات بیشتر با دفتر هفته نامه تماس حاصل فرمایید.

02084537350

به یک آرایشگر ماهر،
نیاز مندیم. (آشنا به بند ابرو و وکسینگ)

در منطقه CHELSEA, KINGS ROAD

020 7352 8811



reports@persianweekly.co.uk

صفحه شما

پیام های مهربانی

khanomi hastam sadegh va mehraban. ke mayel be ashnai ba aghai sadegh va sadegh va sadegh bedone moshkele viza hastam. lotfan ba in email tamas begirid.

ziba_30_ziba@yahoo.co.uk

بهزاد جون خیلی خوش گذشت قیمة پولتونم خوشمزه بود خدائیش .

عارف

سو غاتی یادت نره ترانه

برو بچه های پرشین

آریا هستم ۲۷ ساله و ساکن لندن خواهان آشنایی با خانمی متشخص تا سن ۲۷ سال در صورت تمایل لطفا بعد از ساعت ۷ بعد از ظهر تماس حاصل نمائید.

آگهی های دوست یابی و پیام های مهربانی در این صفحه رایگان است

info@persianweekly.co.uk
لطفا پیام های خود را ایمیل نمائید

مشاورین املاک آوا
بزودی در منطقه APEX CORNER افتتاح خواهد شد



AVA PROPERTIES

SALES & LETTINGS
%100 MORTGAGES
PROPERTY CONSULTATION
&
MANAGEMENT

TEL: 020 8959 9390

منتظر آگهی های بعدی ما باشید.

آگهی های شما
به کیفیت و استمرار این
هفته نامه
یاری می رساند

020 8453 7350

SMS



۶ هر وقت پیشم نیستی دلم برات تنگ می شه... هر وقت هم که پیشم هستی دلم برات تنگ می شه...

ای مردشورتو ببرن که بود و نبودت یکیه!

صداقت خواستم داشتی، مهربانی خواستم داشتی، عشق خواستم داشتی،

قور قوری جون گل کاشتی! هر چی که خواستم داشتی!

تقدیم به قورباغه ی زندگی من (مربوط به تبلیغ خمیردندان داروگر)

یه توپ دارم قلقلیه. موی سرم فرفریه. اس ام اس جدید نداشتم سرت کلاه گذاشتم

زندگی را از تو نام برده اند! ز : زاویه نگاه تو ن : نوای کلام تو د : درگاه ابروی تو

گ : گیسوی پریشان تو ی : یارو سر کاری!

از شاهکارهای ادبیات: یکی بید یکی نبید، ۳ تا درخت بید که ۲ تاش بید بید، یکیش بید نبید، اونی که بید نبید، وسط اون دوتا که بید بید بید!

ببینم اگه یه روز از خواب بیدار بشی ببینی اون که دوستش داری گذاشته رفته... صبحونه چی می خوری؟

تهیه داروهای درخواستی شما و ارسال آن به ایران در اسرع وقت
077 3311 3137

خدمات ساختمانی، مسکونی و تجاری

تعمیرات کلی و جزئی، طبق استانداردهای انگلستان با ضمانت کامل

طراحی داخلی با نظارت مهندسین مجرب

لوله کشی، برقکاری، نجاری، نقاشی، کاشیکاری و آجرکاری

...

079 4862 5919

بسم الله الرحمن الرحيم
سر کتاب، دعای باطل سحر، دعای محبت، کار گشایی، بخت گشایی، رزق و روزی و درمان دردها با توسل به قرآن مجید
۰۷۹۰۳۳۱۰۸۳۳

سوپر منصور	سوپر تخت	با تشکر از تمامی دوستانی که ما را در توزیع این هفته نامه یاری می کنند، بدینوسیله لیست مراکز توزیع هفته نامه پرشین را برای شما خوانندگان عزیز اعلام می کنیم.
سوپر مسعود	جمشید	جامعه ایرانیان کانون ایرانیان سوپر آلما سوپر آران سوپر انزلی سوپر بازارچه ایرانی سوپر پرشیا سوپر بیژن سوپر بهار سوپر تهران
سوپر هرمز	سوپر جردن	
رستوران ایلینگ کباب	سوپر خزر	
رستوران مهدی	سوپر رضا	
رستوران آریانا	سوپر زمان	
رستوران بهشت	سوپر زمزم	
رستوران شهرزاد	سوپر ساوالان	
	سوپر سارا	
	سوپر سپید	
	سوپر سیب	
	سوپر سهند	
	سوپر دنا	
	سوپر علوان	
	سوپر فردوس	
	سوپر فردیس	
	فرهنگسرا	
	قنادی عسل ۱	
	قنادی عسل ۲	
	سوپر کسری	
	سوپر مازندران	
و شهرستانهای: Birmingham		
Glasgow	Turkish Super Market, Way to say	
Leeds	Turkish Super Market, TFC	
Liverpool	Turkish Super Market, CODI	
Manchester	Turkish Super Market, ELING	
New Castle		
Nottingham		
Southampton		
Brighton		



با بار



afghanistan@persianweekly.co.uk

Afghanistan

• رضا محمدی

زنان شاعر سنت شکن

و شعر تغییر پیدا کرد.

دوشیزگان یخ زده در باد گم شدند

عاشق شدند و در شب میعاد گم شدند

فائقه جواد مهاجر

خبری نیست، جز اینکه / زنی با روسری رسوا

بر زمین می خورد / و می گوید من حوا نیستم

من پیراهن هایم را می شمارم و از خود می پرسم

آیا من حوایم... شکریه عرفانی

شعر این شاعران حتی به زبان انحصاری خود می رسد و صاحب امضا می شود. لحن، زبان و شگرد های خاص خود را دارد و دغدغه ها و حرف هایشان به راستی می تواند نماینده ذهنیت های فراموش شده بسیاری از زنان مهاجر باشد.

لختی تامل کن ای باد، قدری تحمل کن ای می

دردت بگیرد به جانم، لحنت بپاشد به ابرو

ای روی بازوی سردم، آتش بگیرد بپاشی

سرشار باشی بلندم، با زخمه از زخم زانو

فائقه جواد مهاجر

در سال های بعد کلی نگر به کلی از بین می رود. شاعران دقیق، جزئی و عینی می بینند و کمتر به سراغ مقولات ذهنی می روند. شعر زنان بیانگر رویاها، آرزو ها، رنج ها و دغدغه های آنان می شود. این تغییر در زبان نیز رخ می دهد. جنس واژه ها به تمامی امروزی می شود و لحن و شگرد های تازه ادبی مثل روایت، تغییر زاویه دید، مونولوگ، دیالوگ، فلاش بک و غیره وارد شعر می شود.

صبح می شود و باز کودکی بهانه گیر

خستگی، ملال، غم، نان و چایی و پنیر

چشم را نمی شود روی صبح وا کنیم

صبح، چادری به سر رفته پشت نان و شیر

صبح، رخت های چرک، صبح کوه ظرف ها

در اتاق کوچکی باز می شوی اسیر...

محبوبه ابراهیمی

قسمت هیجان نیست که هر نیمه شب

بر تخت من از روزنه پیغام انداخت

پرنده جان! غم نان حل نمی شود، بنویس

دوشنبه، دوم دیماه پسته می شکم

زهرا حسین زاده

یک مرد آمده / لباسم کند / بپوشاندم / کبریت بکشد

بی خنجرم کند رحیمه میرزایی

من به خوشبختی مردی می اندیشم / که هر روز گلی را

از پنجره کوچک تیمارستان / به سویم پرتاب می کند

و مرا به رقص می خواند مارال طاهری

گفته می شود استفاده کرده است و درجای دیگر واژه الکن را آورده است که در فارسی ایرانی به آن فانوس می گویند. این ناهماهنگی نه تنها در گفتار و نوشتار بلکه به نوعی سرگردانی در زندگی و اندیشه و آثار خلاقه مهاجرین افغانستانی نیز کشیده شده است.

سومین مشخصه مشترک بین زنان مهاجر افغانستانی پوست انداختن نسل تازه است و تفاوت بسیار عمیق دو سه نسل زنانی که در ایران زیسته اند و می زیند. نسل تازه تر هر چه پیش آمده بی پروا تر، جسورتر و پرخاشجو تر شده و همانقدر که به سنت های خودشان بی توجه و در زندگی سردرگم، کم عقیده و بی تفاوت شده اند در همان حال نوستالژی کمتری دارند، جستجو گر، جهان اندیش تر و راحت تر شده اند.

تقصیر من نیست اگر جور دیگری مرده ام

چهره از ملحفه به خیابان تف می شود

من که از دستمال قرمز مادر هم بی بهانه ترم

با دوست پسرم که اسم ندارد / انگشت می زنی

به آنکه جای کسی را تنگ کنیم مارال طاهری

من از جهان آزادی می آیم

و مجسمه های آزادی / ماده بودنم را بارها بوسیده اند...

لباس های گشاد بپوشم / و جهنم را با تف کردن نوزادی

سرد کنم / زیرا که من محراب را نویسیده ام

مریم ترکمنی

زنان این نسل راحت می توانند با نظام خلقت، با خداوند و با تمام مباحث ممنوعه نسل های پیش درگیر شوند. به زن بودن خودشان بپردازند و درباره موضوعات خصوصی مثل عشق حتی همخوابگی، بارداری و زفاف حرف بزنند.

قداست تمام چیزهای قدسی برای این نسل فروریخته و نظام حاکم تابوها را شکسته اند. اگر داشتن دوست پسر برای نسل قبل نوعی تابو بود، برای این نسل تعدد آنها نیز طبیعی است که می گوید با دوست پسری که اسم ندارد

شعر زنان مهاجر افغانستان در ایران طی چند نسل تغییرات فراوانی داشته است. در ابتدا شاعرانی بودند که یا در افغانستان شاعر شده بودند و یا حداقل دانایی شعریشان را آنجا کسب کرده بودند و یا اگر این همه در این سو اتفاق افتاده بود برخورد سنتی و ارزشی و سختگیر آنها ارتباطشان را با جامعه ادبی ایران محدود می کرد. بعلاوه که خیلی از مضامین راهی به شعرهای آنها نداشت. شعر ها یا فضای بسیار مردانه ای داشتند و یا به دغدغه ها و حماسه های مردانه می پرداختند.

بینی که در حق ما ظالمان چها کردند

و صد عمارت دیگر ز خون بنا کردند.

زهرا رسولی

و یا اگر زنانه شعر می گفتند باز این شعر احساساتی و رمانتیک و متأثر از چهارپاره های سیمین بیهانی بود.

هان مگو در بهای زن بودن / گوشه انزوا سزاست مرا

ناتوان، بیخوار، حقیر، ضعیف / ز آفرینش همین بهاست مرا

دو یتیم ز من پدر می خواست / سر پرست و ولی و نان آور

چه بگویم چه ها کشیدم آه / گاه بابا شدم گهی مادر

سیمین حسن زاده

با این که راوی این نوع شعر ها زن است اما نوع نگاه، تسلط ذهنیت مردانه را نشان می دهد. نوع کلمات، خشونت لحن و زبان تقریباً کهنه، شعرها را غیر ملموس و شبیه هم می سازد. گویی همه این شعر ها را یک نفر و در پاره های یک شعر نوشته است.

بعلاوه شگرد های ادبی در این نوع شعرها نیز بسیط، ابتدایی و متأثر از فضای کلاسیک است. در سال های بعد با ارتباط شاعران با فضای ادبی مدرن و همین طور آشنایی آنها با مجامع ادبی در ایران نوع نگاه، زبان

زنان مهاجر افغانستانی در ایران در چند چیز باهم فرق دارند. اول اینکه از وضعیت های متفاوتی به ایران مهاجر شده اند، وضعیت هایی با نسبت های فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی متفاوت. مثلاً زنان مناطق روستاهای مرکز افغانستان شکل و آداب زندگی شان با زنان مناطق شهری کابل و مزار یا زنان مناطق جنوب و غرب افغانستان خیلی تفاوت دارد؛ و دو دیگر وضعیت فعلی اجتماعی آنها نیز آنها را از هم متمایز می کند.

گروهی اینجا از مواهب و امکانات بهتر زندگی برخوردار شده اند و گروهی اصلاً نه. بعضی به اجتماعات فرهنگی جمهوری اسلامی مثل دانشگاه ها، فرهنگسراها و مراکز آموزشی راه یافته اند. بعضی دیگر به خاطر شکل متفاوت اقامت از لحاظ پناهنده گی، مهاجرت یا حضور غیر قانونی در ایران شاید حتی به مدرسه راه پیدا نکرده اند. با این وجود همه این جمعیت متنوع در چند چیز مشترکند.

اول این که علیرغم این که در ایران زندگی می کنند هیچ وقت نتوانسته اند در فضای اجتماعی ایران حل شوند یا خود را جزئی از این محیط بدانند و اغلب مناسباتشان درون قومی است و بیشتر باهمدیگر سروکار دارند. حداقل می شود گفت تا این اواخر همین طور بوده است. حتی برخورد آنها با محیط میزبان نیز با جبهه گیری و تعصب همراه بوده است.

نوستالژی وطن بخصوص بخاطر سال ها دوری و شناخت غیر دقیق از وطن - وطنی که برای آنها کاملاً انتزاعی بوده است - همیشه در بین این زنان تب داغی داشته است.

به همین دلایل آنها علیرغم همه تفاوت هایشان در مقابل جامعه ایرانی کنش های مشترکی داشته اند. به ندرت کسی از آنها (جدای از قوانین دولتی و سنتی افغانی) در ایران شاعلی شده اند و به این جهات اکثراً تودار، درونگرا و پرخاشگر به نظر می آیند.

در سینه ات می میرد آخر ماه و ماهی ها

آن وقت در لای ولجن درگیر می میری

دیوانه ای که با دهانی پر ز مروارید

در آگیری کوچک و دلگیر می میری

محبوبه ابراهیمی

حالا غروب ها به افق خیره می شود

کنجشک کوچکی که پریدن بلد نبود

وجیهه خدانظر

تو از شن های سرگردان نفهمیدی که دریا چیست

دهانت بوی ماهی می دهد دست از سرم بردار

زهرا حسین زاده

این نوع نوستالژی تنها به ذکر رنج های غربت و ابراز بی همدلی و یاد شهرها، پناهگاه ها و نشانه های وطن خلاصه نمی شود بلکه حتی گاهی به رجزخوانی و کنایه و گوشه زدن به جامعه میزبان نیز می انجامد.

و نعمتی است که ماندن کنار سایه باغت

چه سنگ ها که نخوردم از آسمان و کلاغت

محبوبه ابراهیمی

دومین نقطه اشتراک زنان مهاجر افغانستان در ایران این است که علی رغم همه جبهه گیری ها و جریده روی ها به شدت تحت تاثیر غیرمستقیم فرهنگ و جامعه ایران قرار گرفته اند. می گویم غیر مستقیم به این خاطر که شناخت آنها از جامعه ایرانی به سبب ارتباط و رفت و آمد با آنها نبوده است، بلکه بیشتر از جانب رسانه های دیداری، شنیداری و خواندنی بوده است. مثل تلویزیون و برنامه های تبلیغاتی آن، رادیو، روزنامه و کتاب.

میرهن است که چنین آشنایی تقریباً آشنایی کاذب و مبهمی است. این تاثیر که من براساس قاعده ای از ژاک لاکان، فیلسوف فرانسوی آنرا استنتاج کرده ام در زندگی مهاجرین افغانستانی در ایران نمود بسیاری دارد. از لهجه درمی که نه افغانی است و نه ایرانی گرفته تا زوایای مختلف زندگی شان که آنها را در استیصال شدیدی بین زندگی سنتی خودشان و زندگی تازه آموخته قرار داده است.

این سوی پنجره چشم های من / رویای تورا

در نابابوری عشق دوخته اند / دوست دارم وسعت پوستم را

با الکن آفتاب صبح... معصومه صابری

در این شعر یک جا شاعر از واژه پنجره به جای کلکن که در افغانستان



Tajikistan



اکنون برای نخستین بار است که این موضوع در سطح ریاست جمهوری مطرح شده و آقای رحمانف می خواهد خود را در این راستا برای دیگران نمونه قرار بدهد. ولی این سیاست تا چه حد موفق تمام خواهد شد؟ برخی از صاحب نظران در این مورد تردید دارند.

رفع موانع یا مشکلات نو

شاکر جان حکیمف، حقوقدان تاجیک که خیلی قبل به فرزندان بدون کاربرد پسوند های روسی نام گذاشته است، می گوید تصمیم رئیس جمهوری منجر به رفع بسیاری از موانع، از جمله کاغذ پرانی (بورکراسی) از سوی مسئولان اداره های ثبت اسناد خواهد شد.

دولت باید فضای فرهنگی تاجیکستان را تنظیم کند که خصوصیت های ملی داشته باشد، به منفعتهای ملی ما موافق باشد. از جمله رشد زبان ملی را به حال خود نگذارد، بلکه دولت تنظیم کاری کند که از آلایندها تازه شود.

از جمله بزرگداشت تمدن آریایی که در سال ۲۰۰۶ انجام شد، انتقادات و ابراز نگرانی هایی از سوی اسلام گرایان در مورد احیای سنت های پیش از اسلامی، بویژه اندیشه های زرتشتی را در پی داشته است.

ولی آقای رحمانف این نگرانیها را بی پایه خوانده و بارها گفته است که بزرگداشت تمدن آریایی تنها به خاطر احترام به فرهنگ گذشته است.

در همین حال، رئیس جمهوری تاجیکستان ضمن ملاقات با فرهنگیان در دوشنبه جانبداری خود از فعالیت های فرهنگی را ابراز داشته و سال ۲۰۰۸ را "سال فرهنگ" اعلام کرده است.

دولت تاجیکستان همچنین مصمم است امسال از ۸۰۰ سالگی جلال الدین رومی و در سال آینده از ۱۱۵۰ سالگی ابوعبدالله رودکی، سردفتر ادبیات فارسی، نیز تجلیل کند.

موثرترین و راحت ترین راه برای تبلیغ براحتی می توانید لیفلت ها و آگهی های خود را به همراه هفته نامه پرشین بخش نمایید. برای اطلاعات بیشتر با دفتر هفته نامه تماس حاصل فرمایید.

شوروی

هرچند نامهای پارسی با پسوندهای روسی در میان برخی از روشنفکران فارسی زبان، مانند میرزا فتح علی آخوندف، لاقول از قرن ۱۹ یکجا با اندیشه های روشنگرانه آغاز شد، ولی این نوع نام گذاری در واقع از زمان استقرار حکومت شوروی در قفقاز و آسیای میانه به شیوه گسترده و با حمایت رژیم کمونیستی وقت رواج یافت.

فرهنگیان تاجیک از تصمیم آقای رحمانف در مورد تبدیل نامهای خاص استقبال کرده اند.

حذف پسوندهای روسی از نامهای فامیل

امروز نامهای شمار زیادی از تاجیکان، به استثنای چند شاعر و نویسنده که از خود به شیوه محلی نام می برند، با پسوندهای روسی "اف" و "یف" و "اوا" و "یونا" همراه است.

ولی به نظر می رسد، امامعلی رحمانف، رئیس جمهوری تاجیکستان، می خواهد اکنون به این سنت تقریباً صدساله پایان بدهد.

آقای رحمانف در جریان دیدار با اهل و علم و فرهنگ تاجیکستان که روز سه شنبه در آستانه نوروز برگزار کرد، خواستار برانداختن پسوندهای روسی از نامهای تاجیکی شد.

وی از جمله گفت: "من تاجیک هستم، ملت من تاجیک است و الحمدالله مسلمان هستم، نامی که پدر و مادرم به من گذاشتند، "امامعلی" است، پدرم "رحمان"، خوب می شود که "امامعلی رحمان" باشد."

هنوز روشن نیست که آقای رحمانف نام خود را به شیوه رسمی تغییر داده یا خیر، ولی از روز چهارشنبه، ۲۱ مارس، تلویزیون تاجیکستان در برخی از برنامه های خود نام بردن از رئیس جمهوری به گونه "امامعلی رحمان" را آغاز کرده است.

"گرایش تازه ای نیست"

نام گذاری به شیوه ملی یا محلی در تاجیکستان گرایشی تازه نیست و دستکم از زمان پرسترویکا و گسترش اندیشه های آزادی خواهی در اتحاد شوروی آغاز شده است.

آکادمیسین شکوری می گوید دولت باید از فرهنگ و زبان ملی حمایت کند.

یکی از مفاد قانون درباره به رسمیت درآوردن زبان فارسی تاجیکی که برای نخستین بار در سال ۱۹۸۹ تصویب شد، احیای تدریجی روشهای ملی نام گذاری در تاجیکستان را در مد نظر دارد.

هرچند تمایل به نام گذاری ملی در میان عده ای از روشنفکران در پانزده سال اخیر گسترش یافته، ولی مقامهای دولتی خود را از این تمایل همواره بدور می داشتند.

اُفتادَن اُف...

• اسفندیار آدینه از دوشنبه

آقای رحمانف گفت که بهتر است نام او را "امامعلی رحمان" بگویند.

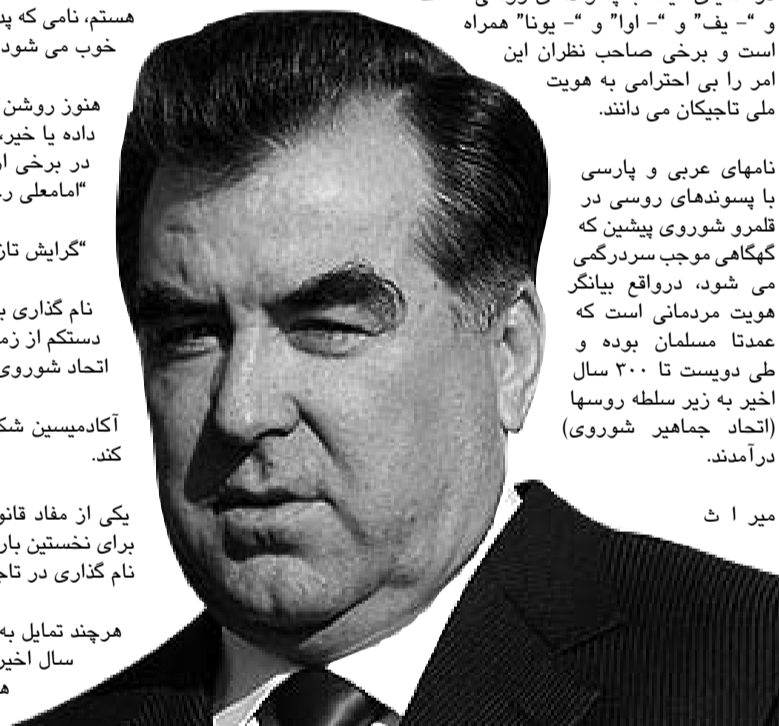
عده ای از روشنفکران از پیشنهاد رئیس جمهوری تاجیکستان در مورد برانداختن پسوندهای روسی از نام و نسب تاجیکان استقبال کرده اند.

امامعلی رحمانف، رئیس جمهور تاجیکستان، که می خواهد از این پس او را "امامعلی رحمان" بگویند روز سه شنبه، ۲۰ مارس، در دیدار با فرهنگیان تاجیک در آستانه نوروز، خواستار برانداختن پسوندهای روسی از نام و نسب تاجیکان شد.

نام و نسب تاجیکان از زمان برپا شدن حکومت اتحاد جماهیر شوروی سابق در آسیای میانه با پسوندهای روسی "اف" و "یف" و "اوا" و "یونا" همراه است و برخی صاحب نظران این امر را بی احترامی به هویت ملی تاجیکان می دانند.

نامهای عربی و پارسی با پسوندهای روسی در قلمرو شوروی پیشین که گهگاهی موجب سردرگمی می شود، در واقع بیانگر هویت مردمانی است که عمدتاً مسلمان بوده و طی دویست تا ۳۰۰ سال اخیر به زیر سلطه روسها (اتحاد جماهیر شوروی) درآمدند.

میرا



سال زبان فارسی در تاجیکستان

"امامعلی رحمان" رئیس جمهوری تاجیکستان به منظور ترویج و حمایت از زبان و ادب فارسی تاجیکی، سال ۲۰۰۸ میلادی را "سال زبان فارسی تاجیکی" در این کشور اعلام کرد.

به گزارش روز سه شنبه خبرگزاری "خاور"، وی که در همایشی به مناسبت هجدهمین سالگرد گرامیداشت زبان فارسی تاجیکی سخن می گفت، افزود: زبان تاریخی فارسی تاجیکی به خاطر محدود بودن فضای استفاده از آن در برنامه های رسانه ای با ضعف و کاستی مواجه شده است.

به گفته رحمان، هم اکنون بخشی از مطبوعات، رادیو و تلویزیون و شبکه های فعال رسانه ای تاجیکستان مطالب را با زبان های غیر فارسی از جمله روسی پخش می کنند که باعث کاهش میزان آگاهی مردم از زبان مادری و خسارت به زبان فارسی تاجیکی می شود.

وی با تاکید بر ضرورت گسترش کاربرد زبان فارسی تاجیکی به عنوان زبان ملی تاجیکستان در رسانه های این کشور اظهار داشت: پژوهش درباره زبان فارسی و فراهم کردن امکانات آموزشی از وظایف عمده هر نهاد دولتی بخصوص "انستیتو زبان و ادبیات رودکی" این کشور است.

رئیس جمهوری تاجیکستان کاربرد دقیق اصطلاحات و واژه های زبان فارسی، پژوهش بیشتر درباره صرف و نحو زبان ادبی تاجیک و چاپ و نشر فرهنگ های تفسیری و فرهنگ املائی زبان فارسی تاجیکی را برای رشد این زبان مهم خواند.

رحمان همچنین دستور داد که تا سال دیگر فرهنگ جدید زبان تاجیکی در دو جلد آماده و منتشر شود.

تاجیکستان با بیش از هفت میلیون نفر جمعیت تنها کشور فارسی زبان آسیای میانه است.

پس از استیلائی نظام شوروی سابق در ۸۰ سال پیش، مردم فارسی زبان این جمهوری مجبور شدند از زبان روسی بعنوان زبان رسمی و زبان اول خود استفاده کنند.

همین موضوع باعث شد تا طی این مدت واژه های روسی زیادی در زبان رایج تاجیک رسوخ کند.

در حالیکه از زمان استقلال این کشور فارسی زبان ۱۵ سال می گذرد همچنان بسیاری از مطبوعات و رسانه های این کشور با زبان روسی مطلب منتشر می کنند.



گذری بر فرهنگ و ادبیات آذربایجان

Azerbaijan

azari@persianweekly.co.uk

کردند و در زمانی که برای گفتگو به مکانی نزدیک شده بودند تپه‌های سپاه افشین وارد شهر شدند و آتش گشودند و شهر را ویران ساختند عده کثیری کشته شدند (به طوری که بعد از گذشت سه روز اثری از شهر به جا نماند) گروهی بر فراز قلعه بابک رفتند و پرچم اسلام را در آنجا بر افراشتند. در نتیجه خبر به بابک رسید و او مکان گفتگو و صلح را ترک کرد و خود را به شهر رساند. ولی دیر شده بود و خانواده بابک از جمله پسرش اسیر شده بودند. افشین پسر بابک را مجبور به نوشتن نامه ای کرد تا بنویسد که بابک (پدرش) اگر تسلیم شود به صلاح همگان است. نامه به دست بابک رسید و او که به همراه زن و مادر و یک برادرش به قصد ارمنستان سفر میکرد با خواندن نامه بر افروخته شد و گفت اگر آن جوان پسر من بود باید جوانمردانه میمرد نه اینکه خودش را تسلیم دشمن کند و به پیام آوران نامه گفت به او بگویند حیفا از نان من که بر تو است اگر زنده بمانم میدانم با تو چه کنم. در چند روز بعد مادر و زن و برادرش دستگیر شدند و بابک به تنهایی مجبور به فرار به ارمنستان کرد. افشین که برای دستگیری بابک جایزه های زیادی گذاشته بود مردم را به به فروختن بابک تحریک کرد. و در نهایت یکی از کشاورزان که رخت و لباس برآزنده و شمشیر زرین او را دید متوجه شد او شخص معمولی نیست و احتمالاً بابک خرمدین است و در نتیجه او را به منزل دعوت کرد و بابک که خسته از راه و جنگ و زندگی دعوتش را پذیرفت.

و بعد سراغ کشیش شهر رفت و او را خبر داد و در نتیجه کشیش بعد از چند روز پذیرایی از بابک و جلب اعتماد وی محل او را به افشین اطلاع داد و در نتیجه بابک دستگیر شد. سپس او را دست بسته به قرارگاه افشین بردند و در بین راه مردم جمع شده بودند و از دستگیری رهبر محبوبشان زنان شیون میکردند و بر سر میزدند. سپس خلیفه جایزه بزرگی به افشین داد و دستور داد تا بابک را به سامرا منتقل کنند و او را در لباسی زنانه و حنا کرده همراه با نقش و نگار در شهر گرداندند تا درس عبرتی برای دیگران شود و سپس مراسم اعدام او با هیاهو و شلوغی زیادی آماده اجرا گشت. "ابن الجوزی" مینویسد معتصم در کنار بابک نشست و گفت تو که اینهمه استقامت و مبارزه کردی حالا مشخص خواهد شد که چقدر تحمل داری. بابک نیز گفت: خواهیم دید. چون یک دست بابک را با شمشیر زدند خون از بازویش فوران کرد و او صورتش را از خون

دستانش رنگین کرد. خلیفه پرسد چرا چنین کردی؟ بابک گفت: وقتی دستهایم را قطع کردی خون بدنم خارج میشود و چهره ام زرد رنگ و آنگاه تو خواهی گفت که چهره من از ترس مرگ زرد شد و من مایل نیستم چهره زرد رنگ مرا دشمن ببیند. سپس پاهای بابک قطع شد و شکمش را دریدند و در نهایت سر از بدنش جدا کردند و لاشه بابک را بر روی چوبه داری بلند در سامرا قرار دادند و سرش را خلیفه برای عبدالله طاهر به

خراسان فرستاد. اعدام بابک چنان مهم بود که محل دارش تا چند قرن به نام "خشب بابک" (چوبه دار بابک) شهرت همگانی داشت. برادر بابک نیز مانند وی طبق گفته طبری تکه تکه شد و او هم مانند برادر فریاد و شیونی از دنیا رفت. هم اکنون مراسم یادبود این سردار در شهر کلبر در آذربایجان بر فراز کوهی که قلعه او هم آنجا قرار دارد همه ساله گرامی داشته میشود. بدین گونه بابک خرمدین بعد از ۲۲ سال مبارزه پر افتخار برای کشورش که در تمام جنگها با اعراب پیروز بیرون می آمد با توطئه یک ایرانی فراری و مردم ناسپاس گرفتار شد و زندگی اش به پایان رسید.

بابک خرمدین



دختران مرا میبیری؟ مرد عرب جواب نداد و اعتنايي نکرد. پدر بجست و کاردی بزد و برشکمش فرو برد. خبر به سران قبیله رسید و تمام مردانی که در آن روستا قادر به جنگ بودند به جهت تنبیه کشتند. ابومسلم شرق ایران را از اعراب پاکسازی کرده بود و آذربایجان همچنان در قدرت اعراب بود. بنابراین بابک برخاست و به پشتوانه مردم دست به نهضتی زد که در تاریخ همیشه جاوید ماند. نخستین درگیری سپاه مامون با بابک در سال ۲۰۴ ق گزارش شده است و نتیجه این جنگ پیروزی بابک شد. سال دیگر مجددا لشکری از اعراب برای مبارزه با بابک عازم آذربایجان شد و در نتیجه سپاه اعراب در سال ۲۰۶ ق توسط بابک به کلی در هم کوبیده شد. بعد از آن در سالهای ۲۰۶ تا ۲۱۲ هر سال سپاه عباسی عازم جنگ با بابک شدند که هر باره شکست خوردند. در سال ۲۰۹ ق در دو نبرد بزرگ دو تن از فرماندهای برجسته مامون به قتل رسیدند. در سال ۲۱۲ ق محمد ابن حمید طوسی با سمت والی آذربایجان اعزام شد و سپاه بزرگی در اختیارش گذارند تا به کار بابک خاتمه دهد. محمد بن حمید نزدیک به دو سال با بابک درگیر جنگ بود که در نهایت در ربیع الاول ۲۱۴ ق / خرداد ۲۰۸ ش محمد ابن حمید در کنار روستای بهشت آباد کشته شد و سپاه او به کلی منهدم گشت. بعد از این پیروزی های چشمگیر بابک به گفته تاریخ طبری مردم تا اصفهان و همدان به جنبش او پیوستند. در آن زمان مامون در سال ۱۸ رجب ۲۱۸ ق درگذشت و برادرش معتصم به جایش نشست. او بلافاصله لشکری به غرب ایران گسیل کرد که به گفته تاریخ طبری در اواخر این سال شست هزار نفر از روستائیان همدان را قتل عام کردند. ولی در نهایت بابک سپاه معتصم را شکست داد و مرز فعالیت بابک تا بغداد هم رفت و معتصم از بیم حمله بابک به کاخ محل خود را به سامرا منتقل نمود و آنجا در آینده پایتخت دولت عباسی شد. در آن زمان معتصم مبارزه با بابک را به دست یک شاهزاده ایرانی فراری که به وی پناه آورده بود به نام افشین داد که از خاندان ساسانی بود. افشین که به دستور معتصم قصد جان بابک را کرده بود تصمیم به جنگ با وی کرد ولی از آنجا که میدانست در این جنگ باید تعدادی زیادی از هموطنان خود را بکشد دست به گفتگو زد و از مردم خواست تسلیم وی گردند. به گفته تاریخ طبری میگوید تعدادی زیادی از مردم که از جنگ و کشتار به تنگ آمده بودند تسلیم افشین شدند. و افشین در یورش به سپاه بابک تعداد زیادی از آنها را کشت (در زمستان ۲۱۴ ش) و بابک مجبور به فرار گشت. به مناسبت مناطق کوهستانی و سرما افشین به برزند برگشت. بعد از گذشت دو سال (در سال ۲۱۶ ش) بابک موفق به جمع آوری سپاه دیگری شد و آماده مقابله با افشین گشت و بعد از چندین نبرد با افشین هردو تصمیم به صلح

کتنی در شمال و بالاسر شهر اهر یا اندکی مایل به شرق نهاده بوده است " مکانی را که کسروی از قول خود و یعقوبی ذکر کرده با موقعیت فعلی کلبر تطبیق می کند. بدین ترتیب می توان گفت قلعه جمهور که از دوران قدیم همچنان محکم و استوار بر رفیع ترین قله های آذربایجان خودنمایی می کند به عنوان جایگاه بابک خرمدین و یکی از نمدهای استقامت و پایداری ایرانیان جزو بزرگترین نمونه های معماری ایران محسوب می شود.

بابک خرمدین سردار جاوید ایران

با فروریزی شاهنشاهی ساسانی عربها که از ژرفای بیابانهای عربستان به ایران آمده بودند نظامی را بر پا کردند که ایران را به ما قبل دوران مادها برد. ولی خوشبختانه با پیروزی انقلاب بزرگ شرق به رهبری بزرگ مردی به نام ابومسلم خراسانی نظام شبه برده داری و شبه فئودالی اعراب به یکباره فرو ریخت و دوباره ایرانیان اصیل به حکومت بازگشتند و مملکت را در دست گرفتند و تلاش برای از بین بردن نظام شبه فئودالی و برده گی اعراب را آغاز کردند. پیشگامان این شورش بزرگ برای رسیدن به ایرانیت از جمله میتوان به استادسیس - یوسف برم - سپیدجامگان - سرخ جامگان - حمزه آذکر - سیستانی و بابک خرمدین نام برد. خرمدین در آن زمان به کسانی گفته میشد که دارای دین بهی میبودند که آنرا زرتشتی مینامیدند. در انجمن بابک گریستن معنی نداشت و آنان از آیین زرتشتی و مزدکی پیروی میکردند و گریستن را جزو مکروهات دین میدانستند و شاد زیستن را مستحبات. اما شاد زیستن برای آنان به این معنا بود که تنها زمانی انسان میتواند شاد باشد که در جامعه محرومیت نباشد و مردم در رفاه باشند. آنان از آیین زرتشتی پیروی میکردند و چراگاهها و رودخانه ها و زمینهای کشاورزی را برای مردم رایگان قرار دادند تا اربابان نتواند حقی از کشاورزان ضایع کنند و سپس ازدواج یک مرد با دو زن در یک زمان را منع کردند و مساوات بین زنان و مردان را برقرار کردند. بابک سردار ایران در آغاز قرن دوم و به عبارتی در سال ۲۰۰ ق جنبش خود را رسماً آغاز کرد. "ابن حزم" مینویسد ایرانیان از نظر وسعت ممالک و فزونی نیرو بر همه ملتها برتری داشتند. مرکز فعالیت بابک در آذربایجان بود. به گزارش "بلذری" در حاکمیت ابن فیس اعراب گروه گروه به آذربایجان خیزش میکردند و اموال و زمینهای آنان را تصرف کردند. طبق تاریخی بخارا از اعراب چنین میگوید: مردی وی را دو دختر بود که "ورقا ابن نصر" هردو دختر را بیرون کشید. مرد گفت: از بین این شهر بزرگ چرا

ادامه از شماره قبل
در تکیه گاههای طبیعی این دیواره ها و چهار جهت بنا چهار جایگاه برای دیده بانها به صورت نیمه استوانه ساخته شده اند. اینها مقر کوهبانیه ها و سربازانی است که هر جنبنده ای را تا کیلومترها دورتر، از فراز دره ها و کوهپایه ها زیر نظر می گرفتند. پس از صعود، برای ورود به دژ اصلی از مدخل دیگری با پلکانهایی نامنظم باید عبور کرد. طرفین مدخل دژ بوسیله دو ستون کاذب مشخص شده. بنای دژ که دو طبقه و سه طبقه می باشد پس از ورودی قرار گرفته است و پس از آن تالار اصلی وجود دارد که اطراف آن را هفت اتاق فرا گرفته است، اتاقهایی که به تالار مرکزی را دارند. در قسمت شرقی دژ تاسیسات دیگری مرکب از اتاقها و آب انبارها ساخته شده است؛ سقف آب انبارها با طاق جناغی و گهواره ای استوار شده اند. محوطه داخلی آنها نیز بوسیله نوعی ساروج غیر قابل نفوذ گردیده و به هنگام زمستان از برف و باران پر شده و در تابستان و هنگام مضایق و محاصره ها از آب آنها استفاده می شده است. در سمت شمال غربی دژ پلکانهایی سرتاسری وجود داشته که اکنون ویران شده و قسمتهایی از آن بیرون خاک است و تنها راه صعود به بخشهای مرتفع تر بناست.

از آثار معماری و برخی از سنگهای زبره تراش و روش چفت و بست سنگها و ملات ساروج و اندود دیوارها از نوعی گچ و خاک می توان به یقین اظهار داشت که ساختمان این دژ و قلعه در روزگار اشکانیان و بخصوص ساسانیان ساخته شده است. در قرون دوم و سوم و تاچند قرن پس از آن مورد تعمیر و مرمت قرار گرفته و تغییراتی در آن بوجود آمده و الحاقاتی در بنا ایجاد شده است. در مورد اشیا و ایزاری که از قلعه بابک به دست آمده باید گفت که نخستین اشیا بدست آمده سفالینه های منقوش و لعاب خورده بود که یک دوره استقرار تا اوایل قرن هفتم هجری را نمایش می داد. همچنین تعدادی سکه های مسی کشف شدند که برخی از آنها به علت سببیدگی و زنگ خوردگی فراوان غیر قابل خواندن است و در بین این سکه ها برخی مربوط به اتابکان آذربایجان و هزارسبیان (قرون ششم و هفتم هجری) هستند. به لحاظ سوق الجیشی موقعیت استقرار بنا بر فراز قله به گونه ایست که بیست نفر سپاهی قادر بوده اند هجوم یک سپاه صد هزار نفری را مانع شود و تلفاتی هم نداشته باشند، چه تیرو کمان و اسلحه معمول زمان را به سربازان و مستحفظانی که بر بلندی موضع می گرفتند به جهت بعد مسافت کارگر نمی افتاده است. بدون این که قصد اغراق در بین باشد موقعیت مستحکم قلعه و دژ، آن چنان اعجاب انگیز است که از نبوغ نظامی و آگاهی کامل بنیان گذار آن حکایت می نماید. از همین جا بوده است که بابک خرم دین و یارانش به مدت بیست و چند سال لشکریان عرب را که به قصد محاصره و سرکوب جنبش او آمده بودند در کوهها سرگردان و با شیبخون های خود آنها را از دم تیغ گذرانده و وادار به فرار می کردند. ابوعلی بلعمی در ترجمه تاریخ طبری راجع به مکان بابک می نویسد:

" ماویگاه او در کوههای ارمینه و آذربایجان بود، جایهای سخت و دشوار، که سپاه آن جادر نتوانستی رفتن، که صد پیاده در گذاری بیستاندندی، اگر صد هزار سوار بودی بازداشتندی و کوهها و دریند ها سخت بود اندر یکدیگر شده، در میان آن کوهها حصاری کرده بود که آن را << بڈ >> خواندندی و او ایمن در آنجا نشسته بودی، چون لشکری بیامدی گرداگرد آن کوهها فرود آمدندی و بدیشان راه نیافتندی و او آنجا همی بود تا روزگار بسیار برآمد، چون امن یافتندی یک شیبخون کردندی و خلقی را هلاک کردی و سپاه اسلام را هزیمت کردی تا دگر باره سلطان به صد جهد دگر باره لشکر گرد کردی و بفرستادی و بدین جملت بیست سال بماند و آن مردمان که در آن کوهها بودند از دهقانان، همه متابع او بودند گروهی از تتبع و گروهی از بیم ... "

جهت تطابق محل بابک خرم دین با بنای جمهور اشاره ای به چند نمونه از منابع تاریخی خواهیم داشت. بسیاری از مورخین جایگاه بابک کوهستان "بڈ" نام برده اند و برخی نیز آن را بڈین نامیده اند. در کتاب معجم البلدان آمده است: " بڈ ناحیتی است در میان آذربایجان که بابک خرمی در زمان معتصم از آن برخاست". احمد کسروی نیز در کتاب شهریاران گننام از قول یعقوبی می نویسد: " شهر بڈ که سپس به جهت خروج بابک خرمی در آنجا معروف گردید در کنار رود ارس از این سوی نهاده بود ... از روی تحقیقی که ما کرده ایم بڈ در خاک " قرجه داغ "



AN INTRODUCTION TO PERSIAN MUSIC (By Professor Hormoz Farhat)

The artistic gift of the Persian people has produced a staggering literary heritage, an exquisite tradition of decorative arts and handicrafts, a superb legacy in architecture, and a refined musical culture whose influence is evidence as far away as Spain and Japan.

Historic Retrospective

The history of musical development in Iran [Persia] dates back to the prehistoric era. The great legendary king, Jamshid, is credited with the invention of music. Fragmentary documents from various periods of the country's history establish that the ancient Persians possessed an elaborate musical culture. The Sassanian period (A.D. 226-651), in particular, has left us ample evidence pointing to the existence of a lively musical life in Persia. The names of some important musicians such as Barbod, Nakissa and Ramtin, and titles of some of their works have survived. With the advent of Islam in the 7th century A.D. Persian music, as well as other Persian cultural traits, became the main formative element in what has, ever since, been known as "Islamic civilization. Persian musicians and musicologists overwhelmingly dominated the musical life of the Eastern Moslem Empire. Farabi (d. 950), Ebne Sina (d. 1037), Razi (d. 1209), Ormavi (d. 1294), Shirazi (d. 1310), and Maraqi (d. 1432) are but a few among the array of outstanding Persian musical scholars in the early Islamic period. In the 16th century, a new "golden age" of Persian civilization dawned under the rule of the Safavid dynasty (1499-1746). However, from that time until the third decade of the 20th century Persian music became gradually relegated to a mere decorative and interpretive art, where neither creative growth, nor scholarly research found much room to flourish. Since the early 20ths, once again, Persian music began to find broader dimensions. An urge to create rather than merely perpetuate the known tradition, and an interest to investigate the structural elements, has emerged. Fundamentally, however, what can be still recognized as the national music of Iran [Persia] is the tradition of the past with marked imprints of 19th century performance practices. This traditional or classical music represents a highly ornate and sophisticated art whose protagonists are professional city musicians. Prior to the present century, such musicians were patronized by the nobility. Today, in a progressively modernizing society, they are generally engaged by broad casting and television media. They are also active as teachers both privately and at the various scholars and conservatories of music.

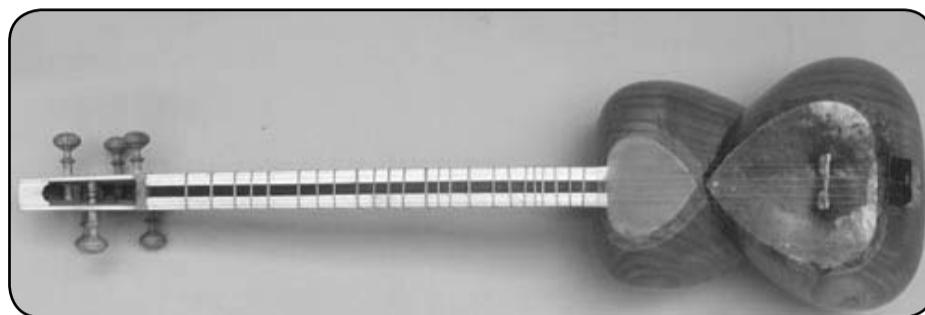
Structures

Perpetuated through an oral tradition, the classical repertoire encompasses a body of ancient pieces collectively known as the RADIF of Persian music. These pieces are organized into twelve groupings, seven of which are known as basic modal structures and are called the seven DASTGAH (systems). They are: Shour, Homayoun, Segah, Chahargah, Mahour, Rast-Panjgah, and Nava. The remaining five are commonly accepted as secondary or derivative Dastgahs. Four of them: Abouata, Dashti, Bayat-e Tork and Afshari are considered to be derivatives of Shour; and, Bayat-e Esfahan is regarded to be a sub-dastgah of Homayoun. The individual pieces in each of the twelve groupings are generally called GOUSHEH, but each gousheh has a specific and often descriptive title. A gousheh is not a clearly defined musical composition; rather, it represents modal, melodic, and occasionally rhythmic skeletal formulae upon which the performer is expected to improvise. Thus, the radif submits an infinite source of musical expression. The flexibility of the basic material and the extent of the improvisatory freedom is such that a piece played twice by the same performer, at the same sitting, will be different in melodic composition, form, duration and emotional impact. The principle involved in the construction of Persian modes is based on the concept of conjunct and disjunct tetra chords comparable to the ancient Greek system. Chromaticism is not used and an octave never contains more or less than seven principal tones. Contrary to a persistent popular notion no such a thing as a quartertone exists in Persian [Iranian] music. A very characteristic interval, however, is the neutral, second. This is a highly flexible interval; but, in all its variations, it is noticeably larger than the minor second (half-step) and smaller than the major second (whole-step). Another interval peculiar to some of the modes is an interval which is larger than the major second, but not sufficiently large to be an augmented second. In authentic Persian music the western augmented second is not used. Rhythmically, the majority of gushes are flexible and free and cannot be assigned to a stable metric order. However, in every dastgah, there are a number of metrically regulated gushes which are played among the free meter pieces in order to provide periodic variety in rhythmic effects. Both, double and triple meters are common; asymmetric meters, found in the folk music of certain regions, are rare in the classical music. As in the case of many non-western musical cultures, Persian music has not evolved a systematic harmonic practice. The development of this music has been primarily melodic. As such it has attained a far greater measure of melodic refinement and subtlety western music.

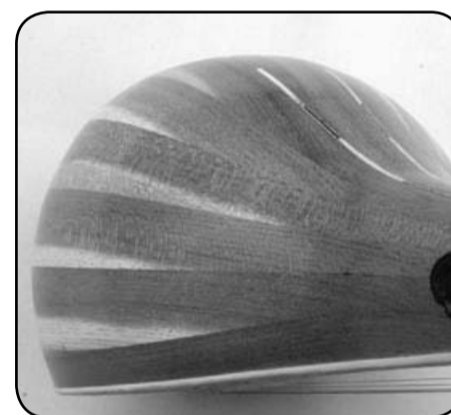
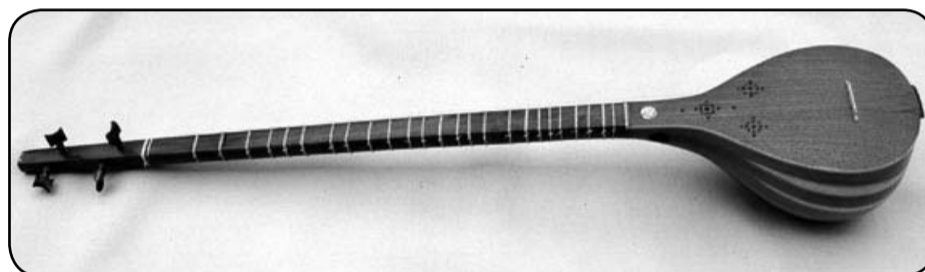
Instruments

The musical instruments which have been known in the long history of Iran (Persia) are too numerous to name here. The following are those instruments, which are widely used at the present time:

Tar: A plucked string instrument with six strings and a range of two octaves and fifth.



Setar: An instrument related to the tar with the same range, but with four strings. The setar is strummed by the nail of the right index finger.



Oud: The Arabian name for the ancient Persian instrument called barbat. It is also a plucked string instrument with nine to eleven strings. The European lute is a derivative of the Oud.

Kamancheh: A bowed instrument with four strings, played in the fashion of the violoncello, but with a size and tone range comparable to the violin.

Santour: A dulcimer played with delicate wooden mallets, with a range exceeding three octaves.

Ney: Generic name for numerous varieties of flutes.

Tombak (Tumbak ~ Tunbak ~ Zarb): The principal percussion instrument in the [Persian] classical music. It is vase shaped drum open on the narrow end and covered with a tightly stretched skin on the other side.

Dayereh: Tambourine.

Folk and Popular Music

The modal concepts in Persian folk music are directly linked with that of the classical music. However, improvisation plays a minor role as folk tunes are characterized by relatively clear-cut melodic and rhythmic properties. The function of each folk melody determines its mood. The varying aesthetic requirements of wedding songs, lullabies, love songs, harvest songs, dance pieces, etc., are met with transparent and appropriate simplicity. The majority of the classical instruments are too elaborate and difficult for the folk musicians. Instead, there are literally dozens of musical instruments of various sorts found among the rural people. In fact, each region of the country can boast instruments peculiar to itself. Three types of instruments, however, are common to all parts of the country. They are, a kind of shawm called Surnay (or Sorna ~ Zorna), the various types of Ney (flute), and the Dohol, a doubleheader drum. A discussion of Persian music must necessarily include the new hybrid of mixed Persian-Western music which is functioning as a popular-commercial music. The use of western popular rhythms, an elementary harmonic superimposition, and relatively large ensembles composed of mostly western instruments, characterize this music. The melodic and modal aspects of these compositions maintain basically Persian elements. On the whole, it would be something of an understatement to say that the artistic merit of such a melange as this is rather questionable.

اتو آریا
 انواع طراحی وب سایت
 تبلیغات و گرافیک
 020 8452 9100

Persian Weekly
 Persian Weekly Newspaper

انواع طراحی وب سایت
 تبلیغات و گرافیک
 Media of Persia ...
 020 8453 7350

www.persianweekly.co.uk

31 Aug 2007 9th Issue

چنانچه قبلاً تصادف کرده‌اید و هنوز
 مشکلاتتان حل نشده با ما تماس بگیرید.

License No. : CRM3039

EU Accident Management

Replacement Vehicle, Repair, Loss of Earnings, Injury Compensation

www.euaccident.com



دریافت خسارت بیمه شخصی
 جایگزینی اتومبیل تصادفی با اتومبیل جدید (تاکسی - مینی کپ)
 جایگزینی مینی کپ تصادفی با مینی کپ جدید
 دریافت درآمد شما در مدت بیکاری و تصادف
 حمایت کردن از بالا نرفتن بیمه

Head Injury
 £1000 - £220000

Neck Injury
 £1000 - 282000

Back Injury
 £1000 - £71000

Leg Injury
 £1000 - £155000

Knee Injury
 £1000 - £52000



Car Hire

P.C.O REGISTERED
 MINI CAB DRIVERS

084 5430 0347 BT Local Rate

079 8082 3895

078 9153 0392

Fax: 084 5430 0346

SUIT K, TUDOR HOUSE, LANVANOR RD, NW2 2AR



برای اطلاعات بیشتر با تلفنهای:

020 8453 7314

فارسی زبانان می توانند با تلفن دفتر روزنامه پرسن
 تماس حاصل نمایند.

LORDS BUSINESS CENTRE

اجاره واحدهای اداری در STAPLES CORNER

طراحی وب سایت و انواع طراحی گرافیکی به زبانهای پشتو و اردو

020 8453 7350 - 077 3311 3137